

حسابرسی در عصر دانش و اطلاعات

آینده‌ای که امروز آن را پیش‌بینی و ترسیم می‌کنیم، اجتناب‌ناپذیر است اگر بدانیم که می‌خواهیم چگونه باشد، می‌توانیم بر آن تاثیر بگذاریم در روزگار تغییر مداوم و سریع که حتی مقوله تغییر هم دچار تغییر می‌شود ما می‌توانیم و باید که مسئول سرنوشت خویش باشیم.

غلامحسین دوانی

عضو شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران

ترکیب می‌کند. این تکنولوژی به جای حرکتی آرام و خزانده به آینده می‌جهد. نگاهی به فعالیتهای مغز انسان و کامپیوتر مشخصه‌های اصلی و تفاوت‌های این جهش را نمایش می‌دهد (نمودار ۴ و ۵).

گفته می‌شود اگر صنعت اتومبیل‌سازی با همان شکل سرعتی پیشرفت کرده بود که ظرفیت پردازش کامپیوتر پیشرفت می‌کند، اکنون شاهد ساخت یک اتومبیل رولزرویس بودیم که در هر چهار صد مایل یک گالن بنزین مصرف می‌کرد و یک دلار قیمت داشت. تکنولوژی زیستی رشته کاملاً جدیدی است که بر اثر DNA یعنی رمز ژنتیکی موجود در کانون حیات شکل گرفته است. طول عمر تکنولوژی زیستی به عنوان یک صنعت و یک علم فقط یک نسل است. تکنولوژی اطلاعات و تکنولوژی زیستی چنان با سرعت پیشرفت کرده‌اند که نتایج حاصل از آنها در حال حاضر غیرقابل پیش‌بینی است. سیر تطور سرمایه‌داری و انفورماتیک موج جهانی شدن را به همراه داشته که جهانی شدن اقتصاد زیر بنا و مفاهیم اساسی بسیاری یافته‌های بشری را دچار تغییر و تحول اساسی ساخته است. به طوری که مشخصه‌های جهانی شدن در ابعاد اقتصاد، سیاست و فرهنگ امروزه به یک باور عمومی تبدیل شده است. (نمودار ۳)

می‌دهند در حالی که انسان غیرمعقول جهان را بر خود منطبق می‌کند.

تغییر اگر تحمیل شود فاجعه بار می‌آورد اما اگر به استقبال آن روند می‌توانند بر امواج آن سوار شوند و فرصتهای جدید را به چنگ آورند قبل از آنکه برایمان فکر کنند خودمان فکر کنیم. با این مفروضات می‌توان به طور کلی مختصات و مشخصات قرن بیستم و هزاره سوم را به شکل نمودارهای ۱ و ۲ نمایش داد.

تغییر تدریجی، ناگهان به تغییر ناپیوسته تبدیل می‌شود که آنرا در ریاضیات نظریه فاجعه‌ها می‌نامند. این نظریه در ریاضیات به بررسی منحنی‌های ناپیوسته در پس‌پس‌پس‌های مشاهده شده می‌پردازد. نمودارهایی که بصورت حلقه در می‌آیند با شبیهی تند نزول می‌کنند یا به صفحه‌های نامعلوم می‌روند.

از طرف دیگر ترکیب تکنولوژی و اقتصاد در اواخر قرن بیستم و هزاره قرن سوم آینده‌ای نیرومند پدید می‌آورند زیرا: تکنولوژی اطلاعات (IT)، تکنولوژی زیستی و اقتصاد تغییر یابنده، جهان را به یک مکان متفاوت تبدیل می‌کنند. تکنولوژی اطلاعات، قدرت پردازش کننده کامپیوتر را با امواج کوتاه، ماهواره‌ها، کابل‌های فیبر نوری و ارتباطات راه دور

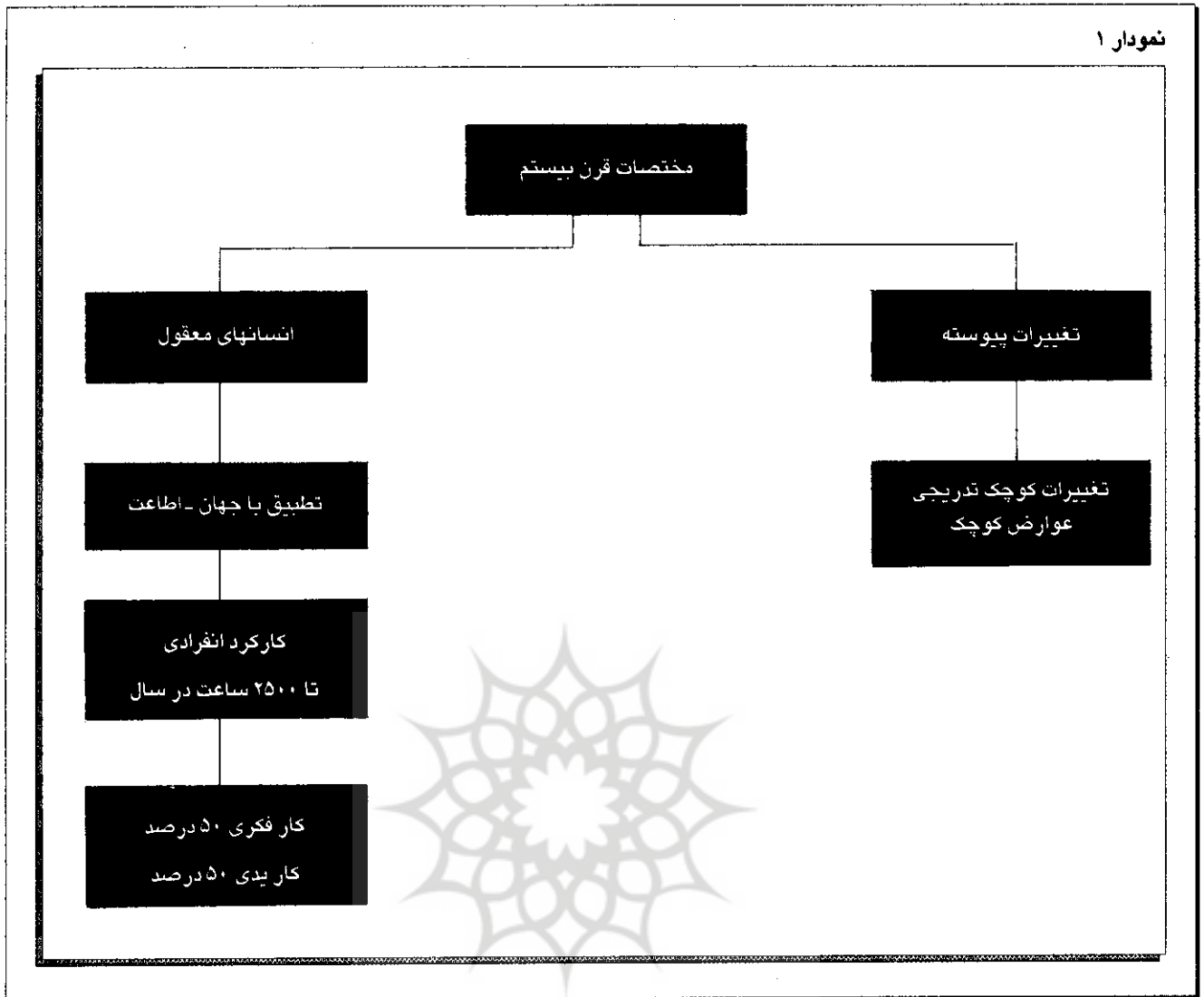
مداخل بحث

با پایان قرن بیستم، مکاتب فکری همراه با علم، همچنین مکاتب فکری همراه با قدرت، دچار بحران شده‌اند. این بحران، باعث می‌شود که علوم سخت و علوم اجتماعی بیشتر به یکدیگر نزدیک شوند. در واقع چارچوب مفهومی جدیدی که نظام‌های تکاملی پیچیده عرضه می‌دارند، مجموعه‌ای از آرمانهای مرتبط با هم نظیر آینده‌های چندگانه، گزینش و دو شاخه شدن‌ها و عدم قطعیت ذاتی برای علوم اجتماعی را به بار می‌آورد.

آینده‌ای که امروز آن را پیش‌بینی و ترسیم می‌کنیم، اجتناب‌ناپذیر است اگر بدانیم که می‌خواهیم چگونه باشد، می‌توانیم بر آن تاثیر بگذاریم در روزگار تغییر مداوم و سریع که حتی مقوله تغییر هم دچار تغییر می‌شود ما می‌توانیم و باید که مسئول سرنوشت خویش باشیم.

تغییر پیوسته، تغییری راحت است در چنین حالتی، گذشته چراغ راه آینده است. در حالی که تغییرات ناپیوسته چون ناگهانی و انفجاری هستند لزوماً با گذشته ارتباط ندارند.

برنارد شاو زمانی گفته بود پیشرفت یکسره به انسانهای غیرمعقول وابسته است زیرا انسانهای معقول خود را با جهان تطبیق



ساکتی که با احساسات خود و دیگران هماهنگ هستند که اشخاصی مانند شاعران و مشاوران، از آن برخوردارند.

هوش میان شخصی: توانایی برقراری ارتباط با سایرین و انجام کارها با دیگران و از طریق دیگر. مدیران باید علاوه بر داشتن هوشهای نوع اول یا دوم، از این مهارت نیز برخوردار باشند.

گفتار بحث

اگر چه امر حسابرسی در کشور حداقل به سالهای ۱۳۳۰ باز می‌گردد، اما متأسفانه هنوز جایگاه خاص خود را در کشور باز نیافته است. موضوع بازرسی و حسابرسی در کشور از دیرباز فاقد یک پشتوانه قانونی

کلیه امتحانات متداول مردود شد. (هوش موسیقایی: بعضی از موسیقیدانان، مثلاً ستاره‌های موسیقی پاپ، به لحاظ تحلیلی هوشمندند، اما بسیاری از آنها این طور نیستند. اما بی‌تردید از نظر موسیقایی هوشمندند.

هوش بدنی: شناگران، فوتبالیستها و انواع ستاره‌های ورزشی از این استعداد به وفور برخوردارند. اما به هیچ وجه تضمینی برای برخورداری از استعدادهای دیگر نیست.

هوش عملی: آن نوع هوشی که می‌تواند بدون استفاده از راهنماها قطعات یک تلویزیون را پیاده و دوباره سوار کند، اما شاید بتواند نام این قطعات را تلفظ کند.

هوش درون شخصی: اشخاصی غالباً

با توجه به اینکه دانش و دانائی نتیجه مستقیم هوشمندی می‌باشد دانشمندان در بررسی هوش و هوشمندی انواع هوش را به شرح نمودار ۶ شناسایی کرده‌اند.

هوش تحلیلی: آن نوعی که با استفاده از آزمونهای بهره هوشی در اغلب امتحانات اندازه‌گیری می‌کنیم.

هوش انگاره‌ای (الگویی): توانایی دیدن انگاره‌ها در مسائل و آفریدن انگاره‌ها. ریاضیدانان، هنرمندان و برنامه‌ریزان کامپیوتر غالباً از درجه بالایی از این نوع هوش برخوردارند (درک این مطلب مهم است که این استعدادهای با هم مرتبط یا همبسته نیستند. این امکان وجود دارد که در مفهومی انگاره‌ای بسیار با هوش بود. اما در

مختصات هزاره سوم

انسانهای نامعقول

تغییرات ناپیوسته

تطبیق جهان با خود بجای اطاعت

تغییرات کوچک عوارض بزرگ پدید می آورند
تغییرات یکباره و ناگهانی- خارج از کنترل انسانی-
تغییر شتابان
اطلاعاتی شدن

توافق مجموعه ای کار کردن

کار فکری ۸۵ درصد

کار بدی ۱۵ درصد

Discontinuous

شیوه های جدید اندیشیدن

تغییرات ناپیوسته و سریع و دنباله دار و ناگهانی

انسانهای غیر معقول

مهارت های بالا

واژگون شدن نسبت مستمری بگیران و شاغلان، به ازای هر ۷ نفر مستمری بگیر یک نفر شاغل

ماشینهای هوشمند

دور شدن از صنایع تولیدی کاربر

حرکت به سوی سازمانها مبتنی بر دانش

حرکت به سمت خدمات (حسابداری و ارائه آمار و اطلاعات)

تغییر واژگان کارمند و کارگر، اضمحلال طبقات فرودست و فرادست، پرولتاریا و بورژوازی

ایجاد یک طبقه مجازی دارندگان و کاربران دانش و تکنولوژی اطلاعات

تکنولوژی اطلاعات و تکنولوژی زیستی

نمودار ۳- مشخصات جهانی شدن اقتصاد

ابعاد	هزاره سوم	قرن بیستم
تجارت	آزاد مطلق در زمینه مبادلات در مناطق جریانهای نامشخص خدمات و کالاهای نمادین	حداقل موانع تعرفه‌ای موانع عمده غیرتعرفه‌ای و فرهنگی نوسوداگری منطقه‌ای
تولید	توازن فعالیتهای تولیدی در هر منطقه تنها برپایه برتری‌های مادی / جغرافیایی تعیین می‌شود	تقسیم اجتماعی بین‌المللی کار به جای خود را به تقسیم فنی کار می‌دهد. غیرمتمرکز شدن اساسی تولید. غیرمادی شدن کالاها.
سرمایه‌گذاری	حداقل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، جای آن، را اتحادیه‌های تولیدی و تجاری می‌گیرد	شرکتهای فراملی جای خود را به قرار و مدارهایی می‌دهد ولی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تا حد زیادی باقی می‌ماند.
ایدئولوژی تشکیلاتی	واکنش انعطاف‌پذیر در برابر بازارهای جهانی	الگوی انعطاف‌پذیر جا می‌افتد ولی بخشهای ب- یار اساسی عملیات مربوط به فوردیسم باقی می‌ماند.
بازار مالی	غیرمتمرکز، لحظه‌ای و "بدون هویت ملی"	جهانی شدن تا حد زیادی تکامل می‌یابد.
بازار کار	نقل و انتقال آزادانه نیروی کار بدون هرگونه تعلق دائمی به یک محل	مقررات روزافزون دولتی: فشار شدید فردی برای فرصتهای که در زمینه اشتغال بوجود می‌آید.

مشخصات جهانی شدن سیاست

ابعاد	هزاره سوم	قرن بیستم
حاکمیت دولت	فقدان دولتهای حاکم. مراکز چند قطبی قدرت در سطوح جهانی، محلی و منطقه‌ای	بحران و تضعیف دولت. شواهدی از تجزیه و عدم تمرکز قدرت دولت.
کانون فعالیت مشکل‌گشایی	مسائل محلی در بستر جامعه جهانی	افزایش توجه بر روی مسائل محلی - جهانی اما با حفظ برتری احتمالی جوامع ملی.
سازمانهای بین‌المللی	مقتدر و مسلط بر سازمانهای ملی	گسترش روزافزون اما تا حدودی فاقد قدرت.
روابط بین‌الملل	سیال و چند مرکزی	سیستم ابر قدرتی رو به تضعیف
فرهنگ سیاسی	برتری تعهدات ارزشی مشترک و جهانی	پیشرفت لیبرال دمکراسی / فرامادی گرایی

مشخصات جهانی شدن فرهنگ

ابعاد	هزاره سوم	قرن بیستم
مفر مذهبی	جدا شدن اجزای مذهبی از سرزمین	نسبی شدن و بنیادگرایی
مفر قومی	جدایی از سرزمین، جهان وطنی، و گوناگونی	تکوین ملی گرایی خرد و ملی گرایی کلان
مفر اقتصادی	مصرف شبیه‌سازی شده‌ها و نمادین‌ها	غیرمادی شدن کالا، در سطح عالی
مفر رسانه‌ای	توزیع جهانی تصاویر و اطلاعات	غیرمنطقه‌ای کردن توزیع تصاویر و اطلاعات
مفر تفریحی	توریسم همگانی و پایان "توریسم"	غیرطبقاتی کردن موضوعات و اهداف

و خلاف روحیات اجتماعی مدیران کشور هشجاری و اقدامات مدیریت نموده به طوری که عملاً بسیاری از بوده است. در واقع فقدان محیط کنترلی و اثربخش، حسابرسی را دو چندان ضعیف مسئولان و مدیران حسابرسی عملکرد را به

ادامه در صفحه ۸۷

ترازنامه، مظهر بنیادی ترین عناصر نظریه حسابداری

"یقیناً خواننده هر گزارش توقع دارد که عنوان گزارش او را از مضمون آگاه کند، اما حقیقتاً اصطلاح ترازنامه هیچ آگاهی به او نمی دهد."

فرانکلین، ۱۹۴۶

Robert T. Sprouse

ترجمه امیر پوریان‌سب

حسین فخاری

به جای مقدمه

نظریه حسابداری است که از آن بالضروره عناصر ذاتی گزارش سود و زیان مشتق شده‌اند. براساس این حکم، گزارش سود و زیان حاوی خلاصه‌ای از یک قسم معاملات است که باعث تغییرات در حسابهای یک ترازنامه می‌شوند.

نگارنده به دو صورت از این قضیه پشتیبانی می‌کند: اول، تحلیلی از دو رویکرد مخالف به ترازنامه و اجزای آن ارائه خواهد شد. مقصود از این تحلیل آن است که مغلطه‌ها و سستیها، رویکردهای مخالف آشکار و برملا شود.

زمانی که در سال ۱۹۷۳ هیئت استانده‌های حسابداری مالی (FASB) بر مسند هیئت اصول حسابداری (APB) تکیه زد، چهار رویکرد به ترازنامه نقل محافل نظری و عملی حسابداری بود: ۱- رویکرد مانده‌نامه، ۲- رویکرد گزارش وجوه ایستا، ۳- رویکرد گزارش وضعیت مالی و، ۴- رویکرد ترازنامه بی‌توازن. از این میان، FASB رویکرد گزارش وضعیت مالی را به رسمیت شناخت و با اصرار بر آن پا به هزاره سوم گذاشت.

در آخرین سال حیات APB دو تن از سرشناسترین دانشمندان حسابداری آمریکا، راپرت تی. اسپراس و آلفرد راپاپورت، به ترتیب در دو مقاله اقتراحی و انتقادی به بررسی ترازنامه پرداختند. اسپراس، که ترجمه مقاله وی پیش روی شماست، سه رویکرد اول را بررسی می‌کند. وی ابتدا یک قضیه را طرح می‌کند و برای اثبات آن نخست دو رویکرد اول را نقد و رد می‌کند و سپس رویکرد سوم را بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که این رویکرد از دو رویکرد دیگر برتر است. راپاپورت، که ترجمه مقاله او را در شماره بعد خواهید خواند، ضمن نقد مقاله اسپراس، رویکرد سوم را نیز رد می‌کند و رویکرد چهارم (رویکرد ترازنامه بی‌توازن) را برتر از سه رویکرد دیگر برمی‌شمرد.

خوشبختانه به‌رغم گذشت سه دهه، هنوز مطالب این دو مقاله جذاب و بدیع است. اما سرعت تغییر مفاهیم حسابداری تا حدودی مقاله‌ها را به یک نوشته کلاسیک تبدیل کرده است و به نظر می‌رسد بعضی از مفاهیم و اصطلاحات آنها گرد کهنگی گرفته‌اند. با وجود این، مترجمان کوشیده‌اند تا ضمن وفاداری به متن تا اندازه‌ای اصطلاحات را روزآمد کنند.

تاکنون به دفعات در محافل و نوشته‌های حسابداری این حکم^۱ را شنیده یا خوانده‌ایم که گزارش سود و زیان مهمترین محصول و دست‌آورد ماست (حسابداران) است. چنانچه این حکم به این معنا تعبیر شود که گزارش سود و زیان در کانون توجه استفاده‌کنندگان قرار دارد، در آن صورت حکمی صادق است، اما اگر دلالت بر این کند که گزارش سود و زیان مظهر بنیادی‌ترین عناصر نظریه حسابداری است، آنگاه حکمی باطل است. این مقاله برآن است تا برای

قضیه^۲ رقیب پشتوانه منطقی بدست دهد، یعنی: ترازنامه مظهر بنیادی‌ترین عناصر برای سهولت، این دو رویکرد را، رویکرد

مانده‌نامه^۳ (سیاهه مانده‌ها) و رویکرد گزارش وجوه ایستا^۴ می‌نامم. دوم، یک بررسی اثباتی از ترازنامه در مقام گزارش وضعیت مالی^۵ به عمل خواهد آمد که براساس آن اولاً مبنایی برای اندازه‌گیری مفهومی معنی‌دار از سود بدست می‌آید، و ثانیاً پی می‌بریم که ترازنامه می‌تواند مستقلاً اطلاعاتی مفید^۶ برای استفاده‌کنندگان فراهم کند. هر یک از این سه رویکرد مفارق دارای ملازمات متفاوت و در خور توجه برای ساخت نظریه حسابداری است. این ملازمات بواسطه کاربردشان در تحلیل معاملات و گزارشدهی مالی از هم متمایز می‌شود.

رویکرد مانده‌نامه

براساس رویکرد مانده‌نامه، ترازنامه در بردارنده خلاصه‌ای از مانده‌های بدهکار و بستانکار است که پس از اندازه‌گیری سود و تعدیل حساب سودهای انباشته برجای می‌ماند. به واقع این تحت‌اللفظی‌ترین تعبیر از ترازنامه است. در گذشته این دیدگاه در وادی عمل حسابداری با اقبال بسیار روبرو بود. افزون بر این در بیشتر نشریات انجمن حسابداران مجاز آمریکا (AICPA) و گزارشهای مالی منتشره نمودی بارز داشت. کمیته واژه‌شناسی AICPA در خبرنامه واژه‌شناسی حسابداری شماره یک، ترازنامه، دارایی و بدهی را از منظر این رویکرد تعریف کرده است: "ترازنامه گزارشی فهرست‌وار یا خلاصه‌ای از مانده‌های بدهکار و بستانکار است که بعد از بستن ضمنی یا صریح دفاتر، که در انطباق با اصول حسابداری ثبت شده‌اند، به دوره بعد انتقال می‌یابند."^۷ یک دارایی چیزی است که پس از بستن دفاتر^۸، که بر طبق اصول و قواعد حسابداری ثبت شده‌اند، بواسطه یک مانده بدهکار به دوره بعد انتقال می‌یابد.^۹ و یک بدهی چیزی است که پس از بستن دفاتر، که بر طبق اصول و قواعد حسابداری ثبت شده‌اند، بواسطه یک مانده بستانکار به دوره بعد

انتقال می‌یابد."^۹

بدون اغراق هر کس با اندکی تأمل خواهد گفت که براساس این رویکرد، ترازنامه خلاصه‌ای از مانده‌های بدهکار و بستانکار است و اصولاً تفاوت دارایی یا بدهی در سمت و طرفی است که مانده آن در ترازنامه تجلی می‌یابد.

رویکرد مانده‌نامه ریشه در این تصور دارد که بر مبنای برتری گزارش سود و زیان و کاربست مفهوم تطابق می‌توان چارچوبی معتبر و پایا برای تحلیل حسابداری (یا نظریه حسابداری) برپا کرد. اما در اینجا با یک پارادوکس (متناقض نما) مواجه‌ایم. کدام یک از این دو (برتری گزارش سود و زیان و مفهوم تطابق) مرغ است و کدام یک تخم مرغ؟ پاسخ به این سوال کاری دشوار و توان‌فرسا است. هیتون گفته است که چون هر دو، دست کم به عنوان بنیانهایی برای نظریه حسابداری، سترون و بی‌ثمر هستند، پس شاید بنا به ضرورت همزمان از زهدان یک اندیشه زاده شده‌اند.^{۱۰}

برتری گزارش سود و زیان زاییده یک سوء تفاهم است. برخی به جای توجه به این واقعیت که اطلاعات برگرفته از گزارش سود و زیان ممکن است مفیدترین اطلاعات را برای استفاده‌کنندگان فراهم کند به سوء تفاهم دچار شده‌اند و حکم می‌دهند که گزارش سود و زیان بنیادی‌ترین عناصر را برای چارچوب تحلیلی حسابداری (که از آن اطلاعات مفید مشتق می‌شود) بدست می‌دهد. در ادامه در این باره بیشتر بحث خواهد شد. نخست درباره سترون بودن مفهوم تطابق، به عنوان عنصری از نظریه حسابداری، به تفصیل بحث می‌شود.

بی‌آن که مدعی شوم به منشا و تاریخ مفهوم تطابق (همزمانی) پی برده‌ام یا در جستجوی آن هستم، با احتیاط می‌گویم که برای اولین بار، مفهوم تطابق راپیتون و لیتلتون با انتشار مقاله‌ای با عنوان مقدمه‌ای بر استانداردهای حسابداری^{۱۱} به عموم عرضه کردند و از آن پس در کانون توجه همگان قرار گرفت. در آن مقاله، نویسندگان

کوشیده‌اند تا تطابق میان سعی و ثمر^{۱۲} (یا کوشش و دستاورد) را به مثابه یکی از مفاهیم اساسی معرفی کنند. به زعم آنها تطابق می‌تواند شالوده‌ای مناسب برای استانداردهای حسابداری بنا کند. آنها با صراحت مفهوم سود اقتصادی را حتی در مقام یک انگاره باطل دانسته‌اند. مفهوم سود اقتصادی دلالت بر تغییر در ثروت در خلال یک دوره دارد. در عوض آنها مفهومی از سود را عرضه می‌کردند که با عناصر کالای فروش رفته، یا خدمات ارائه شده همبسته است. منقوله زیر قسمتی از مقاله مذکور است:

"چنانچه مفهوم تطابق در عمل به رسمیت شناخته شود، آنگاه می‌توان نتیجه خالص واحد اقتصادی را به جای فواصل زمانی برحسب واحدهای برون داد اندازه‌گیری کرد.... دوره‌های زمانی، بی‌آن که بنیاد این مفهوم را تغییر دهد، تمهیدی برای ساده کردن مسئله و جانشینی برای واحدهای برون داد^{۱۳} است. اما کمال مطلوب در دو چیز است: (۱) یا تطابق بهاها^{۱۴} با نتایج قابل انتساب به آن و (۲) یا تطابق بها با نتایج که رابطه‌ای معنی‌دار با آن دارند."^{۱۵}

ملازمات این رویکرد بویژه با سخنان بعدی پیتون و لیتلتون شفافتر می‌شود: "اقلام تعویقی^{۱۶} و تعهدی^{۱۷} (تعلقی یا منتسب به دوره) دقیقاً به دوره‌ها یا مراحل فرایند تطابق مربوط می‌شود. جمع بهای دستمزد تعهدی، که به موجب قراردادهای گوناگون قابل پرداخت است، ضرورتاً باید در همان دوره وقوع بازشناسی^{۱۸} شود؛ در غیر این صورت مبلغ خدمات دریافتی از کارکنان بدرستی اظهار نمی‌شود. شاید به همین دلیل است که دستمزدهای تحقق یافته اما پرداخت نشده به عنوان بخشی از فرایند تطابق ثبت می‌شود. اقلام بدهکار معوق^{۱۹} که به تعبیری گسترده شامل اکثر داراییها است، باید بازشناسی شود، در غیر

این صورت با درآمد کالاها و خدماتی که اخیراً عرضه یا ارائه شده و ارتباط معنی‌داری با آنها ندارد، مطابقت داده می‌شوند. به عبارت دیگر لازم است جریان بهای عوامل بدرستی بین گروه اقلام بدهکار معوق و خدمات مصرف شده تقسیم شود. داراییهای معوق نیز که هنوز وصول نشده‌اند (حسابهای دریافتی) باید بازنشانی شوند، در غیراین صورت (درآمد) کالاهای فروش رفته یا خدمات ارائه شده نادرست اظهار خواهد شد.^{۲۰}

چنانچه مفهوم ترازنامه به عنوان پیامد جانبی فرایند تطابق به مانده‌نامه تنزل یابد، آنگاه بهاها نادرست اظهار نخواهند شد. گرچه ممکن است بیشتر داراییها در شمول اقلام بدهکار معوق قرار گیرند، اما هدف تطابق از یک سو اجتناب ورزیدن از تطابق درآمدها با اقلام بدهکار معوقی است که ارتباطی معنی‌دار با آنها ندارند و از سوی دیگر، فراهم آوردن امکانی برای تقسیم درست بهاها بین اقلام بدهکار معوق و هزینه‌ها است. این رویکرد، باب قضاوت درباره وجود همبستگی یا عدم همبستگی بین بها با درآمد و نیز درستی یا نادرستی تقسیم بها بین اقلام بدهکار معوق و هزینه‌ها را مجاز می‌داند، احتمالاً فرایند تطابق به مفهومی از سود دلالت ندارد و به همین دلیل احتمالاً نمی‌تواند به مثابه اساس تصمیم‌گیری در این قضاوتها به کار آید. به عوض، آن گونه که بارتون گفته است: "همان‌گونه که وقت چیزی است که با ساعت اندازه می‌گیریم، سود چیزی است که با گزارش سود و زیان اندازه می‌گیریم."^{۲۱}

البته، باید اعتراف کرد که اگر چه این فرایند به لحاظ مفهومی جذاب و سودمند است اما در بیشتر موارد عملاً تطابق بها با درآمد ناممکن است. در وادی عمل نیز اکثر بهاها (مانند استهلاک ساختمانها) در رابطه با یک دوره زمانی بازنشانی می‌شوند. این عمل بسیار شبیه به کاری می‌ماند که طرفداران مفهوم تطابق برای بازنشانی

درآمد در ارتباط با یک دوره انجام می‌دهند. به هر حال مفهوم تطابق که ابتدای آن بر برتری گزارش سود و زیان و اتکای بیش از حد بر مفاهیمی ذهنی چون، درستی، کاربردپذیری و دقت است، مسبب دست‌آوردها و ابداعات منحصر به فردی است که به وفور در "مانده‌نامه‌های" امروزی یافته می‌شود: یعنی اقلام بدهکار معوقی که دارایی نیست و اقلام بستانکار معوقی که بدهی نیست.

هیئت اصول حسابداری (APB) در اظهارنظر ۱۱ خود، حسابداری مالیات بردرآمد، بعضی از مفاهیم و مفروضات عمومی را برشمرده و لحاظ کردن آنها را در حسابداری مالیات، مربوط دانسته است. یکی از این مفاهیم، تطابق است که در مقام معرفی شده است. نازایی و سترونی ذاتی مفهوم تطابق به منزله مبنایی برای حل مسائل حسابداری بر کسی پوشیده نیست، با وجود این توصیف هیئت اصول حسابداری همان‌گویی^{۲۲} تطابق است: "هزینه‌های دوره جاری دربرگیرنده بهاهایی است که با درآمدهای دوره جاری همبسته می‌باشند و به علاوه شامل بهاهایی است که بر شالوده مبنایی به جز درآمد به دوره جاری منتسب می‌شود."^{۲۳}

تلقی کردن تطابق "به‌عنوان مهمترین اصل در تعیین سود"^{۲۴} و تایید آن با مفاهیمی نظیر دارایی، بدهی و سود، پشتوانه‌ای منطقی و کافی برای بیشتر رویه‌های حسابداری بدست می‌دهد. هیلتون می‌گوید: "به عقیده اکثر حسابدارها، این میثاق به تنهایی وزین‌تر از بقیه است، به سخن دیگر، چنانچه مفهوم تطابق رویه‌ای را تایید کند، آنگاه دیگر نباید چیزی گفت، زیرا مسئله حل و فصل شده است و آن رویه موجه می‌باشد."^{۲۵}

به ظاهر، رویکرد مانده‌نامه رویکردی عملی است و کار بست هر روزه آن شاهدهی بر این مدعا است. با وجود این، این رویکرد (یا ۱) قائل به حداکثر آزادی عمل است و

اجازه می‌دهد که حسابدارها با اختیار تام تصمیم بگیرند که کدام مانده‌ها را باید به دوره بعد انتقال داد، (۲) یا ایجاب می‌کند که فهرستی از قواعد و رویه‌های تفصیلی (که همواره در حال تزاید است) منتشر شود که تعیین کند کدام مانده‌ها را باید به دوره بعد انتقال داد.

آن زمان که موضوعات جدید حسابداری رخ نشان می‌دهد، مانند سرمایه‌ای کردن بهره، این رویکرد یا تصمیم‌گیری از میان گزینه‌های مختلف را مجاز می‌داند یا ایجاب می‌کند که بعضی از مراجع مانند FASB با رای‌گیری بهترین رویه را از میان رویه‌های هم‌گزینه تعیین نمایند. این فرایند درست شبیه قضاوتهایی است که در یک مسابقه زیبایی به عمل می‌آید. در این مسابقه‌ها، اصولاً برنده (یا ملکه زیبایی) براساس سلیاق و آرا فردی انتخاب می‌شود. در هر دو مورد مفاهیم دقیقی برای تعیین زیبایی و تطابق ایجاد نشده است.

بر طبق اصول دمکراتیک، اکثریت طرفداران تطابق قاعداً باید نتیجه بگیرند که باید بهره را از طریق سرمایه‌ای کردن در طول عمر دارایی (تحصیل شده یا ساخته شده) در سود خالص منعکس کرد تا در سال پرداخت یا تحمل. حال آن که اکثریت مخالفان که به لحاظ هوش و تجربه کاری در همان سطح هستند ممکن است برعکس آن نتیجه‌گیری کنند.

معمولاً برای تصمیم‌گیری درباره این که چه چیز باید در اندازه‌گیری سود لحاظ شود و چه چیز نباید، شرط لازم و جوه مفهومی صریح از سود است. اما به نظر نویسنده تاکنون هیچ انجمن یا احدی نتوانسته مفهومی از سود عرضه کند که مستقیم یا غیرمستقیم به مفهوم دارایی و بدهی وابسته نباشد. این استدلال ما را به این نتیجه‌گیری می‌رساند که مفاهیم دارایی و بدهی بنیادی‌تر از مفهوم سود است. اگر این حقیقت باورمان شود، آنگاه پذیرفتن دو روش متفاوت برای انتقال مانده‌های بهره

منطقی جلوه نمی‌کند.

مفهوم تطابق و دیدگاه مانده‌نامه علاوه بر این که استفاده از روش حسابداری تعویقی را برای تخصیص بهاها بین دوره‌های حسابداری، مجاز می‌شمارد، سبب اصلی ایجاد اقلام و موضوعات عجیب و غریب در ترازنامه است. کسر اوراق قرضه مستهلک نشده، صرف بازخرید اوراق قرضه و روش LIFO در ارزشگذاری موجودیها فقط معرف تعدادی از این نابسامانیها است که در میان داراییها به چشم می‌خورد. سودهای سرمایه‌ای معوق مربوط به قراردادهای فروش و پس اجاره^{۲۶}، فزونی بهای خرید نسبت به سهم شرکت والد^{۲۷} از داراییهای خالص (ارزش دفتری حقوق مالی)، ذخیره جایگزینی سازی موجودیها (در صورت استفاده از روش LIFO)، همه مثالهایی هستند که مخلوق کاریست مفهوم تطابق و دیدگاه مانده‌نامه هستند و تحت بدهیها گزارش می‌شوند.

مخلص کلام این که رویکرد مانده‌نامه از برتری گزارش سود و زیان و مفهوم تطابق نشأت می‌گیرد. این رویکرد به تصمیمات اقتصادی و مقطعی متکی است تا به نظریه حسابداری، همچنین بر قضاوتهای ارزشی متکی است تا بر تحلیلی منسجم و پایا.

رویکرد گزارش وجوه ایستا

در سالهای اخیر رویکرد دیگری به ترازنامه پدیدار شده است. براساس آن اصولاً تصور می‌شود که ترازنامه نوعی گزارش وجوه ایستا است. تعداد زیادی از کتابهای دانشگاهی، ترازنامه را این‌گونه تشریح کرده‌اند.^{۲۸} به نظر می‌رسد که پیدایش این رویکرد با گرایش فزاینده به تهیه گزارشی از خلاصه معاملات که طی دوره به تغییر در سرمایه در گردش می‌انجامد شباهت دارد (این گزارش بعضاً گزارش منابع و مصارف وجوه خواننده می‌شود).

ریموند. پی مارپل^{۲۹} در مقاله‌ای که در

مجله حسابداری به چاپ رساند، ترازنامه را این‌گونه تشریح می‌کند: "عنوان گزارش وضعیت مالی چیزی اندک درباره ترازنامه می‌گوید. بهتر است ترازنامه را گزارش منابع و ترکیب سرمایه^{۳۰} بخوانیم."^{۳۱} به نظر مارپل، چنانچه این کار صورت پذیرد و در شکل و قالب ترازنامه تجدیدنظر شود، آن‌سان که نشان دهد منابع از محل کدام سرمایه تامین شده‌اند و چه صورت‌هایی دارند، آنگاه کارکرد ترازنامه شفافیت و وضوح بیشتری خواهد یافت.^{۳۲} لوییس گلدبرگ^{۳۳}، در کتابش "کندوکاوی در ماهیت حسابداری"، ماهیت ترازنامه را برطبق "نظریه آمر"^{۳۴} با ماهیت آن برطبق دیگر نظریه‌ها، از جمله نظریه مالکیت، مقایسه می‌کند: "اگر ترازنامه را با مفهوم مالکیت به عنوان مبنای حسابداری تهیه کنیم، آنگاه ترازنامه به گزارشی از ارزشهای ملکی (تحت تملک) و ارزشهای قرضی تبدیل می‌شود. و در این صورت اگر پرسیده شود چه کسی مالک است و چه کسی مقروض، آنگاه بحث و مشاجره در می‌گیرد و دست آخر بدون پاسخ خاتمه می‌یابد. اما اگر وضعی را بپذیریم که تحت آن ترازنامه به نیابت از طرف مالک و از منظر یک آمر (آمر) می‌تواند مالک یا گروه کوچکی از شرکا یا رییس هیئت مدیره یا مدیرعامل باشد) تهیه شود، در آن صورت ترازنامه معرف گزارشی از منابع مالی است که شخص آمر داراییها را از آن گرفته است و نیز مسیرهایی است که این داراییها در آنها به کار برده شده است. و بنابراین به تعبیر دقیقتر ترازنامه معرف گزارش مباشرت^{۳۵} است نه مالکیت^{۳۶}."

هاوکینز، یکی دیگر از طرفداران رویکرد گزارش وجوه ایستا، کوشیده است تا از این منظر به یکی از مسائل مهم حسابداری پاسخ گوید. وی در مقاله‌ای که در "مجله مدیران مالی" به چاپ رساند، حجت آورده است که در حل و فصل مباحث مربوط به تخصیص مالیات به شرطی می‌توان به پیشرفتهای قابل ملاحظه دست یافت که: "اولاً، حسابداری به مثابه سیستمی تلقی

شود که پیوسته جریان منابع مالی موسسه را بازشناسی می‌کند؛ ثانیاً، ترازنامه به مثابه گزارشی تصور شود که سرمایه را در دو طرف بازتاب می‌دهد. (طرف راست محلی است که در آن سرمایه شرکت تجسم و نمود عینی دارد و طرف چپ آخرین وضعیت سرمایه تامین شده از بستانکاران، مالکان و دیگر منابع را نشان می‌دهد)؛

ثالثاً، سود خالص اصولاً معیار اندازه‌گیری وجوه در دسترس برای توزیع سود تقسیمی^{۳۶} و نیز بازسرمایه‌گذاری^{۳۷} سود حاصل از کاربرد سرمایه در عملیات تلقی می‌شود؛ و

رابعاً، همه بپذیرند که حسابداری مالیاتهای معوق باید سه چیز را بازتاب دهد: (۱) روشی را که براساس آن کسبه و صنایع مالیاتهای تعویقی را در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود وارد کنند، (۲) روشی را که براساس آن مدیران اقلام مالیات تعویقی را در برنامه‌ریزی مالی دخالت می‌دهند، و (۳) ماهیت مالیات بردرآمد^{۳۸}."

هاوکینز در مقاله‌ای که در مجله پرسررسیهای بازرگانی هاروارد به چاپ رساند، انتشار اظهار نظر ۱۱ هیئت اصول حسابداری، حسابداری مالیات بردرآمد را به فال نیک گرفت. به نظر او در این بیانیه، "تلویحاً گرایشی به رویکرد صورت منابع و مصارف وجوه تشویق شده است. هدف و خواست مدیران شرکتها و حسابداران عمومی مجاز یافتن راهی برای قابل فهم‌تر کردن اقلام ترازنامه است، زیرا این اقلام را نمی‌توان به حد کفایت با مفاهیم حسابداری توضیح داد."^{۳۹}

علی‌رغم آن، او به اظهار نظر شماره ۱۱ انتقاد هم کرده است، نه به خاطر نتیجه‌گیری APB در مرجع دانستن روش جامع تخصیص مالیات^{۴۰} (که این نتیجه را حمایت می‌کند)، بلکه بدلیل مجاز دانستن حساب مالیات معوق که به نظر او به حد کفایت از توجیه منطقی برخوردار نیست. تحلیل او به زبان خودش چنین است: "در

نظری اجمالی بر سیستمهای اطلاعاتی حسابداری

سیستم اطلاعاتی حسابداری را می توان مولفه و عنصری از شرکت دانست که به وسیله پردازش رویدادهای مالی در قالب اطلاعات مالی و اطلاعات مبنای تصمیمگیری، در اختیار استفاده کنندگان قرار می دهد.

احمد عیسائی خوش

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی

سیستم حسابداری چیست؟ قبل از ارائه یک تعریف کلی برای سیستم اطلاعاتی حسابداری، لازم است تا معانی هر یک از لغات تشکیل دهنده این مفهوم را در ارتباط با سایر سیستمهای اطلاعاتی در سازمان در نظر بگیریم. اطلاعات، پایهها و ساختاری را جهت تصمیمگیری فراهم می کند و عموماً شامل دادههای پردازش شده در سیستمهای اطلاعاتی از قبیل سیستم اطلاعاتی حسابداری^۱ می باشد.

صورتحساب ماهانه یک مشتری، تجزیه و تحلیل هزینههای ماهانه یک کارمند و یا صورتحساب بانکی یک نفر



هنگامی که به جمله سیستمهای اطلاعاتی حسابداری برخورد می کنیم سوالاتی از این قبیل به ذهن ما خطور خواهند کرد: سیستم اطلاعاتی حسابداری چیست؟ چرا دانشجویان باید چنین سیستمی را مطالعه کنند؟ چه کسانی از اطلاعات ارائه شده این سیستم استفاده می کنند؟ چگونه حسابداران با سیستمهای اطلاعاتی حسابداری ارتباط برقرار می کنند؟ فعالیتهای مهم و اساسی موجود در این سیستمها چیست؟

در این مقاله برآنیم جوابهایی هر چند کلی برای چنین سوالاتی ارائه کنیم.

سپرده گذار، نمونه‌ای از این گونه اطلاعات پردازش یافته است.

از سوی دیگر داده‌ها، شامل اعداد و دیگر نشانه‌هایی است که به‌عنوان ورودی یک سیستم اطلاعاتی محسوب می‌شود. داده‌ها از منابع گوناگونی حاصل می‌شوند، مثلاً هنگام فروش کالا توسط یک شرکت، داده‌های مربوط به فروش ایجاد می‌شود.

سیستم، واحد ترکیب‌کننده‌ای است که در راه رسیدن به یک موضوع واحد تلاش می‌کند. سیستم‌ها گونه‌های متفاوتی دارند، منظومه شمسی، و سیستم عصبی حیوانات سیستمی طبیعی‌اند و سیستم ترافیک شهر، و سیستم حرارتی ساختمانهای بزرگ دست‌ساز بشوند.

بیشتر سیستم‌ها مشهودند، چرا که عملکرد آنان با منابع فیزیکی است. شکل نشان دهنده یک سیستم باز فیزیکی است. حسابداری در سطوح مختلف دارای معانی متفاوتی است، در وهله اول حسابداری وظایف زیر را به عهده دارد:

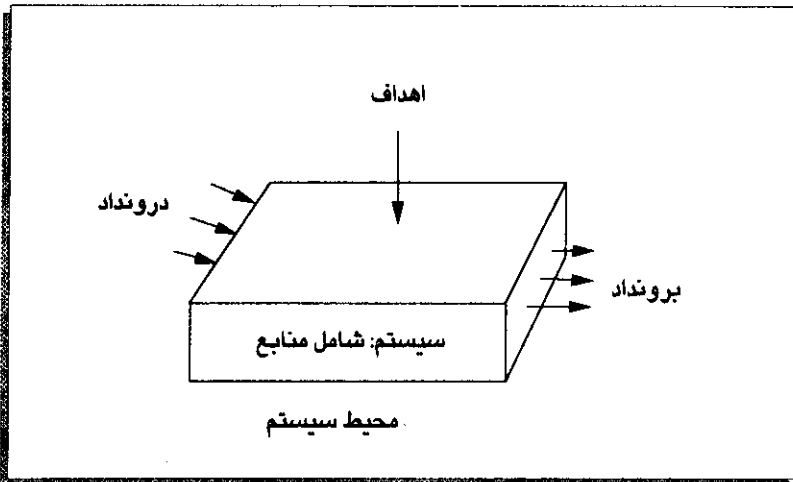
- ثبت رویدادهای اقتصادی؛
- پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها؛
- ارائه نتایج این پردازش در قالب صورتهای مالی.

از طرف دیگر حسابداری زبان تجارت است و ابزاری را جهت تلخیص و جمع‌بندی موضوعات اساسی یک موسسه تجاری ارائه می‌کند و در نهایت از یک دید کلی به‌عنوان اطلاعات یک واحد تجاری در جهت رسیدن به هدفهای عملیات و مدیریت موثر و کارا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

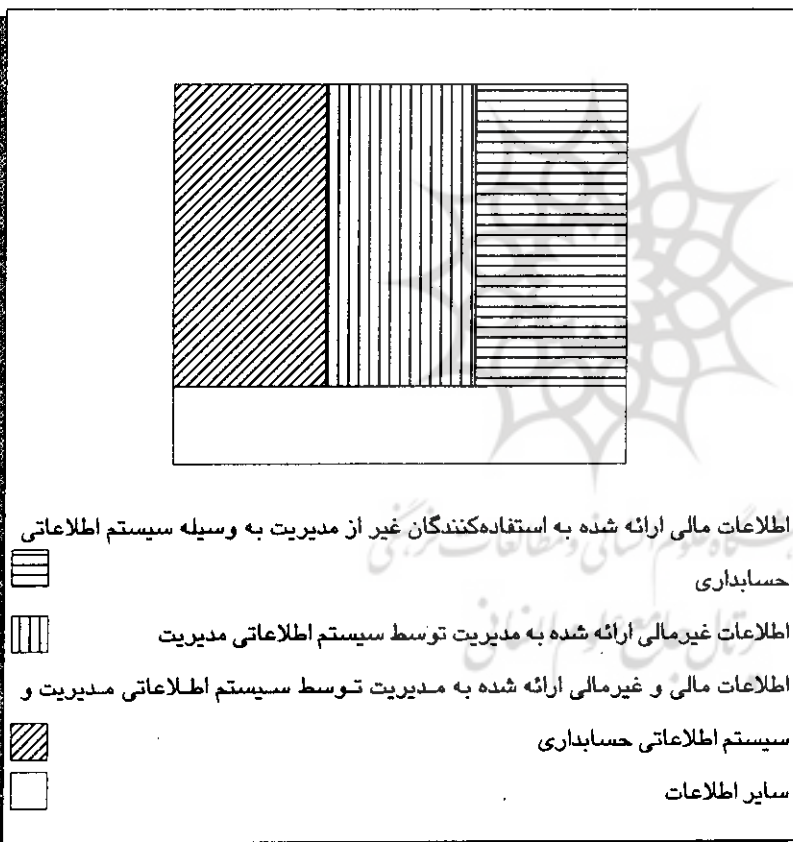
با توجه به توضیحات ذکر شده سیستم اطلاعاتی حسابداری را می‌توان مولفه و عنصری از شرکت دانست که به وسیله پردازش رویدادهای مالی، اطلاعات مالی و اطلاعات مبنای تصمیمگیری را در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهد.

ارتباط سیستم اطلاعاتی حسابداری با سایر سیستمهای اطلاعاتی یک سازمان اگرچه سیستم اطلاعاتی حسابداری از

شکل ۱- نمونه سیستم باز فیزیکی



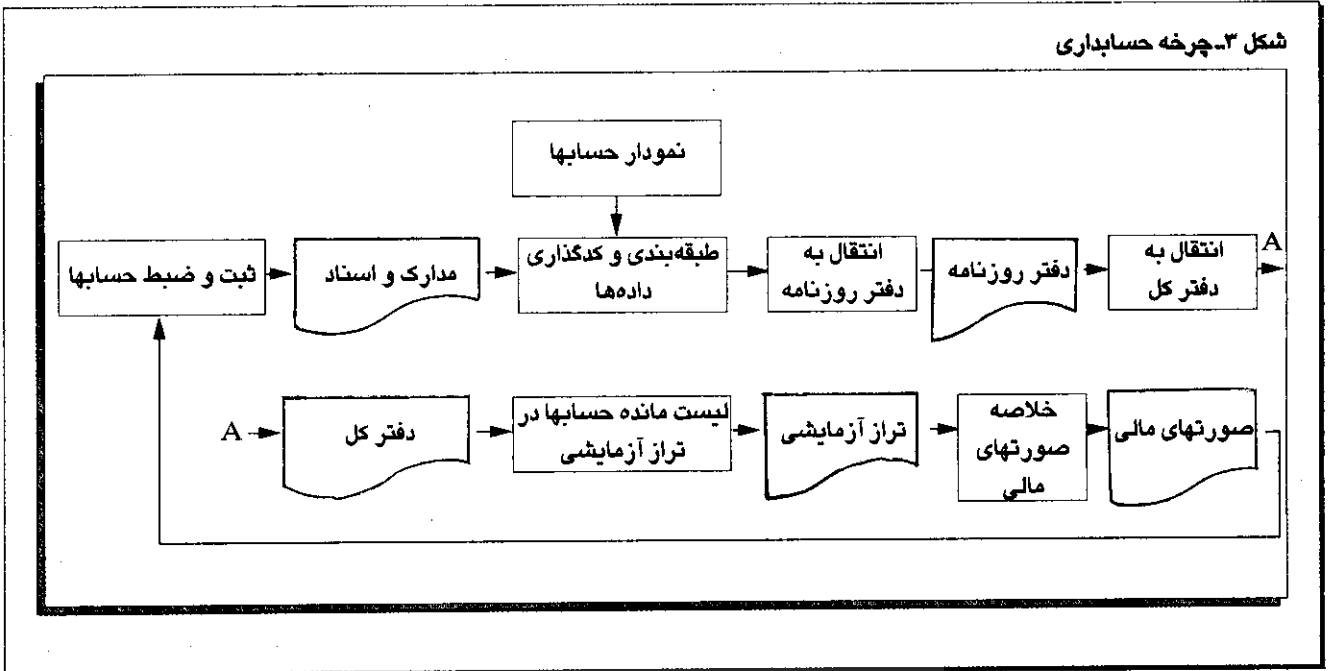
شکل ۲- ادغام سیستمهای اطلاعاتی در یک سازمان



اساسی‌ترین سیستمهای اطلاعاتی یک شرکت است، ولی تنها سیستم اطلاعاتی آن نخواهد بود. از دیگر سیستمهای اطلاعاتی بااهمیت می‌توان از سیستم اطلاعاتی مدیریت^۲ نام برد.

ادغام سیستمهای اطلاعاتی در یک سازمان چگونگی ادغام سیستمهای اطلاعاتی در یک سازمان در شکل ۲ نشان داده شده است.

شکل ۳- چرخه حسابداری



می‌پیوندد.

پردازش مبادلات

پردازش مبادلات در یک سیستم اطلاعات حسابداری به وسیله زیر سیستمهای^۳ صورت می‌گیرد. هر نوع از مبادلات توسط یک سیستم پردازش مبادلات^۴ صورت می‌گیرد و ادغام این زیرسیستمها سلامت مالی یک واحد اقتصادی را اندازه‌گیری خواهد نمود.

اگر سیستم پردازش مبادلات به‌طور صحیح طراحی شده باشد منافع زیر را برای موسسه یا شرکت در پی خواهد داشت:

- پردازش اقتصادی اطلاعات، کارآمد و موثر خواهد بود؛
- داده‌ها را به‌خوبی و با دقت کنترل نموده و آنها را به‌طور صحیح پردازش می‌کند؛
- پردازش اقتصادی اطلاعات به‌هنگام خواهد بود.

پردازش اطلاعات

مقایسه پردازش مبادلات با پردازش اطلاعات، اطلاعاتی را جهت تصمیمگیری ارائه می‌دهد. خروجی یک پردازش

حسابداری به وسیله ثبتهای اساسی حسابداری پردازش می‌شود. مراحل پردازش مبادلات حسابداری را چرخه حسابداری می‌نامند. چرخه حسابداری اصولاً استاندارد شده است و لزوماً در تمامی شرکتها به یک روش اعمال می‌شود. شکل ۳ نشان‌دهنده چرخه حسابداری است.

نمونه‌ای از مبادلات که در اکثر شرکتها مشترک و عمومی است

- فروش محصولات یا ارائه خدمات به مشتریان؛
- خرید مواد، کالا، خدمات و دارایی ثابت از فروشندگان؛
- دریافتی صندوق از مشتریان و سایر افراد؛
- فهرست حقوق و دستمزد و پرداخت به کارگران و کارکنان.

بعضی از مبادلات از عوامل بیرونی یک شرکت ناشی می‌شود مانند پرداخت به مشتریان و بعضی نیز از رویدادهای داخلی یک شرکت ایجاد می‌شود مانند هزینه استهلاک که در پایان سال مالی، به‌وقوع

هدفها و منابع سیستم اطلاعاتی حسابداری سیستم اطلاعاتی حسابداری دو هدف بزرگ را در مقابل خواهد داشت.

● ارائه اطلاعات برای عملیات و نیازهای قانونی؛

● ارائه اطلاعات برای تصمیمگیری.

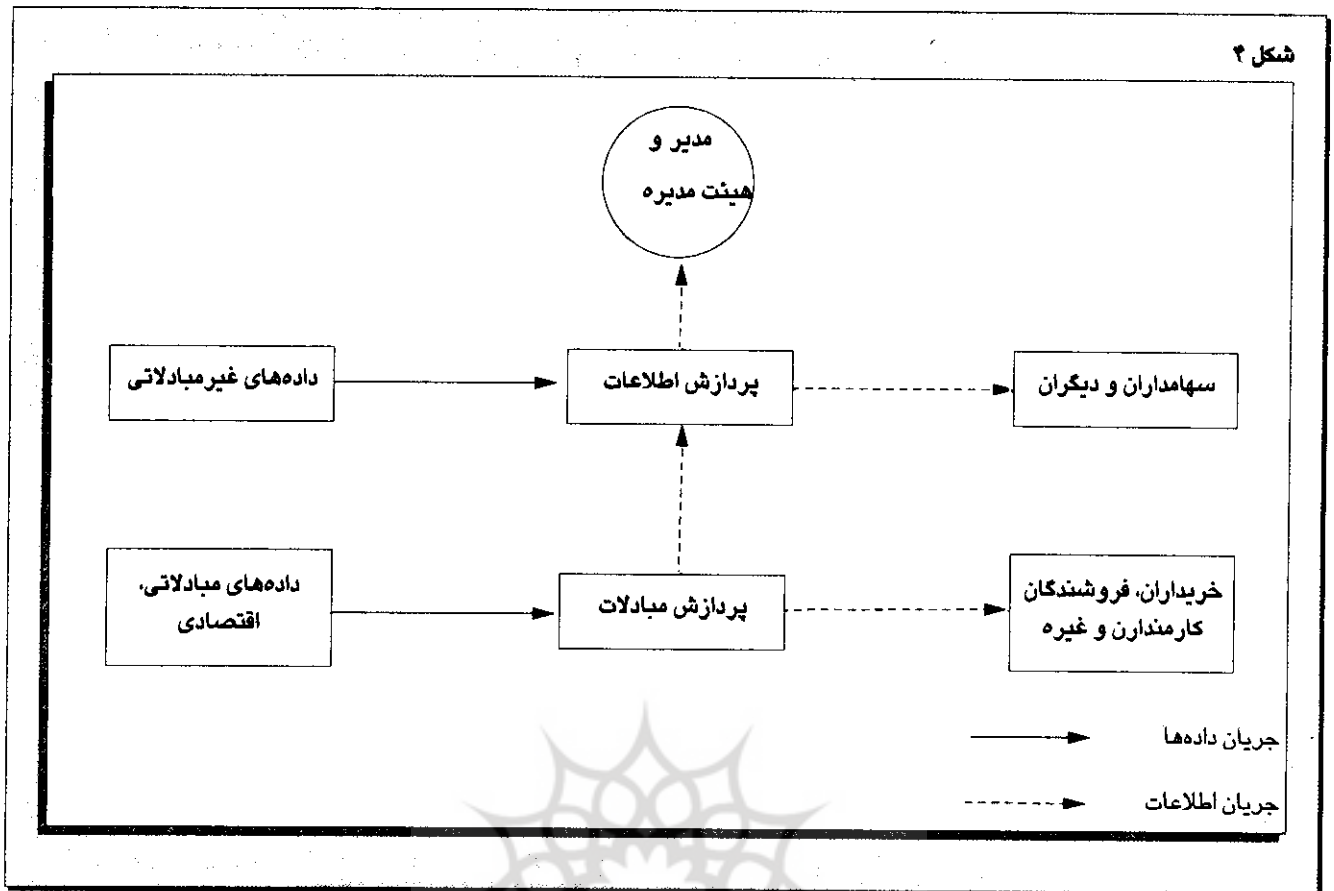
سیستم اطلاعات حسابداری که به این هدفها به‌طور کامل رسیده باشد منافع با ارزشی خواهد داشت.

برای رسیدن به این هدفها دو فعالیت عمده وجود دارد:

- پردازش مبادلات؛
- پردازش اطلاعات.

پردازش مبادلات

مبادلات، رویدادها و کنشهایی هستند که برای کارکرد یک شرکت ضروری است. رویدادهای حسابداری مانند ارسال صورتحساب فروش کالا، خود نوعی مبادله ارزش اقتصادی است. بعضی رویدادها نیز وجود دارند که در آنها مبادله ارزش اقتصادی صورت نمی‌گیرد، مانند دریافت یک سفارش، و از این رو رویداد حسابداری محسوب نمی‌شوند. مبادلات و رویدادهای



- خلاصه کردن مجموعه داده‌ها براساس کیفیت داده‌ها؛
- مقایسه کردن یا آزمایش اقلام از گروه‌های جداگانه یا پرونده‌های متفاوت برای یافتن علت ادغام و یا جداسازی آنها.

مدیریت داده شامل سه مرحله است:

- ذخیره کردن؛
- به‌روز کردن؛
- استخراج کردن.

ذخیره کردن یعنی جایگذاری داده‌ها در مراکز نگهداری که به نام پایگاه داده‌ها نامیده می‌شود.

به‌روز کردن شامل اصلاح داده‌های ذخیره شده به‌منظور انعکاس رویدادهای جدید عملیات است.

استخراج کردن نیز شامل دستیابی به داده‌ها، به‌منظور تهیه گزارش و ارائه اطلاعات پردازش شده یا پردازش بیشتر ۲۵ می‌باشد.

ادامه در صفحه ۷۴

- جمع‌آوری داده؛
- پردازش داده؛
- مدیریت داده؛
- کنترل داده؛
- تهیه اطلاعات.

جمع‌آوری داده شامل ضبط داده‌ها، ثبت آنها در فرم‌های ویژه، کدگذاری و اطمینان از صحت و کامل بودن آنهاست.

پردازش داده شامل مراحل زیر است:

- طبقه‌بندی و طراحی داده در مقوله‌های مناسب از پیش تعیین شده؛

- انتقال و یا کپی داده‌ها در اسناد و مدارک؛
- مرتب کردن داده‌ها براساس یک یا چند ویژگی؛

- یک‌کاسه کردن و هم‌گروه کردن مبادلات با ماهیت مشابه؛
- ادغام یا ترکیب کردن یک یا دو گروه از پرونده داده‌ها؛

- انجام محاسبات مختلف بر روی داده‌ها؛

اطلاعات به قصد راهنمایی در امر برنامه‌ریزی و کنترل عملیات یک شرکت می‌باشد. سیستم اطلاعات حسابداری مجموعه‌ای از سیستم پردازش مبادلات مانند حقوق و دستمزد، دارایی ثابت و سیستم فروش می‌باشد. (شکل ۴)

سیستم طراحی شده برای پردازش اطلاعات یا سیستم اطلاعاتی حسابداری باید اطلاعاتی ارائه دهد که:

- با تصمیم‌گیری مورد نظر مربوط باشد؛
- قابل اتکا باشد؛
- به موقع باشد؛
- با دقت ارائه شده باشد؛
- مختصر و مفید باشد.

فعالیت‌های یک سیستم اطلاعاتی حسابداری

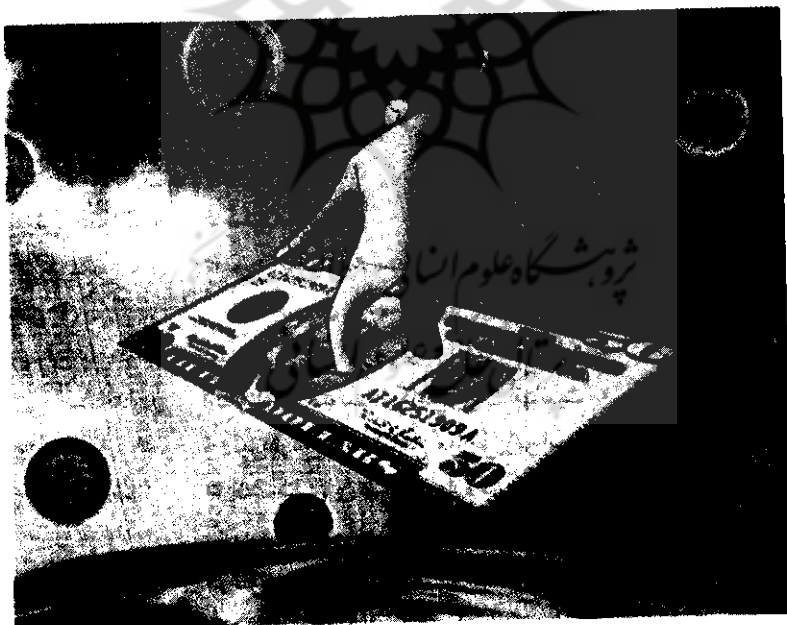
هر سیستم اطلاعات حسابداری پنج فعالیت عمده را اجرا می‌کند.

حسابداری قیمت تمام شده نوین

در دهه ۱۹۲۰ نوعی دفترداری صنعتی یا دفترداری قیمت تمام شده که بعدها حسابداری صنعتی نامیده شده توسط بازوی صنعتی ای. تی. اند. تی، جنرال الکتریک، جنرال موتورز و وسترن الکتریک بوجود آمد.

سیدحسین امامی
کارشناس حسابداری

هیجدهم تقریباً کلیه مؤسسات مالی و تجاری بزرگ، این شیوه حسابداری را به کار می بردند. اما ظهور انقلاب صنعتی^۱ که در نیمه دوم قرن هیجدهم آغاز و تا پایان نیمه اول قرن نوزدهم ادامه یافت، تحولات و تغییرات وسیع اقتصادی و اجتماعی را در پی داشت. این تحولات بنیادین بر



مقدمه

مقاله تحولات آینده سازمانها به قلم اینجانب در شماره ۱۳۳ مجله حسابداری - ویژه پنجمین سمینار سراسری حسابداری - به چاپ رسید. در آن مقاله از حسابداری قیمت تمام شده نوین^۱ به عنوان یکی از چهار مفهومی (مفاهیم دیگر کنترل کیفیت آماری، سازمان جمع و جور

تمامی عرصه های زندگی فردی و اجتماعی مردم اروپا اثر گذاشت و مناسبات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی اروپائی را دگرگون کرده و از طریق این قاره به سراسر جهان راه یافت. بارزترین عرصه تحول در انقلاب صنعتی، قرار گرفتن ماشین در خدمت تولید

پیدایش حسابداری قیمت تمام شده سیستم ثبت دو طرفه^۲ حسابداری که در سال ۱۴۹۴ توسط لوکاپاچیولی (Loca pachioly, 1445- 1517) - پدر علم حسابداری - بنیان گذاری شد، به سرعت در سراسر اروپا رواج یافت و در طول قرن

فرایند تولید، به کارگیری روش نظام یافته) که با هم، برداشت تازه ای از نظریه جدید صنعت و تولید^۲ را ارائه می دهند، یاد شد. در این مقاله، سعی می کنیم در مورد مفهوم حسابداری قیمت تمام شده نوین بیشتر توضیح دهیم.

بود که شیوه تولید را از تولید دستی، به تولید ماشینی متحول کرد. در نخستین سالهای انقلاب صنعتی، تعداد محدودی از کارگاههای دستی بخصوص در صنعت نساجی، در امر تولید از ماشین بهره گرفتند و بر حجم تولیدات خود در مقیاس بزرگ افزودند. اما بزودی استفاده از ماشین تقریباً به تمام عرصه‌های تولید راه یافت و در تمامی رشته‌های تولیدی کارخانه‌هایی ایجاد گردید.

پیدایش و رشد کارخانه‌های بزرگ و کوچک با توانایی ساخت کالاهای همسان به مقدار زیاد از یک سو باعث زوال صنایع دستی، روستایی و خانگی در مدت کوتاهی و از سوی دیگر، موجب رقابت بین کارخانه‌داران شد. وجود رقابت، نیاز به آگاهی از قیمت تمام شده محصول را ایجاب کرد. در پاسخ به این ضرورت در دهه ۱۹۲۰ نوعی دفترداری صنعتی یا دفترداری قیمت تمام شده که بعدها حسابداری صنعتی^۵ نامیده شده توسط بازوی صنعتی ای.تی.اند.تی (A.T & T)، جنرال الکتریک (General Electric)، جنرال موتورز (General Motors) و وسترن الکتریک (Western Electric) بوجود آمد.

سیر تحول حسابداری قیمت تمام شده

حسابداری قیمت تمام شده ابتدایی^۶ بیشتر به گزارش قیمت تمام شده محصولات بر مبنای اطلاعات مالی^۷ گذشته تاکید داشت و در پیش‌بینی آینده از حدس و گمان فراتر نمی‌رفت. اما بزرگتر شدن کارخانه‌ها و پیچیده‌تر شدن روشهای تولید و در نتیجه افزایش تولیدات، رقابت بین واحدهای صنعتی را برای تسلط بر بازارهای پیوسته ملی و همچنین رقابت در عرصه تولیدات به بازارهای جهانی را تشدید کرد و اداره موسسات بزرگ و پیچیده به پیدایش مفهوم مدیریت علمی^۸

انجامید. اعمال مدیریت علمی که به تدریج توسعه می‌یافت، ضرورت فراهم آوردن اطلاعات دقیق و گسترده مالی را تشدید کرد و به دنبال آن روشهای هزینه‌یابی کامل و دقیقی ابداع گردید که با روشهای تحلیلی، ارزیابی کارایی و برنامه‌ریزی و کنترل عملیات همراه شد. با کمک حسابداری قیمت تمام شده، جنرال الکتریک و جنرال موتورز به چنان قیمت‌های رقابت‌آمیزی رسیدند که آنها را در همه جهان سرآمد کرد.

حسابداری قیمت تمام شده تازه به میدان آمده به جنرال موتورز نشان داد که می‌تواند در رنگ و حتی مدل سالانه خودروها، بدون پرداخت هرگونه هزینه اضافی تغییراتی ایجاد کند و بخش بزرگی از مشتریان شرکت فورد (Ford) را به چنگ آورد و عملاً سخن طنزآمیز هنری فورد (Henry Ford) که می‌گوید: "مشتریان هر رنگی را که ما بیلند، تا زمانی که سیاه باشد می‌توانند انتخاب کنند" را بی‌مفهوم کرد.

ضعفهای حسابداری قیمت تمام شده

بعد از جنگ جهانی دوم، به تدریج ضعفهای (کمبودهای) حسابداری قیمت تمام شده آشکار شد، که عبارتند از:

۱) حسابداری قیمت تمام شده با توجه به واقعیتهای دهه ۱۹۲۰ پایه‌ریزی شده که در آن زمانی هزینه کارگران ساده ۸۰ درصد کل هزینه‌های تولید صنعتی، به غیر از قیمت موادخام را تشکیل می‌داد. در نتیجه حسابداری قیمت تمام شده هزینه‌ها را برابر با هزینه‌های کارگری می‌دانست و همه عاملهای دیگر متفرقه به حساب آمده و زیر عنوان کلی سربار^۹ قرار می‌گرفتند.

امروزه کارخانه‌ای که هزینه مستقیم کارگری آن به ۲ درصد هزینه کل برسد. حتی در نیروی انسانی برترین صنایعی که خودروسازی است استثنایی است. شرکت بکمن اینترنمنتس (Backman Instruments) که طبیعت کارش بسیار

نیروی انسانی بر است، هزینه دستمزد مستقیم را متفرقه به حساب می‌آورد. اما حسابداری قیمت تمام شده به گونه‌ای سنتی همچنان بر هزینه دستمزد مستقیم^{۱۱} توجه داشته و با وسواس دقیقه‌های آنرا نیز به حساب می‌آورد.

۲) حسابداری قیمت تمام شده، مزایای به دست آمده از دگرگونیهای فرایند و روشها را عمدتاً به عنوان صرفه‌جویی در نیروی کار به حساب می‌آورد. چنانچه صرفه‌جوییهای دیگر نیز در حسابها وارد شوند، آنها را نیز به همان روش قراردادی هزینه‌های غیر از نیروی کار منظور می‌کند.

۳) سومین کمبود حسابداری قیمت تمام شده مهم‌تر است. این سیستم مانند ساعت آفتابی عمل می‌کند. به هنگام تابش خورشید ساعتها را نشان می‌دهد ولی در روزهای ابری و شبها هیچگونه اطلاعی از زمان نمی‌رساند. حسابداری قیمت تمام شده سنتی^{۱۱} نیز تنها هزینه آنچه را که

هزینه‌های غیرتولیدی مانند: هزینه از کار افتادن دستگاهها، و هزینه فرآورده‌های عیب‌دار را که باید تعمیر و یا اقساط و دوباره‌سازی شوند به دست فراموشی می‌سپارد. زمانهای هدر رفته و غیرتولیدی در همه زمینه‌ها مانند: دستمزد کارمندان و حتی مواد خام، دارای هزینه‌ای همسنگ زمانهای تولیدی هستند. بنابراین نظام حسابداری قیمت تمام شده سنتی هیچکدام از اینها را به حساب نمی‌آورد.

۴) نکته آخر اینکه، حسابداری قیمت تمام شده، هزینه کارخانه را مانند جزیره‌ای مستقل و جدا از پیرامون خود می‌داند. تنها صرفه‌جوییهای درون کارخانه واقعی هستند. باقیمانده همانند سفته بازی و صوری‌اند.

برای مثال دگرگونیهایی که در فرایند صنعتی به وجود می‌آید تاثیر بر پذیرش^{۱۲} یک فرآورده در بازار و یا کیفیت خدمات، به

حساب نمی‌آید. حسابداری قیمت تمام شده سنتی به زحمت هزینه‌های بهبودبخشی و یا نوآوری را پذیرفته و تایید می‌کند.

برای مثال خودکار کردن کارخانه‌ها را به عنوان یک هزینه به حساب می‌آورد ولی هیچگاه به سود حاصل از آن توجه ندارد.

بیش از چهل سال است که همه این موضوعها بر ما روشن هستند و سالهاست که دانشمندان و خبرگان حسابداری، حسابداری دولتی^{۱۲}، حسابداری صنعتی و موسسه‌های حسابداری به سختی می‌کوشند تا این نظام را بهبود بخشند. پیشرفت زیادی در این راه به دست آمده، اما از آنجا که همه کوششها در جهت بهتر کردن همین نظام موجود نیست، کمبودهای آن هنوز پابرجاست.

نتیجه تلاشهای همه جانبه و همکاریهای مشترک سازندگان دستگاههای خودکار، صنایع چندملیتی و حسابداران علاقه‌مند، بوجود آمدن نظام نوینی در حسابداری قیمت تمام شده است که یاریهای کامپیوتری به صنایع جهانی نامیده شده و به کامی^{۱۳} مشهور است. روش کامی که از سال ۱۹۸۶ به کار گرفته شده، آغاز تاثیرگذاری بر فرایند صنعتی است، اما از هم اکنون نشانی از یک انقلاب هوشمندانه^{۱۴} را با خود به همراه دارد. هیجان‌انگیزترین نوآوری مدیریت، امروز در زمینه نظریه‌های حسابداری با شتاب شکل می‌گیرد که بر پایه مفهومیهای تازه، روشهای تازه، شیوه‌های تازه و حتی چیزی که می‌توان آنرا فلسفه نوین اقتصادی^{۱۵} نامید، استوار است و در حالی که در جزئیات ویژه اختلافهای فراوانی وجود دارد، چهره حسابداری قیمت تمام شده روز به روز روشنتر و مشخص‌تر می‌شود.

با روشن شدن کارایی کامی معلوم شد که نظام سنتی حسابداری قابل بازسازی نیست و باید برای آن جانشین قرار داد.

هزینه دستمزد مستقیم در صنعت دیگر معیار درستی برای اندازه‌گیری نخواهد بود. و بنابر بینش نوین، دیگر عوامل تولید (مواد مستقیم^{۱۶}، ساعت کار مستقیم^{۱۷}، و...) نیز چنین حالتی دارند. معیار تازه اندازه‌گیری زمان است.

هزینه یک بخش از زمان باید قطعی تلقی شود و دیگر جایی برای هزینه‌های متغیر^{۱۸} وجود نخواهد داشت.

حتی هزینه مواد خام بیش از آنکه متغیر باشد، ثابت است، زیرا فرآورده‌های عیب‌دار نیز به همان اندازه فرآورده‌های خوب و پذیرفتنی مواد خام مصرف می‌کنند. تنها عاملی که هم متغیر و هم قابل‌کنترل است، زمانی است که در هر فرایند صرف می‌شود و سود ناشی از هر چیزی است که بتواند این زمان را کاهش دهد.

در نظام حسابداری قیمت تمام شده سنتی، کالاهای موجود در انبار هزینه‌ای در برداشت زیرا به آن هزینه دستمزد مستقیم کارگری تعلق نمی‌گرفت و به آن به چشم یک دارایی نگاه می‌کردند. در حسابداری بهای تمام شده نوین موجودی انبارداری هزینه‌ته‌نشینی است. کالاهایی که در انبار می‌مانند درآمدی ندارند، بنابراین بخشی از سرمایه را به بند کشیده و زمان مصرف می‌کنند. در نتیجه زمانی آنها بالا می‌رود و حسابداری قیمت تمام شده نوین این هزینه زمان را در برابر کالاهایی که زودتر به نقد تبدیل می‌شوند، می‌سنجد.

حسابداری قیمت تمام شده نوین در پی از بین بردن چهارمین کمبود حسابداری قیمت تمام شده سنتی ناتوانی به حساب آوردن اثر دگرگونیهای صنعتی کل کار در نحوه کارکرد کارخانه نیز هست. نمونه اینگونه آثار نتیجه‌های سرمایه‌گذاری در خودکار کردن دستگاهها و یا خطر سرمایه‌گذاری نکردن در زمینه‌هایی است که موجب نوآوری می‌شوند.

هزینه‌ها و بهره‌های درون کارخانه ناشی

از چنین تصمیماتی اینکه به دقت قابل اندازه‌گیری است، اما دنیای کسب و کار در نتیجه‌گیری پی‌آمدها محافظه کارانه عمل می‌کند. این کار حتماً به افزایش فروش کمک خواهد کرد و یا اگر چنین نکنیم با خطر از دست دادن مشتری‌هایمان روبرو خواهیم شد آسان است. اما تبدیل آنها به کمیتهای سنجش‌پذیر چگونه ممکن است؟ اگر عاملهای لمس‌ناپذیری وارد معامله شوند، حسابداری قیمت تمام شده خود با چراها و اماهای تازه روبرو خواهد شد. بنابراین چگونگی انجام این کارها بسیار بحث‌انگیز و داغ است. با این وصف همگی پذیرفته‌اند که تاثیر این عاملها در عملکرد کارخانه، یعنی در حسابداری قیمت تمام شده، باید به حساب آید. هر راهی که برگزیده شود، حسابداری قیمت تمام شده نوین، مدیران را بر آن خواهد داشت تا تصمیماتی صنعتی درون و بیرون از کارخانه را با توجه به زمینه‌های کسب و کار بگیرند.

هزینه‌های مبتنی بر فعالیت

سیستم حسابداری قیمت تمام شده سنتی، چنین فرض می‌کرد که هزینه کل تولید^{۱۹} عبارت از جمع هزینه‌های تولید است. با این حال، هزینه‌ای که از نظر رقابت و سودآوری دارای اهمیت است، هزینه کل فرایند است و این همان چیزی است که سیستم جدید هزینه‌های مبتنی بر فعالیت^{۲۰} آن را ثبت و قابل کنترل می‌کند. پیش‌فرض اساسی آن، این است که فعالیت تجاری صنعتی، فرایند یکپارچه است که از زمان ورود تدارکات، مواد اولیه و قطعات به بازار کارخانه، آغاز و حتی تا بعد از رسیدن کالای تمام شده به دست مصرف‌کننده نهایی ادامه دارد. سرویس، کماکان بخشی از هزینه محصول است و نصب هم، ولو که مشتری پول آن را بپردازد، باز هم کالا به حساب می‌آید. سیستم

حسابداری قیمت تمام شده سنتی، هزینه انجام یک کار، مثلاً حدیده کردن یک پیچ را محاسبه و اندازه گیری می کند یا ساعت خوابیدن یا خرابی ماشینها، هزینه معطلی برای قطعه یا ابزاری، هزینه معطل شدن کالای تولیدی برای حمل، و هزینه کار مجدد روی قطعات معیوب و یا هزینه اوراق کردن قطعات معیوب، هزینه عدم انجام کار که حسابداری قیمت تمام شده سنتی نمی تواند آن را ثبت و ضبط کند، غالباً برابر هزینه انجام کار و گاهی فراتر از آن است. بنابراین هزینه یابی براساس فعالیت، نه تنها کنترل هزینه بهتری را مقدور می سازد، بلکه به نحوی فزاینده کنترل نتایج را هم ممکن می کند.

فرض حسابداری قیمت تمام شده سنتی این است که کار معینی - مثلاً عملیات حرارتی باید انجام شود و دیگر اینکه دقیقاً در همانجایی انجام شود که هم اکنون انجام می شود. هزینه یابی مبتنی بر فعالیت این سوال را مطرح می کند که آیا اصولاً عملیات حرارتی باید انجام شود، یا نه؟ و اگر باید انجام شود، بهترین جای ممکن برای انجام آن کجا است؟

هزینه یابی مبتنی بر فعالیت، آنچه را که زمانی چندین عمل و رویه بود یکپارچه می کند و تجزیه و تحلیل قیمت، تحلیل فرایند، مدیریت و هزینه یابی کیفیت را در تجزیه و تحلیل واحدی ارائه می نماید.

با استفاده از این نحوه برخورد، هزینه یابی مبتنی بر فعالیت می تواند تولید را، به میزان چشمگیری در بعضی از موارد، در حد یک سوم، کاهش دهد که بیشترین تاثیر را احتمالاً در بخش خدمات خواهد داشت. در اغلب شرکتهای تولید صنعتی، حسابداری قیمت تمام شده، ناکافی و نامناسب است ولی صنایع خدماتی - بانکها و فروشگاههای بزرگ زنجیره ای، بیمارستانها، مدارس، روزنامه ها و ایستگاههای رادیو تلویزیونی - در عمل

دارای هیچگونه اطلاعات هزینه ای نیستند. هزینه یابی مبتنی بر فعالیت، نشان می دهد که چرا حسابداری تمام شده سنتی در مورد شرکتهای خدماتی، عملی نبوده است. علت آن این است که روشها و تکنیکها غلط بوده است. علت این است که نمی توانند آن طور که شرکتهای تولیدی با حسابداری قیمت تمام شده سنتی عمل کرده اند و با فرض هزینه تک تک عملیات آغاز کنند. آنها باید با این فرض شروع کنند که تنها یک هزینه وجود دارد و آن هزینه شکل سیستم است، که در هر دوره زمانی خاص هزینه ای ثابت است.

تمایز بین هزینه های ثابت و متغیر، که حسابداری قیمت تمام شده سنتی بر آن استوار است، در کارهای خدماتی معنا ندارد. دیگر فرض پایه ای در حسابداری قیمت تمام شده هم که سرمایه می تواند جانشین کار و کارگر شود، نیز بی معنا خواهد بود. در حقیقت، کارهای مبتنی بر دانش، بالاخص در سرمایه گذاریهای اضافی و تکمیلی به نیروی کار بیشتری نیاز هست. بیمارستانی که ابزار جدیدی را برای تشخیص بیماریها، خریداری می کند؛ در نتیجه این خرید، کسی را اخراج نمی کند. بلکه باید چهار یا پنج نفر دیگر را برای تصدی تجهیزات جدید، اضافه کند. دیگر سازمانهای مبتنی بر دانش هم باید این درس را گرفته باشند ولی این فرض دیگر که امکانات و منابع نمی توانند جای یکدیگر را بگیرند، دقیقاً همان فرضهایی هستند که هزینه یابی مبتنی بر فعالیت، با آن فرضها شروع به کار می کند. ما با به کار بردن این فرضها در خدمات برای اولین بار به کسب اطلاعات و کنترل هزینه ها می پردازیم.

برای مثال، بانکها چندین دهه تلاش کرده بودند تا از فنون حسابداری قیمت شده سنتی در فعالیتهای خود استفاده کنند، ولی نتیجه موثری عایدشان نشد. اکنون این پرسش را مطرح کرده اند که کدام یک از

فعاليتها است که هم در مرکز هزینه ها و هم در مرکز درآمدها و نتایج قرار دارد؟ یک پاسخ این سوال، مشتری است. هزینه به ازای هر مشتری - هم حجم خدمات مورد استفاده مشتری و هم ترکیبی از آن خدمات - است که هزینه ها و میزان سودآوری را تعیین می کند. فروشگاههای خرده فروشی تخفیفی، مخصوصاً در اروپای غربی، مدتهاست که این حقیقت را دریافته اند. فرض آنها این است که زمانی که فضای قفسه مشخص و مستقر شده هزینه آن ثابت است و حسن مدیریت عبارت از بیشینه کردن بازدهی آن فضا در یک فاصله زمانی معین است. این توجه و تمرکز به کنترل نتایج، به رغم قیمتتهای نازل و حاشیه کم سود، امکان افزایش سودآوری را برای این خرده فروشان، فراهم ساخته است و در بعضی از زمینه ها، از قبیل آزمایشگاههای تحقیقاتی که اندازه گیری میزان بهره وری^{۲۱} در آنها، دشوار است. شاید بیشتر روی ارزیابی و قضاوتها حساب کنیم تا روی هزینه یابی ولی برای اغلب کارهای خدماتی و مبتنی بر علم، باید بتوانیم ظرف ده سال، ابزار قابل اطمینان برای سنجش و اداره هزینه ها و ارتباط بین هزینه ها و نتایج بوجود آوریم.

تفکر روشستر دربارہ هزینه یابی خدمات، باید بینشهای جدیدی را در رابطه با هزینه های جلب و حفظ مشتریان در انواع فعاليتها، به دست دهد. اگر جنرال موتورز، فورد و کرایسلر (Crausler) در ایالات متحده از هزینه یابی مبتنی بر فعالیت استفاده کرده بودند، زودتر به بهبودگی محض حملات شدید رقابتی خود در بیست سال گذشته، که تخفیفهای چشمگیر و جوایز نقدی کلان به خریداران جدید اتومبیل می داد، پی برده بودند و این تبلیغات در عمل برای این سه خودروساز بزرگ، به بهای مبالغ هنگفتی پول و از آن بدتر، به بهای از دست دادن مشتریان



دیدگان نافذ پیر مرد فروخت

اولین ترمی که به دانشگاه راه یافتیم، یکی از استادانم مرحوم علی خان وثوق بود. جثه‌ای کوچک و چشمانی بانقوذ داشت و بسیار سخت‌کوش بود. همواره لبخندی نیز به لب داشت. آرام و متواضع و فروتن بود، و با ما دانشجویان جوان و ناپخته، بس پدرا نه صحبت می‌کرد. بعدها که خود تدریس در دانشگاه را شروع کردم، با برخی از استادان سابقم - و از جمله آن زنده یاد - همکار شدم، که این برایم افتخاری بس بزرگ بود و در این حرفه همواره حمایت معنوی آنان را با خود داشته‌ام.

از مرحوم دکتر وثوق بیش از همه چیز تلاش و سخت‌کوشی را یاد گرفتیم. افتخار ما - شاگردان قدیمی او - این بود که استاد پیشین ما همواره از نظر عملی به ما بسیار اعتقاد و اعتماد داشت و در همه جا بضاعت و شایستگی ما را بیشتر از آنچه که بود عنوان می‌کرد، به گونه‌ای که در بسیاری از رساله‌هایی که او استاد راهنما بود، حتی یکی از ما را به عنوان استاد مشاور برمی‌گزید و گاه نیز حتی استاد راهنمایی رساله را به ما واگذار می‌کرد و خود با فروتنی تمام مشاورت آن را می‌پذیرفت - شگفتا:

بی‌شک او یکی از خادمان حرفه حسابداری این مرز و بوم است که رسالت خود را با تواضع و بدون ادعا به انجام رساند. خدایش بیامرزد، که بسیاری از فرزندان این آب و خاک نه تنها این حرفه، که منش و رفتار انسانی را نیز از او آموخته‌اند.

مهدی تقوی

شد که توسط حکومت وقت بازداشت شود ولی بعلت صغر سن آزاد گردد. مرحوم ابوالقاسم حالت شاعر نامدار معاصر نیز در سالگرد مجله توفیق در قطعه شعری در وصف او سروده است:

از بس که "علی وثوق" با فرهنگ است
در بحر ادب جو مرغ خوش آهنگ است
در پرتو خامه نگارنده او
این نامه نگارخانه ارژنگ است
همچنین در سنین نوجوانی داستانها و مقالاتی را که وی از نویسندگان بزرگ ترجمه کرده بود در جراید کثیرالانتشار کیهان و اطلاعات آن روز بچاپ رسیده است.

سوابق تحصیلی و اشتغالات
بعد از اخذ دیپلم متوسطه به استخدام وزارت فرهنگ در آمده و به عنوان دبیر ریاضی و ادبیات فارسی به تدریس اشتغال ورزید و به‌طور همزمان در دانشکده حقوق دانشگاه

فقیه سعید دکتر علی وثوق مدرس، در تاریخ ۱۳۰۱ شمسی در خانواده‌ای علمی - مذهبی پا به عرصه حیات گذاشت. وی در زمان طفولیت نزد مادر فاضله‌اش که بانویی فرهیخته و با ایمان بود خواندن را با قرائت و حفظ آیاتی از قرآن مجید آغاز کرد سپس دوره ابتدایی را در مدرسه مبارکه وثوق که متعلق به پدرش بود طی نمود. پدر او، حاج شیخ محمد جعفر وثوق از فضلا و اندیشمندان بنام زمان خود بود که در فقه و علوم ریاضی - به ویژه (نجوم) و زبانهای عربی و فرانسه تبحر داشت و در مدرسه دارالشفاء تهران آنها را تدریس می‌کرد. برای روانشاد دکتر وثوق نیز بهترین فرصت بود که زبانهای عربی و فرانسه را نزد پدر ارجمندش فراگیرد. وی دوره متوسطه را در دبیرستانهای تدین و توفیق گذراند و هنگامی که هنوز محصل دبیرستان بود در روزنامه‌های آن زمان آثار قلمی و نقاشی و کاریکاتور خود را عرضه می‌نمود. حتی چاپ یکی از کاریکاتورهای ایشان سبب



- مدیریت گروه کارشناسی ارشد حسابداری
 دانشگاه آزاد اسلامی
 عضویت‌ها
 - عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی
 - عضویت فرهنگستان علوم
 - عضویت هیئت ممیزه مرکزی وزارت علوم
 تحقیقات و فناوری
 - عضویت موسس سازمان فنی حرفه‌ای کشور
 - عضویت موسس دانشکده حسابداری در
 تبریز
 - عضویت کارشناسی رسمی حسابداری دادگستری
 - عضویت انجمن حسابداران خبره ایران و
 آمریکا

زمینه‌های علمی و تحقیقاتی
 - تحقیق پیرامون کاربرد کامپیوتر در حسابداری
 صنعتی
 - نارساییها و مشکلات سازمانی سیستم
 تشخیص در قوانین مالیاتی
 - تاثیر حسابداران رسمی در تعیین مالیات
 شرکتها
 - سیستم حسابداری در مرحله تهیه زغال
 خشک در ذوب آهن اصفهان
 - قیمت تمام شده محصولات در شرکت
 دخانیات ایران
 - بررسی مشکلات استقرار سیستمهای
 اطلاعاتی حسابداری در ایران

تالیفات
 - اصول حسابداری (۱)
 - مسایل حسابداری (۲)
 - حسابداری دولتی و امور مالی شهرداریها
 - اصول حسابداری صنعتی
 - حسابداری شرکتها

چندین کتاب آماده به چاپ نیز از استاد دکتر
 وثوق وجود دارد که در آینده نزدیک چاپ و
 برای استفاده علاقمندان ارائه خواهد شد.
 مرحوم دکتر وثوق در مدتی بیش از ۵۰ سال
 سابقه تدریس، به عنوان استاد راهنما و یا استاد
 مشاور در راهنمایی متجاوز از ۳۸۰ رساله
 کارشناسی ارشد و یا دکترای دانش‌آموختگان
 شرکت داشته است.

تهران به تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۲۶ به
 اخذ درجه کارشناسی در رشته حقوق قضایی
 نایل گردید و از آن زمان بتدریس در دبیرستان و
 مدتی هم به شغل قضاوت پرداخت.
 سپس دوره کارشناسی ارشد علوم اداری را
 در سال ۱۳۳۹ در دانشگاه تهران پایان رسانیده
 و در همین دانشگاه به عنوان مربی مشغول به
 کار شد.
 روانشاد دکتر وثوق دوره دکترای علوم
 سیاسی را نیز در دانشکده حقوق دانشگاه
 تهران طی کرد و رساله دکترای خود را درباره
 حسابداری دولتی و امور مالی شهرداریها در
 سال ۱۳۴۵ دفاع نمود و پس از آن به عنوان
 استادیار دانشگاه کار علمی خود را پی گرفت و
 مدارج دانشیاری و استادی این دانشگاه را
 پی در پی با موفقیت گذرانیده و در سال ۱۳۵۵
 نیز درجه فوق تخصص رشته حسابداری را از
 دانشگاه کالیفرنای جنوبی آمریکا دریافت نمود
 به طوری که اعطای این درجه در زمره اولین
 فوق دکترای تخصصی در این رشته در آن
 دانشگاه بشمار می آمد.

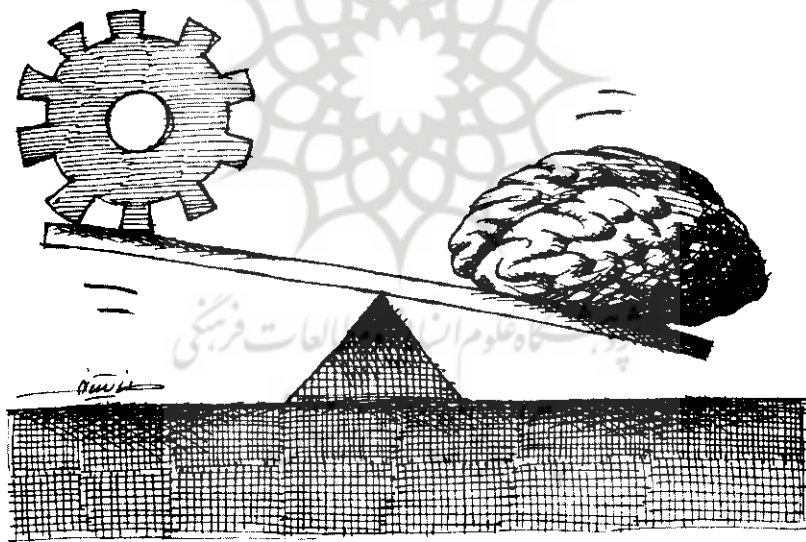
فقید سعید، دکتر وثوق از سال ۱۳۵۱
 مدیریت دپارتمان حسابداری دانشکده علوم
 اداری و مدیریت بازرگانی سابق را به عهده
 گرفت و بعد از چند سال تصدی معاونت
 دانشکده مذکور، بعد از پیروزی انقلاب به
 عنوان رئیس انتخابی دانشکده بمدت هشت
 سال انجام وظیفه کرد.
 روان شاد دکتر وثوق علاوه بر تصدی معاونت
 دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی آن
 زمان فعالیت‌های خود را در مراکز زیر دنبال کرده
 است:

- مدرسه عالی بازرگانی سابق (دانشگاه علامه
 طباطبائی فعلی)
 - استاد دانشگاه شهیدبهبشتی
 - استاد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
 - استاد دانشگاه پلیس
 - استاد دوره کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد
 اسلامی
 - استاد دانشکده علوم اداری و قضایی قم
 - استاد دوره بازآموزی اتحادیه شهرداریهای
 کشور

مهندسی مالی

پس از سالها تجربه، صاحبانظران و دست‌اندرکاران امور اقتصادی به این نتیجه رسیده‌اند که برای ایجاد کارایی در تولید، باید بخش خصوصی با انگیزه سود و رقابت پا به میدان بگذارد تا بدان وسیله بسیاری از شرکتهای دولتی از بن‌بست کاهش کارایی رهایی یابند و از آن رهگذر از منابع به‌نحو بهینه‌ای استفاده شود.

مهران جوادپور



اشاره

از زمان شروع برنامه اول توسعه اقتصادی، بحث خصوصی‌سازی و واگذاری شرکتهای به بخش خصوصی به‌عنوان اصلی‌ترین موضوع فراراه توسعه اقتصادی شناخته شده است؛ به عبارت دیگر پس از سالها تجربه، صاحبانظران و

عواملی که باعث جذب نقدینگی و سوق آن به‌طرف تولید می‌شوند، وجود داشته باشند، متاسفانه بورس اوراق بهادار تهران هنوز نتوانسته به‌عنوان یک بازار مالی موثر رسالت خود را انجام دهد؛ رسالتی که می‌تواند کمک شایانی به کاهش تورم کند^(۳). بورس تهران از مشکلات

بسیاری رنج می‌برد، نبود اوراق بهادار متنوع و تبدیل شدن بورس به بازار ثانویه‌ای که اغلب به داد و ستد اوراق بین سفته‌بازان می‌پردازد، از جمله مشکلات مهم بورس تهران است. در این مقاله سعی داریم با آشنایی مختصری که از مهندسی مالی ارائه می‌کنیم، تخصصی را معرفی کنیم که می‌تواند در ایجاد تنوع اوراق بهادار کمک بسیار زیادی به بورس کند. ایجاد تنوع در

را میسر سازد. بورس اوراق بهادار و ابزاری که در آن وجود دارد، از مهمترین اهرمهای خصوصی‌سازی بشمار می‌روند. بورس اوراق بهادار کشورهای پیشرفته صنعتی مهمترین عامل تهیه منابع مالی برای تولیدکنندگان قلمداد می‌شود. بورس را تنها به‌عنوان یک محل برای دادوستد اوراق بهادار تعریف نمی‌کنیم، بلکه محلی است با ویژگیهای خاص خود؛ در این محل باید

دست‌اندرکاران امور اقتصادی به این نتیجه رسیده‌اند که برای ایجاد کارایی در تولید، باید بخش خصوصی با انگیزه سود و رقابت پا به میدان بگذارد تا بدان وسیله بسیاری از شرکتهای دولتی از بن‌بست کاهش کارایی رهایی یابند و از آن رهگذر از منابع به‌نحو بهینه‌ای استفاده شود.

انجام هر عملی نیاز به ابزار دارد؛ ابزاری که بتواند به‌نحو چشمگیری رسیدن به هدف

اوراق بهادار بسیار حائز اهمیت است، چرا که مردم دارای سلیقه‌ها و درجه ریسک‌پذیری متفاوتی هستند، بسیاری از افرادی که با خرید اوراق مشارکت از اینکه مثلاً سالانه بیست درصد بازده ثابت بدست می‌آورند خوشحالند و بسیاری از افرادی که درجه ریسک‌پذیری‌شان زیاد است و به خرید سهام عادی روی می‌آورند. اما همچنین بسیاری از افرادی که ما بین این دو طیف قرار دارند، به‌عنوان مثال تمایل دارند به‌عنوان مالکان شرکت قلمداد شوند اما در این حال از سود ثابتی نیز بهره‌مند گردند. (خریداران سهام ممتاز). متأسفانه در بورس تهران تنها می‌توان اوراق مشارکت و سهام عادی را مشاهده کرد و تنها افراد بسیار ریسک‌پذیر و بسیار ریسک‌گریز جذب آنجا می‌شوند و جایی برای افراد دیگر وجود ندارد، از این رو بخش عظیمی از مردم و سرمایه‌گذاران از لیست مشتریان بورس حذف می‌شوند.

تاریخچه مهندسی مالی

اصطلاح مهندسی مالی برای اولین بار بوسیله بانکهای لندن در اواسط دهه ۱۹۸۰، به منظور راه‌اندازی دپارتمان مدیریت ریسک بوجود آمد و شامل گروهی از متخصصان بود که هر کدام در زمینه ریسک شرکتی، مهارت داشتند. این گروه‌ها یک نگرش استراتژی جدید برای مدیریت ریسک ارائه کردند. آنها تمامی ریسک‌های مالی را که برای شرکتها وجود داشت، مورد آزمایش قرار دادند. وظایف اصلی آنها عبارت بود از:

۱- شناخت ریسک.

۲- اندازه‌گیری ریسک.

۳- تعیین انواع نتایج مدیریت شرکتها همه موارد فوق مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت؛ به موازات تکمیل این تجزیه و تحلیلها، گروه مهارت‌های مهندسی مالی را روشن می‌ساخت.

نقش مهندسی مالی

سه نقش اصلی مهندسان مالی عبارتند از:

۱- بوجود آوردن بازار

۲- ابداع

۳- پیدا کردن روزه قانونی

سازندگان بازار معامله‌ای را ترتیب می‌دهند که نیازهای مشتری را برآورده سازد و سپس براساس ایده مشتری، به او فروش می‌کنند. یک معامله تنها زمانی بهترین است که با حداقل هزینه، اهداف مشتری را تامین کند. منظور از ابداع این است که اوراق بهادار و فرایندهای جدید معرفی شوند، آنها اغلب روی اوراق جدید کار می‌کنند، اوراقی که نیازهای مشتری را برآورده سازد و مشتری در آن زمان نتواند با اوراق موجود، نیاز خود را برآورده سازد.

همچنین مهندسان مالی در پی یافتن روزه‌ای برای بهره‌برداری از قوانین موجود هستند، مثلاً با استفاده از قوانین مالیاتی و آربیتراژ^۱ سعی می‌کنند سود را افزایش دهند.

مهندسان مالی موفق همیشه در تئوریهای مالی با ریاضیات سروکار دارند آنها خیلی سریع ایده‌ها را به چنگ می‌آورند و به آسانی اجزای ترکیب دهنده آنها را می‌یابند. آنها سعی می‌کنند بسیار آزاد فکر کنند و از محصور شدن می‌پرهیزند. آنها همچنین سعی می‌کنند خلاق باشند، هرگاه به آنان بگویند که نمی‌توان فلان کار را انجام داد، بلافاصله می‌پرسند "چرا؟"

ابزار مهندسان مالی

رشته مهندسی مالی، مانند سایر رشته‌های مهندسی، به ابزار نیاز دارد؛ این ابزار را می‌توان به دو بخش مفهومی و فیزیکی تقسیم کرد. در ابزار مفهومی، امور مالی به مثابه یک سیستم در نظر گرفته می‌شود. بسیاری از ابزارهای مفهومی بخشی از مدیریت مالی جدید به‌شمار می‌روند و بسیاری دیگر، برای مطالعات سیستماتیک مهندسی مالی به‌کار می‌روند.

مثلهایی از ابزار مفهومی عبارتند از: تئوری ارزش، تئوری پرتفولیو^۲ و تئوری مصونیت^۳.

ابزار فیزیکی شامل ابزارها و فرایندهایی است که می‌توانند برخی از اهداف خاص را با یکدیگر پیوند دهند. این ابزار شامل اوراق بهادار با درآمد ثابت^۴، پیمانهای آتی^۵، اختیارات خرید و فروش^۶، سوآپ^۷ و بسیاری از ابزارهای دیگر می‌شود.

حوزه فعالیت مهندسی مالی

مهندسی مالی با طراحی، توسعه، ابداع فرایندها و ابزار مالی و فرمولهای پدیده آورنده راه‌حلهای مسائل مالی، سروکار دارد. بنابراین ابداع و خلاقیت، دو ابزار بسیار مهم در مهندسی مالی قلمداد می‌شوند. ابداع سوآپ، اوراق بهادار سازمانهای دولتی با پشتوانه اقساط ناشی از وامهای رهنی^۸، اوراق قرضه بدون بهره^۹ و اوراق قرضه بسنجل^{۱۰}، همگی از فعالیتهای مهندسی مالی به‌شمار می‌روند.

علاوه بر این، مهندسی مالی نقش تغییر عقاید کهنه مالی و تبدیل آنها به عقاید نو و جدید را نیز به‌عهده دارد. معرفی سوآپ و صندوقهای مشترک سرمایه‌گذاری به شکلی جدید، از فعالیتهای دیگر مهندسی مالی است. همچنین مهندسی مالی در حال ترکیب مدلها و ابزارهای مالی، به‌منظور پدید آوردن مدلها و ابزار است؛ مثلهایی از فعالیتهای بسیار مفید مهندسی مالی عبارتند از: استفاده از روشهای موجود به‌منظور کاهش ریسک مالی شرکتها، کاهش هزینه تامین مالی، افزایش سود حسابداری و افزایش کارایی بازار.

حوزه فعالیت مهندسان مالی تنها به شرکتها محدود نمی‌شود؛ بسیاری از ابداعات مالی خلاق، در سطح فردی نیز بوجود آمده است که گاهی با عنوان سطح مشتری^{۱۱} معرفی می‌شوند. در این ارتباط

می‌توان از حساب بازنشستگی فردی^{۱۲}، طرح‌های بازنشستگی انفرادی^{۱۳} و انواع بیمه‌های عمر را نام برد.

از جنبه عملی، مهندسان مالی فعالیت‌های گسترده‌ای دارند که شامل مدیریت مالی شرکتها، مدیریت پولی و سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک^{۱۴} می‌گردد.

در زمینه مدیریت مالی شرکتها، مهندسان مالی اغلب به منظور توسعه ابزارهای جدید، برای اطمینان از تامین مالی مورد نیاز شرکتها بزرگ، به کار گرفته می‌شوند. طبیعت پیچیده تامین مالی ایجاب می‌کند که از ابزارهای گوناگون یا ترکیبی از آنها، استفاده شود و این مهم میسر نمی‌شود جز در سایه تخصص پیچیده مالی.

از جمله فعالیت‌های دیگر مهندسان مالی در زمینه مدیریت مالی، می‌توان به ادغام و جذب^{۱۵} و تصاحب^{۱۶} و خرید یک شرکت با استفاده از وام^{۱۷} اشاره کرد.

مهندسان مالی در خلق اوراق بهادار جدید و اوراق مشتقه^{۱۸} فعالیت‌های چشمگیری از خود نشان داده‌اند. آنها اشکال متنوعی از آریترایز و شبه آریترایز^{۱۹} را پدید آورده‌اند که از حیث زمان، مکان، ریسک، سنگناهی قانونی و نرخهای مالیات، می‌توانند برای شرکت بسیار سودمند واقع شوند. آریترایز مکان عبارت است اتصال بین بازار پیمانهای آتی^{۲۰} به نحوی که معاملات انجام شده در بازارهای امریکا می‌توانند با معاملات انجام شده در بازارهای خارجی به گونه‌ای پایاپای شوند که از خاصیت معامله خنثی‌کننده^{۲۱} استفاده گردد.

پی‌نوشت

1. Arbitrage

خرید و فروش همزمان اوراق بهادار در دو بازار مختلف با هدف کسب سود از طریق اختلاف قیمت دو بازار.

2. Portfolio Theory

تئوری پرتفوی تصمیمات سرمایه‌گذاری در مجموعه‌ای از اوراق بهادار را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد، در این تئوری تجزیه و تحلیل ریسک و بازده مجموعه اوراق بهادار مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

3. Hedging Theory

در این تئوری روشهای مصون ماندن از ریسک ناشی از تغییر قیمت‌های اوراق بهادار مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

4. Fixed income securities

اوراقی که نرخ بهره ثابت از پیش تعیین شده دارند مانند اوراق قرضه.

5. Futures contracts

قراردادهایی است که در آن خریدار و فروشنده متعهد می‌گردند کالا و پول در تاریخ معینی در آینده بین آنها رد و بدل گردد. این قراردادها در بورسهای مختلف جهان مورد معامله قرار می‌گیرند. پیمانهای آتی برای کالاهایی مانند انواع فلزات گرانبها، غلات، گوشت، ارزهای خارجی و غیره منعقد می‌گردد.

6. Options

برگه‌های اختیار خرید یا فروش سهام عادی به قیمتی معین تا زمان مشخص. برگه‌های اختیار به دو دسته زیر تقسیم می‌شوند:

الف - Call option: (برگه اختیار خرید) - قراردادی است که بین خریدار و فروشنده سهام منعقد می‌گردد و به خریدار حق خرید تعداد معینی از سهام خاص با قیمت مشخص تا تاریخ تعیین شده در قرارداد اعطا می‌کند. بدیهی است در صورتی خریدار از حق خود استفاده می‌کند که قیمت بازار سهام از قیمت ذکر شده در قرارداد بالاتر رود. پس از انقضای تاریخ تعیین شده در قرارداد، برگه اختیار خرید باطل می‌گردد.

ب - Put option: (برگه اختیار فروش) - قراردادی است که بین خریدار و فروشنده سهام منعقد می‌گردد و به فروشنده حق فروش تعداد معینی از سهام خاص را با قیمت مشخص تا تاریخ تعیین شده در قرارداد اعطا می‌کند، بدیهی است در صورتی فروشنده از حق خود استفاده می‌کند که قیمت بازار سهام از قیمت ذکر شده در قرارداد کمتر شود. پس از انقضای تاریخ تعیین شده در قرارداد، برگه اختیار فروش باطل می‌گردد.

7. Swaps

فروش یک نوع اوراق بهادار و خرید اوراق بهادار مشابه به قصد کاهش مالیات یا افزایش بازده.

8. Mortgage - backed certificate security

9. Zero coupon bonds

نوعی اوراق قرضه بدون بهره است. این اوراق در زمان فروش، زیر قیمت اسمی بفروش می‌رسد و در طول عمر آن هیچگونه بهره‌ای به این اوراق تعلق نمی‌گیرد. خریدار در سررسید معادل مبلغ اسمی اوراق از انتشاردهنده دریافت می‌کند.

10. Junk bonds

نوعی اوراق قرضه با ریسک بسیار بالاست. درجه اعتبار این نوع اوراق از نظر بازپرداخت اصل و بهره، بسیار پایین است، از این رو موسسات منتشر کننده این اوراق مجبورند نرخ بازده بالایی برای آنها تعیین کنند تا بتوانند آنها را در بازار بفروش رسانند.

11. Consumer level

12. Individual Retirement Account

حساب بازنشستگی فردی: حسابی است در یک صندوق بازنشستگی، افتتاح‌کننده آن حساب می‌تواند بخشی از درآمد قبل از مالیات خود را در این صندوق سرمایه‌گذاری کند و از مزایای خاص مالیاتی بهره‌مند گردد.

13. Keogh plans

در آمریکا کسانی که برای خود کار می‌کنند، می‌توانند درصدی از درآمد قبل از مالیات خود را حداکثر تا سقف معینی به صندوق بازنشستگی واریز نمایند و در زمان بازنشستگی از مزایای آن بهره‌مند شوند. به این برنامه، طرح بازنشستگی انفرادی گویند.

14. Risk management

مدیریت ریسک عبارت است از بررسی و مطالعه ریسکهای مختلف سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار و به حداقل رساندن آنها با توجه به بازده‌های متظره.

15.16. Merger & Acquisition

Merger: (ادغام دو شرکت): به شرايطی اطلاق می‌شود که دو شرکت در یکدیگر ادغام شوند و شخصیت حقوقی یکی از آنها از بین برود.

Acquisition: (تصاحب یک شرکت توسط شرکت دیگر): به شرايطی اطلاق می‌شود که یک شرکت به قصد کنترل شرکت دیگر مقدار زیادی از سهام آن شرکت را خریداری کند. برای تصاحب شرکت‌های کوچک، که سهام آنها به‌نحو گسترده‌ای توزیع نشده است، این مقدار باید بیش از ۵۰ درصد باشد، اما اگر سهام شرکت سرمایه‌پذیر به‌طور گسترده‌ای توزیع شده باشد، برای تصاحب آن نیاز نیست که این مقدار بیش از ۵۰ درصد باشد. در تصاحب، شخصیت حقوقی شرکت سرمایه‌پذیر از بین نمی‌رود.

17. Leveraged buy out (LBOs)

در این روش، داراییهای شرکت خریداری شده به‌عنوان وثیقه وام معرفی می‌گردد و بازپرداخت بدهی شرکت خریدار از محل جریان نقدی شرکت صورت می‌گیرد.

18. Derivative securities

19. Quasiarbitrage

20. Futures exchanges

21. Offset

منابع

- جهانخانی، علی و علی پارساییان، فرهنگ اصطلاحات مالی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۵
- جهانخانی، علی و علی پارساییان، بورس اوراق بهادار تهران، تهران: انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۴
- جوادیپور، مهران بررسی رابطه بین تغییرات نامگرهای پیشرو اقتصادی و تغییرات شاخص قیمت سهام در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه تحقیقات مالی، شماره ۹ و ۱۰، زمستان ۱۳۷۴ و بهار ۱۳۷۵.
- Marshall, John F. and Vipul K. Bansal. Financial engineering. New York: New York institute of finance, 1992.

نگاهی به تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت

بر اساس تئوری نمایندگی، موجودیت یک واحد تجاری بر مبنای قراردادهای منعقد شده است. این قراردادها می‌تواند به صورت رسمی باشد (نظیر قراردادهای استقراض، طرح حقوق و مزایای مدیران، نمودار سازمانی و ...) و یا به طور غیررسمی (مانند روشهای کاری مکتوب نشده)

محمد سیرانی

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه تهران

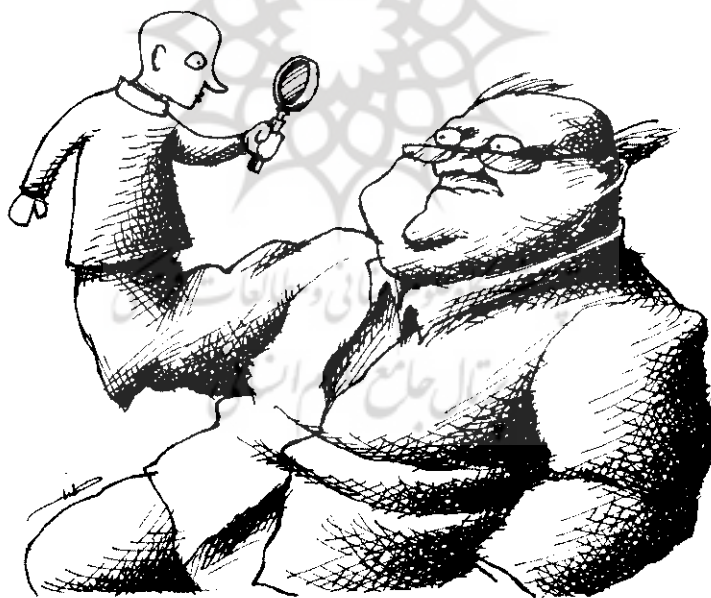
برخی از این مطالعات در جدول شماره ۱ آمده است.

تئوری نمایندگی در حسابرسی

خانم واندا والس (Wanda A. Wallace)

تئوری یاد شده را در مدل خود به عنوان یکی از عوامل توجیه ضرورت تقاضا برای حسابرسی مطرح

می‌کند. زمانی که رابطه مدیر و سهامداران مطرح است، طبیعی است که مدیر برای بهینه کردن منافع خویش دست به حرکتی بزند که به منافع سهامداران لطمه وارد کند. پس سهامداران نیاز به یک مکانیزم کنترلی دارند. این مکانیزم کنترلی در قالب موضوع حسابرسی شکل گرفته و منجر به یک



رابطه نمایندگی قراردادی است که بر اساس آن رئیس، مباشر، نماینده یا عاملی^۲ از جانب خود انتخاب کرده و اختیار تصمیم‌گیری را به او تفویض می‌کند.

بر اساس تئوری نمایندگی، موجودیت یک واحد تجاری بر مبنای قراردادهای منعقد شده است. این

قراردادها می‌تواند به صورت رسمی باشد (نظیر قراردادهای استقراض، طرح حقوق و مزایای مدیران، نمودار سازمانی و ...) و یا به طور غیررسمی (مانند روشهای کاری مکتوب نشده).

موضوع تئوری نمایندگی مطالعه تعارض بین رئیس و عامل است. این تضاد

از متفاوت بودن هدفهای آنان ناشی می‌شود. در سالهای اخیر موضوع رئیس-عامل به طور گسترده‌ای در متون تئوریک مورد بررسی قرار گرفته و این تئوری در حیطه‌های مختلفی مانند حسابداری مدیریت، حسابرسی، پاداش مدیران، قراردادهای استقراض و ... به کار رفته است.

جدول شماره ۱

حیطه و موضوع مورد بررسی	توسط	ارائه شده در:
حسابرسی	Wanda A. Wallace	-Wallace, W.A. "The Economic Role of the Audit in Free and Regulated Market". Rochester, N.Y: University of Rochester, 1980.
پاداش مدیران	Jensen and Meckling	-Jensen and Meckling "Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure" , Journal of Financial Economics 3 (October 1976) pp. 305-360
قراردادهای استقراض		-Zimmerman, J. "Positive Accounting Theory", University of Rochester, 1986
تملك، واگذاری و خرید شرکتها	Fama and Miller	-Fama and Miller.: Theories of Finance, Orydryden Press
حسابداری مدیریت (مبحث قیمتگذاری انتقالی و تخصیص هزینه)	Kyung Tae lee	-Lee, Kyung Tae, "Optimal control system in Managrial Accounting" University of California, 1992
حسابداری مدیریت	S.Baiman	-Baiman. S., "Agency Research in Managenial Accounting: A Survey" Journal of Accounting Literature (Spring 1982), 154-213

(Meckling) مدل‌هایی را برای قرارداد بین مدیر و سهامدار ارائه کردند و رفتار مدیر را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند مدل‌های یاد شده عبارتند از:

قرارداد بین مدیر خویش فرما و سرمایه‌گذاران بدون حق رای زمانی که مدیر خویش فرما مالک ۱۰۰ درصد شرکت است.

با فرض عدم تاثیر مالیاتی در چنین حالتی مدیر خویش فرما از ریخت و پاش و ایجاد هزینه‌های اضافی خویشنداری می‌کند، چرا که از این بابت خودش متضرر می‌گردد.

زمانی که مدیر خویش فرما (مدیر مالک) بخشی از سهام بدون حق رای را به دیگران واگذار نموده است؛

در این حالت چون هزینه‌های اضافی ناشی از منفعت شخصی مدیر (تظیر مسافرت‌های غیر ضروری، ایجاد محیط کار

تئوری نمایندگی در پاداش مدیران یک قرارداد موثر و کارا در مدیر این انگیزه را ایجاد می‌کند که ارزش شرکت را به حداکثر رساند. این قراردادهای بر دو نوع است.

۱- مبتنی بر سود حسابداری
 ۲- مبتنی بر ارزش شرکت
 هر یک از طرفین (مدیر و سهامدار) سعی دارند که منافع شخصی خود را حداکثر کنند. منافع فردی هر یک نیز بستگی به تابع مطلوبیت‌شان دارد، که این تابع مطلوبیت در خصوص مدیر و سهامدار یکسان نیست. برای مثال اگر تابع مطلوبیت یک مدیر داشتن دفتر کاری زیبا، منشی‌های متعدد و مسافرت‌های خارجی غیر ضروری باشد و در این راه مبالغ قابل توجهی هزینه کند، سهامدار سعی می‌کند با انعقاد قرارداد جهت جلوگیری از صرف هزینه‌های یاد شده اقدام کند.

جensen (Jensen) و مک‌لینگ

اعتماد نسبی بین مدیر و سهامدار گردیده است.

در به کارگیری این تئوری با تأکید بر مفروضات ذیل این استنتاج مطرح می‌شود که مدیر متقاضی خدمات حسابرسی است:

۱- تضاد منافع بین مدیر و سهامدار منجر به سوء رفتار مدیر می‌گردد.

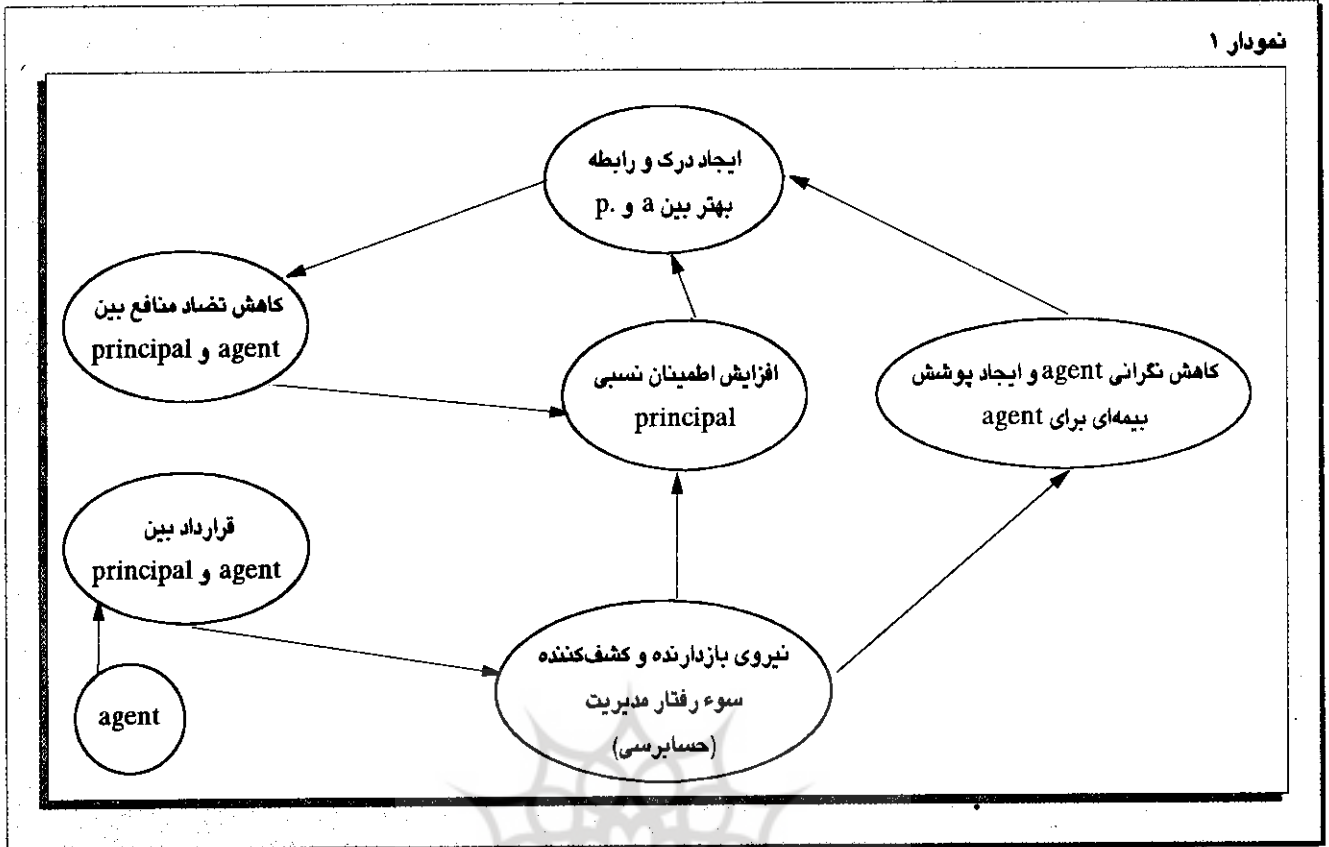
۲- نحوه سوء رفتار مدیریت از سوی سهامدار قابل پیش‌بینی است.

۳- میزان زیان ناشی از سوء رفتار قابل برآورد است.

۴- سهامدار در شرایطی است که برای جبران زیان برآوردی‌اش می‌تواند حقوق و مزایای مدیر را تعدیل کند.

۵- میزان تعدیلات بیش از هزینه حسابرسی است.

۶- حسابرسی اعتماد نسبی را برای نیروی بازدارنده یا کشف کننده سوء مدیریت را فراهم می‌سازد. (نمودار ۱)



انگیزه‌ای برای انجام درست کارها و عدم دخالت و نهایتاً کاهش هزینه‌ها را بدنبال دارد.

البته موضوع استقراض باعث می‌شود که مدیر خویش‌فرما از راههای دیگر به انتقال ثروت از طلبکاران به خود مبادرت ورزد برخی از آنها به شرح زیر است:
- افزایش نسبت بدهی و متعاقب آن افزایش ریسک شرکت؛

- به‌کارگیری تمامی پروژه‌هایی که NPV آنها مثبت است (بدون توجه به پراکندگی و انحراف معیار جریان‌ات نقدی پروژه) و در نتیجه مواجه شدن شرکت با فقدان میعان نقدینگی و عدم توان بازپرداخت دیون.

با توجه به موارد یاد شده ضرورت وجود قرارداد جهت محدود کردن فعالیت مدیر مطرح می‌گردد که این‌گونه قراردادها در قالب مدل رئیس و عامل معنی و مفهوم ۳۷ می‌یابد.

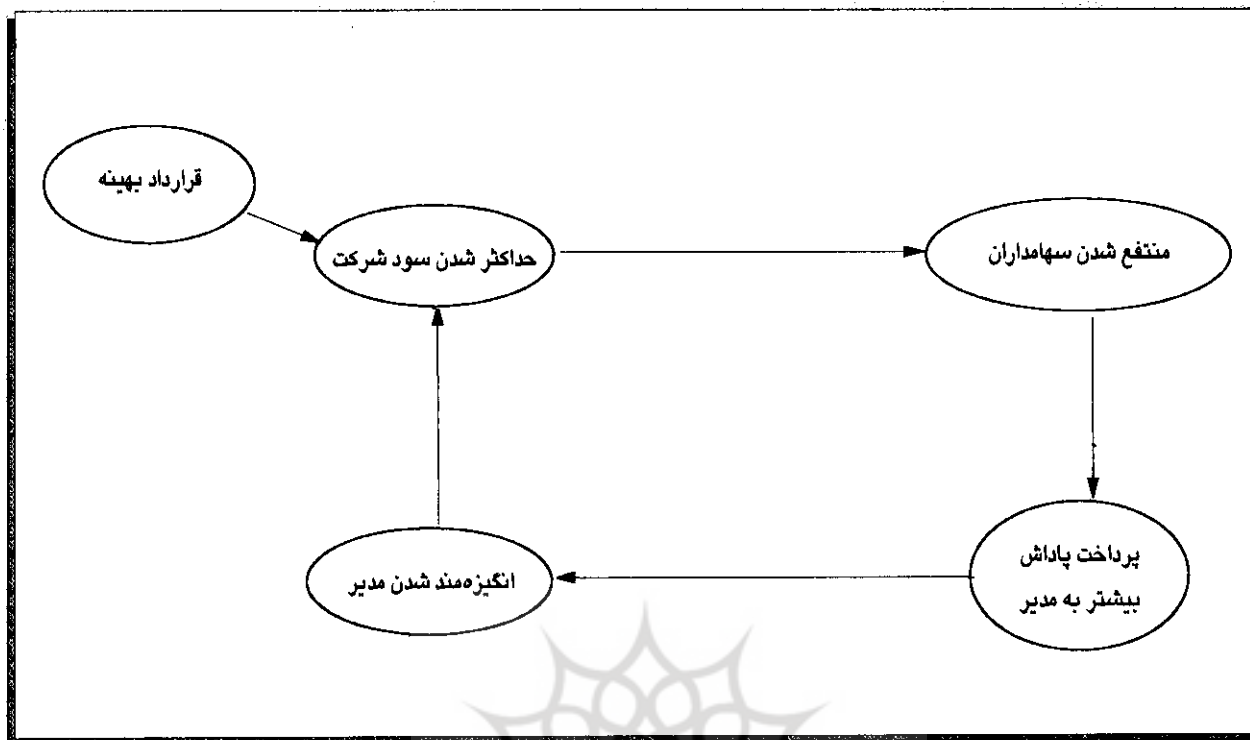
متقاعد کند که به قراردادش پایبند است. در این صورت چنانچه هزینه قرارداد کمتر از هزینه‌های شخصی و غیرضروری باشد سهام با ارزش بیشتری - نسبت به حالتی که قراردادی وجود ندارد - به فروش می‌رسد. از این رو همان‌گونه که قبلاً گفته شد مدیرعامل دارای انگیزه‌ای برای اطلاع‌رسانی به سهامدار در قالب حسابرسی است. (نمودار ۲)

تئوری نمایندگی در قراردادهای استقراض

انگیزه مدیر برای تحمیل هزینه‌های شخصی غیرضروری، متعاقب آن محدودیتهای اعمال‌شده از سوی سهامداران برون سازمانی بر مدیریت، ... منجر گردید که پیشنهاد شود به‌منظور کاهش هزینه‌های مدیرعامل، به‌جای ایجاد حق برای سهامدار غیر، ادعایی با ارزش اسمی ثابت (بدهی) منتشر شود که این امر

تجملاتی... با توجه به واگذاری بخشی از سهام شرکت به دیگران، برای مدیر هزینه کمتری در بردارد. طبیعی است که مدیر دست به چنین اقداماتی زند. نکته مهمی که مقاله به آن اشاره دارد این است که صرفاً در صورتی که بازار سرمایه کارا باشد سهامداران برون‌سازمانی به‌طور متوسط از بابت سوء رفتار مدیر متضرر نمی‌شوند، چراکه هزینه‌های غیرضروری در کوتاه‌مدت اثر خود را بر بهای سهام می‌گذارد و آن را تعدیل می‌کند.

مدیر خویش‌فرما با سهامداران برون سازمانی و وجود هزینه‌های نظارتی در این حالت مدیر به‌منظور اطمینان بخشیدن به سهامداران برون سازمانی از عدم انجام هزینه‌های غیرضروری، به انعقاد قرارداد می‌پردازد. (فعالیت محدودکننده) و سپس با صرف هزینه‌ای آن‌را به اطلاع آنان می‌رساند (فعالیت آگاهی‌دهنده) تا بازار را



مدیریت کردند. آنها همچنین دریافتند که وظیفه قیمت تمام شده باید متفاوت از وظایف تصمیم‌گیری باشد. در نتیجه علوم مدیریت، تئوریهای آماری و اقتصادی و مدل‌های ریاضی را به منظور بسط و گسترش مدل‌های حسابداری مدیریت به کار گرفتند. این رهیافت بین چندرشته‌ای^۴ منجر به توسعه حسابداری مدیریت که اطلاعات سودمندی را برای تصمیم‌گیری‌ها و کنترل‌های داخلی تهیه می‌کند، گردیده است. همراه با پیشرفت‌های علم اقتصاد، روش جدیدی برای فراهم کردن یک چارچوب ساختاری حسابداری مدیریت به وجود آمد. رهیافت اطلاعات اقتصادی به سیستم حسابداری مدیریت به عنوان یک سیستم اطلاعاتی نگاه می‌کرد. ارزش یک سیستم حسابداری مدیریت تنها در صورتی می‌تواند محقق جلوه کند که مطلوبیت مورد انتظار تصمیم‌گیرندگان را افزایش دهد.

در این مقاله دو سیستم کنترلی مهم در ادامه در صفحه ۷۷

سهامدار تغییر یافته‌اند، برنده بوده‌اند. از جمله شیوه‌های رایج خرید شرکتها می‌توان از تملک اهرمی^۳ نام برد.

تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت
حسابداری مدیریت از سیستم حسابداری قیمت تمام شده که در ابتدا به منظور شناخت هزینه‌ای ساخت محصولات جهت تهیه گزارشهای خارجی ایجاد گردیده بود، نشأت گرفته، و تکامل یافته است، هدف ابتدایی حسابداری قیمت تمام شده تسهیم هزینه‌ها به محصول قابل تفکیک به کالای فروش رفته و موجودی انبار بود.

از آنجا که حسابداران دریافتند که وظیفه هزینه‌یابی بهای تمام شده برای هدفهای گزارشگری مالی، الزاماً مرتبط با هدفهای تصمیم‌گیری‌های متنوع درون سازمانی نیست شروع به طراحی سیستم کنترل

تئوری نمایندگی در تملک و واگذاری شرکتها

کاهش هزینه‌های مدیر (عامل) و از طرفی تلاش و بهره‌وری بیشتر از سوی وی، موفقیت و رشد شرکت را بدنبال دارد. در دو دهه اخیر در برخی از کشورهای صنعتی و پیشرفته، مدیران شرکت‌های تحت مدیریت خود را خریداری کرده‌اند. این معاملات غالباً به دلیل بدهیهای زیاد صورت پذیرفته و در اغلب موارد منجر به موفقیت شرکتها در بازپرداخت بدهی و جلوگیری از ورشکستگی و ایجاد چرخه رشد و افزایش قیمت سهام را بدنبال داشته است.

از اجزای چرخه (سیکل) رشد می‌توان بهبود مدیریت نقدینگی و سرمایه در گردش، کاهش هزینه‌ها، تجدید ساختار پرسنلی و مدیریتی، ایجاد رابطه مناسب و منطقی بین پرداختها و دریافتها را نام برد.

در این تملکها هم مدیران، هم سهامداران و هم طلبکارانی که بعداً به

بررسی نقش عوامل موثر بر هموارسازی سود

در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

هدف از این تحقیق، شناسایی بعضی از عواملی است که احتمال دارد بر هموارسازی سود موثر باشند. شرکتهای انتخاب شده، ۱۰۴ شرکت از ۱۹۶ شرکت پذیرفته شده در بازار بورس تهران طی سالهای ۱۳۶۹ لغایت ۱۳۷۴ است.

حمیدرضا جوادیان کوتابی

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی فیروزکوه

این مقاله به سه بخش تقسیم شده است:

اول- بازنگری ادبیات

دوم- متدولوژی و روشهای تحقیق

سوم- تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده

بازنگری ادبیات^۱

گوردون، هورویتز و میرس (Gordon, Horwitz and Meyers, 1966) ارتباط بین رویه حسابداری تشویق مالیاتی سرمایه گذاری (ابزار هموارسازی سود) را با نرخ رشد سودآوری هر سهم و بازده صاحبان سهام (هدفهای هموارسازی سود) بررسی کردند. نتایج حاصله، ارتباط بااهمیتی را بین دو جز پیشگفته (ابزار هموارسازی و هدفهای هموارسازی سود) بیان داشته و حکایت از وجود هموارسازی سود را داشت. آرچیبلد (Archibald, 1967) بر روشهای مختلف استهلاک گیری، کاشینگ (Cushing, 1969) بر تغییر روش در حسابداری، داشر و مالکوم (Dascher and Malcom, 1970)، بارنی، رانن و سادن (Barnea, Ronen and Sadan, 1975)، رانن و سادن (Ronen and Sadan, 1975) بر اقلام غیرمترقبه تحقیق و اثبات کردند هموارسازی سود در بین شرکتهایی که به عنوان نمونه انتخاب شده اند انجام می گیرد. بیدلمن (Beidleman, 1973) مدارکی ارائه کرد که نشان می داد مدیریت

چکیده

هدف از این تحقیق، شناسایی بعضی از عواملی است که احتمال دارد بر هموارسازی سود موثر باشند. شرکتهای انتخاب شده، ۱۰۴ شرکت از ۱۹۶ شرکت پذیرفته شده در بازار بورس تهران طی سالهای ۱۳۶۹ لغایت ۱۳۷۴ است. در ارتباط با هموارسازی سود در این تحقیق چهار فرضیه تست شده اند که عبارت است از:

الف - هموارسازی سود انجام می گیرد یا خیر؟

ب - اندازه شرکت (کل داراییها)

ج - مجموع بازده دارایی شرکتها (نسبت سود به کل داراییها)

د - نوع صنعت شرکتها (کانی و غیرفلزی، نساجی، غذایی، شیمیایی و غیره).

نتایج حاصل از آمار توصیفی و شاخص هموارسازی سود یا شاخص ایکل (Eckle) در تحقیق نشان می دهد هموارسازی سود در بین شرکتهای نمونه انجام می گیرد. اما نتایج حاصل از آزمون آماری t، تست کای دویاکی دو و تجزیه و تحلیل فرضیه ها نشان می دهد هموارسازی سود در بین نمونه ها به اندازه شرکت (کل داراییها)، مجموع بازده دارایی شرکتها و نوع صنعت شرکتها بستگی ندارد. به بیان دیگر، هموارسازی سود به عوامل دیگری بستگی دارد و امید است با تحقیقات بیشتر در این خصوص این عوامل مشخص گردند.

سود واقعی از سود مورد انتظار و طرحهای پاداشی ارتباط دارد. مطالعاتی که توسط هیلی (Healy, 1985) نیز به عمل آمده با تحقیقات موزز در خصوص هموارسازی سود موافق بود.

در خاتمه به نظر می‌رسد مدارک ارائه گردیده در ادبیات نشان می‌دهد هموارسازی سود در بین شرکتهای نمونه و با نسبتهای مختلفی صورت می‌گیرد. همچنین مدیریت با تشخیص و کنترل بیشتر در وقوع و شناخت وقایع خاص، ارتباط درآمد با هزینه و طبقه‌بندی اقلام درآمد و هزینه زمینه هموارسازی سود را فراهم می‌کند.

متدولوژی و روشهای تحقیق

الف - فرضیات تحقیق

فرضیات این تحقیق بر دو بخش فرضیه اصلی و فرضیات فرعی استوار است. هدف از فرضیه‌های فرعی، شناسایی بعضی از عواملی است که احتمال دارد در هموارسازی سود موثر باشند. فرضیه اول (اصلی): مدیران در واحدهای تجاری به هموارسازی سود اقدام می‌ورزند؛

فرضیه دوم (فرعی): هموارسازی سود به اندازه شرکتهای (کل داراییها) بستگی ندارد؛

فرضیه سوم (فرعی): هموارسازی سود به مجموع بازده دارایی شرکتهای (نسبت سود به کل داراییها) بستگی ندارد؛

فرضیه چهارم (فرعی): هموارسازی سود به نوع صنعت شرکتهای (کانی و غیرفلزی، نساجی، غذایی، شیمیایی و غیره) بستگی ندارد.

ب - چگونگی جداسازی شرکتهای نمونه از یکدیگر

در این تحقیق از آمار توصیفی و شاخص هموارسازی سود، برای جداسازی شرکتهای هموارکننده سود از شرکتهایی که هموارسازی سود را انجام نمی‌دهند استفاده شده است (شاخص هموارسازی سود یا شاخص ایکل برابر نسبت ضریب تغییرات دلتای سود بر ضریب تغییرات دلتای فروش است). اگر نسبت فوق کمتر از یک شد آن شرکت به عنوان هموارکننده سود شناسایی شده یعنی مدیران سود شرکت را هموار می‌کنند، ولی اگر نسبت فوق بزرگتر یا مساوی یک شد آن شرکت به عنوان شرکتی که سود را هموار نمی‌کند شناسایی می‌گردد یعنی مدیران سود را هموار نمی‌کنند.

فرمول آماری محاسبه شاخص ایکل به شرح ذیل است:^۳

$$\Delta I = \frac{CV_{\Delta I}}{CV_{\Delta S}} = \text{شاخص هموارسازی سود}$$

دوره

شرکتهای در مبادله داراییها و بدهیها، هزینه‌های بازنشستگی، هزینه‌های تحقیق و توسعه، هزینه‌های فروش و بازاریابی، سود را دستکاری و هموار می‌کنند.

کاپلند (Copeland, 1968) و رانن و سادن (Ronen and Sadan, 1976) نیز ابزارهای مختلف هموارسازی سود را تست و اثبات کردند هموارسازی سود در بین شرکتهای نمونه انجام می‌گیرد. مه (Ma, 1988) نتیجه گرفت هدف بانکها از اندوختن زیان و امها و به حساب هزینه منظور کردن آنها، هموارسازی سود بوده است. برآیساو و الدین (Brayshaw and Eldin, 1988) گزارش کردند مدیریت از نوسانات نرخ ارز برای رسیدن به هدفهای هموارسازی سود استفاده می‌کند.

از طرف دیگر، دایخ و درک (Dopuch and Drake, 1966) با بررسی سود و زیان حاصل از فروش اقلام سرمایه‌ای هموارسازی سود با اهمیتی را بین شرکتهای نمونه پیدا نکردند. در ضمن وایت (White, 1970) در تحقیقاتش تحت عنوان تصمیم‌گیری اختیاری از بین دو یا چند روش پذیرفته شده در حسابداری و کاپلند و لیکاسترو (Copeland and Licastro, 1968) در تحقیقات حسابداری‌شان تحت عنوان شعب مستقل یا شعب غیرتلفیقی به این نتیجه رسیدند هموارسازی سود در بین شرکتهای نمونه صورت نمی‌گیرد. بارفیلد و کامیسکی (Barefield and Comiskey, 1972) (مشابه تحقیق کاپلند و لیکاسترو در سال ۱۹۶۸) حسابداری شعب مستقل یا شعب غیرتلفیقی را تحقیق و شواهدی دال بر انجام هموارسازی سود توسط شرکتهای را کشف کردند.

اسمیت (Smith, 1976) و کامین و رانن (Kamin and Ronen, 1978) شرکتهای تحت کنترل صاحب یا صاحبان و شرکتهای تحت کنترل مدیریت را مورد بررسی و تحقیق قرار داده و به این نتیجه رسیدند در شرکتهای تحت کنترل مدیریت هموارسازی سود انجام می‌گیرد. رانن و سادن (Ronen and Sadan, 1981) به این نتیجه رسیدند شرکتهای در صنایع مختلف سودهایشان را به نسبت‌های مختلف نیز هموار می‌سازند. خصوصاً، بیشترین هموارسازی سود در صنایع نفت و گاز و صنایع دارویی کشف شد.^۴

بلکویی و پیکور (Belkaoui and Picur, 1984) نیز به نتیجه مشابهی رسیدند. آنها اثبات کردند شرکتهای با بخشهای محوری صنعت، سودشان را بیشتر از شرکتهای با بخشهای جانبی صنعت هموار می‌کنند. آلبرشت و ریچاردسون (Albrecht and Richardson, 1990) بیان داشتند نتایج بلکویی و پیکور در سال ۱۹۸۴ به اندازه شرکتهای (ارزش کل داراییها) بستگی دارد. موزز (Moses) کشف کرد هموارسازی سود با اندازه شرکتهای، اختلاف

$\Delta S =$ تغییرات فروش طی یک دوره.

$CV =$ ضریب تغییرات برای متغیر مورد نظر (از تقسیم انحراف معیار متغیر مورد نظر بر میانگین همان متغیر به دست می آید).

در صورتی که $\frac{CV_{\Delta I}}{CV_{\Delta S}} \geq 1$ گردید شرکت فوق به عنوان شرکتی که سود را هموار نمی کند شناسایی می شود. اما اگر $\frac{CV_{\Delta I}}{CV_{\Delta S}} < 1$ شد شرکت فوق به عنوان شرکتی که سود را هموار می کند، شناسایی می گردد.

دلایل استفاده از شاخص هموارسازی سود به شرح زیر است:
الف - هموارسازی سود را بی آنکه به قضاوت های ذهنی برای پیش بینی سود و برآورد هزینه متوسل شود اندازه گیری می کند.

ب - تاثیر چندین متغیر هموارکننده سود را به جای یک متغیر مورد بررسی قرار می دهد.

ج - اطلاعات چند دوره زمانی یا اطلاعات سریهای زمانی را به جای اطلاعات یک دوره، برای محاسبه شاخص مورد نظر مورد استفاده قرار می گیرد.

ذکر دو نکته در اینجا الزامی است:

اول - ممکن است در شرکتی، شاخص به دست آمده از یک بزرگتر و یا مساوی یک باشد ولی مدیریت آن اقدام به هموارسازی سود کند، از بحث درباره این نوع شرکتها در این تحقیق خودداری شده است.

دوم - از بحث تورم در این پژوهش خودداری به عمل آمده است. یعنی در این تحقیق بر آن نبوده ایم که داراییها، فروشها، هزینهها، سود ناویژه و سود قبل از کسر مالیات شرکتها را با یک رشته از شاخصها و در سنوات مختلف تعدیل کنیم.

ج - آزمون فرضیات یا روشهای آماری مورد استفاده

در این تحقیق از چند روش آماری برای تست فرضیهها استفاده شده است:

اول) آمار توصیفی همانند میانگین و توزیع فراوانی، برای تفکیک شرکتهای نمونه از یکدیگر توسط شاخص ایکل و جهت تست فرضیات.

دوم) آزمون فرضیه نسبتها برای تست فرضیه اول (فرضیه اصلی).

روش فوق در بسیاری از مواقع که تصمیم گیری براساس اطلاعات حاصل از یک نمونه انجام می گیرد به کار می رود:

$$\begin{cases} H_0 : P \leq 6\% \\ H_1 : P > 6\% \end{cases}$$

چون برای تایید فرضیه فوق، بیشتر از ۶۰ درصد مد نظر بوده از این رو از روش آزمون آماری یک طرفه استفاده می گردد. همچنین با توجه به اینکه تعداد نمونهها به اندازه کافی بزرگ بوده ($npq \geq 5$, $np \geq 5$, $n \geq 30$) می توان از توزیع نرمال Z یک طرفه

برای تست فرضیه اول اقدام کرد. بدین ترتیب چنانچه فرضیه صفر در سطح معنی دار ۵ درصد نفی گردد با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت بیش از ۶۰ درصد شرکتها سود خود را هموار می کنند.

سوم) آزمون دو طرفه t برای تست فرضیه های دوم و سوم (فرضیات فرعی). از آنجا که هموارسازی سود هم در جهت افزایش و هم در جهت کاهش سود صورت می گیرد، از این رو از آزمون t دو طرفه استفاده می شود.

$$H_0 : \mu = \mu_0$$

$$H_1 : \mu \neq \mu_0$$

نکته - فرض H_0 برای آزمونهای آماری (فرضیات فرعی) به شرح زیر است:

فرضیه دوم: میانگین کل دارایی (اندازه) شرکت های هموارکننده سود برابر است با میانگین کل دارایی شرکت هایی که سودشان را هموار نمی کنند. در این فرضیه، اندازه شرکت به واسطه کل داراییها بعد از گرفتن لگاریتم اندازه گیری می شود. دلیل لگاریتم گیری از داراییها این است که توزیع پراکندگی داراییها نرمال نبوده و معمولاً حالت چوله به راست یا زیاد شدن دارایی دارد، از این رو با لگاریتم گیری توزیع پراکندگی داراییها نسبت به حالت قبلی نرمال تر می گردد. در آزمون آماری T و Z فرض بر این است که توزیع پراکندگی داراییها، نرمال است.

فرضیه سوم: میانگین سود خالص به کل دارایی (مجموع بازده دارایی) شرکت های هموارکننده سود برابر میانگین سود خالص به کل دارایی شرکت هایی که سودشان را هموار نمی کنند، است.

بدین ترتیب چنانچه فرضیه H_0 دو فرضیه فوق در سطح معنی دار ۵ درصد رد شود با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت، داراییها و مجموع بازده داراییها در هموارسازی سود تاثیر می گذارد.

چهارم) آزمون کای دو برای تست فرضیه چهارم (فرضیه فرعی). فرض H_0 : نوع صنعت شرکتها (کانی و غیرفلزی، نساجی، غذایی، شیمیایی و غیره) متغیر مستقل هستند.

روش کای دو زمانی کاربرد دارد که حداقل یک پارامتر غیر عددی در تحقیق وجود داشته باشد، چون نوع صنعت یک پارامتر غیر عددی بوده به همین جهت از روش کای دو استفاده می گردد.

از این رو چنانچه فرض صفر در سطح معنی دار ۵ درصد رد شود با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت نوع صنعت شرکتها در هموارسازی سود تاثیر می گذارد.

د - حوزه تحقیق

این تحقیق از دو بُعد مورد بررسی قرار گرفت:

اول - بُعد زمانی: دوره زمانی انجام تحقیق برای شرکت های مورد مطالعه از ابتدای سال ۱۳۶۹ لغایت پایان سال ۱۳۷۴ است. ۴۱

دوم - بُعد مکانی: بورس اوراق بهادار تهران و شرکتهای پذیرفته شده در آن است.

ر - انتخاب نمونه و منبع اطلاعات

جامعه آماری مورد مطالعه، تمام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۱۳۶۹ لغایت ۱۳۷۴ است. تعداد این شرکتهای در تاریخ ۱۳۷۴/۱۲/۲۹، یکصد و شش شرکت بوده و در هیجده صنعت مختلف فعالیت می کردند. (جدای از ۱۹۶ شرکت مزبور، پنجاه شرکت دیگر متقاضی پذیرش و بیست شرکت دیگر نیز به طور مشروط پذیرفته شده بودند). در این تحقیق به علت مطالعه سربهای زمانی ۶ ساله و نیز اصلاحیه سال ۱۳۶۶ قانون مالیاتهای مستقیم در رابطه با نحوه محاسبه مالیات بردارآمد شرکتهای که در سال ۱۳۶۹ ابلاغ گردیده، شرکتهایی که بیش از ۴ سال از پذیرش آنها در بورس اوراق بهادار تهران گذشته به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیده اند.

علاوه بر این محاسبه ضریب

تغییرات مورد نیاز، شرکتهای دارای کمتر از ۴ سال اطلاعات و شرکتهایی با اطلاعات ناقص از این تحقیق مستثنی شده اند. با توجه به دو محدودیت فوق، کل نمونه انتخاب شده از ۱۹۶ شرکت به ۱۰۴ شرکت تقلیل یافت که برابر ۵۳/۱ درصد کل شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

قسمت سوم - تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده

قبل از اینکه نتایج به دست آمده در این تحقیق مورد بررسی قرار گیرد بیان چند نکته الزامی است:

الف - از مقوله تورم در این پژوهش بحثی به میان نیامده است.

ب - چون تعداد اندکی از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اقلام غیر مترقبه را در صورت سود و زیان افشا می کنند، از بحث سود و زیان حاصل از اقلام غیر مترقبه در این تحقیق خودداری شده است.

ج - تعداد نمونه های انتخاب گردیده جهت تست آزمون t تقریباً بزرگ محسوب می گردد.

د - آخرین نکته قابل توجه اینکه، در این پژوهش تمام فرضیه ها

جدول شماره ۱- آمار توصیفی شرکتهای نمونه مورد مطالعه با توجه به سود ناویژه

شرکتهایی که سودشان را هموار نمی کنند یعنی $(\frac{CV_{\Delta I}}{CV_{\Delta S}} < 1)$ است	شرکتهایی که سودشان را هموار نمی کنند یعنی $(\frac{CV_{\Delta I}}{CV_{\Delta S}} \geq 1)$ است	کل شرکت نمونه	تعداد شرکتهای
۲۶	۷۸	۱۰۴	شرح
۴/۱۱۱	۴/۱۴۹	۴/۱۳۹	میانگین کل دارایی (بعد از گرفتن لگاریتم)
۰/۴۵۳	۰/۴۰۳	۰/۴۱۳	انحراف معیار
۰/۲۷۳	۰/۲۵۲	۰/۲۵۸	میانگین نسبت سود ناویژه به کل دارایی
۰/۳۲۵	۰/۱۱۷	۰/۱۸۹	انحراف معیار
۹	۲۶	۳۵	توزیع فراوانی: کانی و غیر فلزی و نساجی
۱۷	۵۲	۶۹	بقیه
۵	۲۰	۲۵	توزیع فراوانی: صنایع غذایی و شیمیایی
۲۱	۵۸	۷۹	بقیه

یکبار با سود ناویژه و بار دیگر با سود قبل از کسر مالیات تست و آزمون شده اند.

نتایج به دست آمده حاصل از تست شاخص ایکل $(\frac{CV_{\Delta I}}{CV_{\Delta S}})$ بیانگر این است که از ۱۰۴ شرکت مورد مطالعه، ۷۸ شرکت سود ناویژه را هموارسازی نکرده و ۲۶ شرکت سود ناویژه را هموار می کنند.

آمار توصیفی ۱۰۴ شرکت نمونه با توجه به سود ناویژه شرکتهای برای فرضیه اول (اصلی) به شرح زیر است:

$$\bar{P} = \frac{x}{n} = \frac{\text{تعداد موفقیتها در نمونه}}{\text{حجم نمونه}}$$

P = نسبت موفقیت عنوان شده توسط فرضیه صفر

$$q = 1 - P$$

$$\left\{ \begin{aligned} \bar{P} &= \frac{x}{n} = \frac{26}{104} = 0.25 \\ Z &= \frac{\bar{P} - q}{\sqrt{\frac{P \cdot q}{n}}} = \frac{0.25 - 0.6}{\sqrt{\frac{0.6(1-0.6)}{104}}} = \frac{-0.35}{0.048} = -7.28 \end{aligned} \right.$$

جدول شماره ۲- آمار توصیفی شرکتهای نمونه مورد مطالعه با توجه به سود قبل از کسر مالیات

شرکتهایی که سودشان را هموار می‌کنند یعنی	شرکتهایی که سودشان را هموار نمی‌کنند یعنی	کل شرکت نمونه	تعداد شرکتهای
$(\frac{CV_{\Delta I}}{CV_{AS}} < 1)$	$(\frac{CV_{\Delta I}}{CV_{AS}} \geq 1)$		شرح
۲۴	۸۰	۱۰۴	میانگین کل دارایی (بعد از گرفتن لگاریتم)
۴/۱۶۶	۲/۱۳۱	۲/۱۳۹	انحراف معیار
۰/۳۹۶	۰/۴۲۲	۰/۴۱۲	میانگین نسبت سود قبل از کسر مالیات به کل دارایی
۰/۰۹۵	۰/۲	۰/۱۷۶	انحراف معیار
۰/۱۹۸	۰/۱۲۴	۰/۱۵۰	توزیع فراوانی:
۱۰	۲۵	۳۵	کافی و غیرفلازی و نساجی
۱۴	۵۵	۶۹	بقیه
۵	۲۰	۲۵	توزیع فراوانی:
۱۹	۶۰	۷۹	صنایع غذایی و شیمیایی
			بقیه

در سطح معنی‌دار ۵ درصدی با ۱۰۴ شرکت نمونه مقدار آماره آزمون Z برابر ۱/۶۴۵ گردیده در حالی که کمیت آماره آزمون ۷/۲۸- به دست آمده است. از این رو فرضیه فوق در ناحیه عدم رد قرار گرفته و فرضیه صفر پذیرفته می‌شود و دلیلی برای قبولی این مسئله که بیش از ۶۰ درصد شرکتهای سود ناویژه را هموار می‌سازند وجود ندارد.

جدول آمار توصیفی شرکتهای نمونه مورد مطالعه با توجه به سود ناویژه مقادیر میانگین، تعداد نمونه، انحراف معیار و سری اطلاعات مورد نیاز دیگر برای کل فرضیه‌های بیان شده با توجه به سود ناویژه، به طور خلاصه در جدول شماره ۱ ارائه گردیده است.

نتایج به دست آمده حاصل از تست شاخص ایکل بیانگر این است که از ۱۰۴ شرکت مورد مطالعه، ۸۰ شرکت سود قبل از کسر مالیات را هموارسازی نکرده و ۲۴ شرکت سود قبل از کسر مالیات را هموار می‌کنند.

آمار توصیفی ۱۰۴ شرکت نمونه با توجه به سود قبل از کسر مالیات شرکتهای برای فرضیه اول (اصلی) به شرح زیر است:

$$\bar{P} = \frac{x}{n} = \frac{\text{تعداد موفقیتها در نمونه}}{\text{حجم نمونه}}$$

نسبت موفقیت عنوان شده توسط فرضیه صفر

$$q = 1 - P$$

$$\left\{ \begin{aligned} \bar{P} &= \frac{x}{n} = \frac{24}{104} = 0/23 \\ Z &= \frac{\bar{P} - q}{\sqrt{\frac{pq}{n}}} = \frac{0/23 - 0/6}{\sqrt{\frac{(1-0/6) \cdot 0/6}{104}}} = \frac{-0/37}{0/048} = -7/7 \end{aligned} \right.$$

در سطح معنی‌دار ۵ درصدی با ۱۰۴ شرکت نمونه مقدار آماره آزمون Z برابر ۱/۶۴۵ گردیده در حالی که کمیت آماره آزمون ۷/۷- به دست آمده است. از این رو فرضیه فوق در ناحیه عدم رد قرار گرفته و فرضیه صفر پذیرفته می‌شود و دلیلی برای قبولی این مسئله که بیش از ۶۰ درصد شرکتهای سود ناویژه را هموار می‌سازند

وجود ندارد.

مقادیر میانگین، تعداد نمونه، انحراف معیار و سری اطلاعات مورد نیاز دیگر برای کل فرضیه‌های بیان شده با توجه به سود قبل از کسر مالیات، به طور خلاصه در جدول شماره ۲ ارائه گردیده است. آمار توصیفی شرکتهای مورد تحقیق در جدول شماره ۳ آمده است.

در جدول شماره ۴ تایید یا رد فرضیات این تحقیق به طور خلاصه بیان گردیده است.

ضمائم - اثبات شاخص هموارسازی سود یا شاخص ایکل

در خصوص اثبات شاخص فوق، فرضیات زیر مدنظر قرار می‌گیرد:

اول - سود یا درآمد حاصل فروش، هزینه‌های متغیر، هزینه‌های ثابت و میزان حساب‌سازی مدیریت در هموارسازی سود (میزان حساب‌سازی سود) را نشان می‌دهد. اگر حساب‌سازی مدیریت برای هموارسازی سود صفر باشد یعنی مدیریت سودی را هموار نکند، سود ارائه شده طبق حالت زیر تغییر می‌کند.

ادامه در صفحه ۸۴

اخبار آیفک

مطالعی که در این بخش چاپ شده ترجمان خبرنامه‌های آیفک (فدراسیون بین‌المللی حسابداران) است.

آیفک منتظر دریافت اظهارنظر درباره بیانیه جدید حسابرسی بانکهای تجاری است

(نیویورک / ۱۹ اکتبر سال ۲۰۰۰) - فدراسیون بین‌المللی حسابداران (آیفک) از عموم حسابداران دعوت می‌کند که درباره پیش‌نویس بیانیه حسابرسی بین‌المللی جدید با عنوان حسابرسی بانکهای تجاری بین‌المللی اظهارنظر کنند. این بیانیه را کمیته رویه‌های حسابرسی بین‌المللی (IAPC) آیفک تدوین کرده است. هدف این بیانیه فراهم آوردن یک راهنما و کمک عملی برای حسابداران و همچنین ارتقای کیفیت حسابرسی در کار بست استانداردهای حسابرسی بین‌المللی (IASها) مربوط به حسابرسی بانکهاست.

بیانیه پیشنهادی اساساً به مراحل گوناگون حسابرسی بانکها می‌پردازد و بیشتر بر روی موضوعاتی تاکید می‌کند که در این‌گونه حسابرسیها از اهمیت ویژه برخوردارند. در پیوست این بیانیه مثالهایی تشریحی آمده است که موارد زیر را در برمی‌گیرد:

- رویه‌های کنترل داخلی خاص و رویه‌های حسابرسی ماهیت حسابها برای دو جنبه از عملیات عمده بانکها، یعنی عملیات وام‌دهی و عملیات خزانه‌داری؛
- نسبتهای مالی که عموماً در تحلیل وضعیت و عملکرد مالی بانکها به کار می‌رود؛
- ریسکها و مشکلات مبتلا به اوراق بهادار، بانکداری خصوصی و مدیریت داراییها؛ و
- علائم هشداردهنده درباره تقلب در عملیات بانکداری.

دیتر مرتین صدر آیفک می‌گوید: "بانکها نقش حیاتی در زندگی اقتصادی بازی می‌کنند و رشد و ثبات مستمر نظام بانکداری یکی از موضوعات مورد علاقه عموم مردم است. در این ارتباط نقشهای جداگانه مدیران بانکها و حسابداران مستقل بسیار حائز اهمیت است. این رهنمود نقش حسابداران را در ارتباط با حسابرسی بانکها برمی‌شمرد و به بررسی روابط

گزارشگری خاص میان حسابداران و مدیران بانکها و دیگر مقررات‌گذاران می‌پردازد."

پیش‌نویس نظرخواهی مذکور را می‌توان از وب سایت آیفک به آدرس <http://www.ifac.org> به رایانه شخصی انتقال داد. موعد ارسال اظهارنظرها ۳۱ ژانویه سال ۲۰۰۱ است. اظهارنظرها را می‌توان از طریق پست الکترونیکی (e-mail) به آدرس Edcoments@Ifac.org ارسال کرد یا از طریق نامه به دبیرخانه مدیرفنی آیفک در نیویورک ارسال کرد. آیفک یک سازمان جهانی در عرصه حرفه حسابداری است. رسالت آیفک توسعه و ارتقا حرفه است تا از این طریق حرفه را قادر سازد خدماتی منطبق با کیفیت بالا در جهت منافع عمومی ارائه کند. در حال حاضر اعضای آیفک مشتمل بر ۱۵۳ انجمن حسابداری حرفه‌ای از ۱۱۳ کشور است، که این انجمنها نماینده بیش از دو میلیون حسابدار شاغل در حرفه‌های حسابداری عمومی، تدریس، حسابداری دولتی، صنعت و تجارت هستند. ■

انتشار رهنمودهای جدید فن‌آوری اطلاعات (نیویورک / ۲۰ اکتبر سال ۲۰۰۰) - در دنیای رقم‌واره‌ها (digital)، مدیریت اثربخش اطلاعات، منظومه‌های اطلاعاتی و ارتباطات نقش حیاتی در موفقیت و بقا یک سازمان ایفا می‌کند. برای آن که مدیران بتوانند بر این چالش فائق آیند، اخیراً کمیته فن‌آوری اطلاعات آیفک، ۳ رهنمود جدید منتشر کرد.

عناوین این رهنمود عبارتند از:

- تملک فن‌آوری اطلاعات؛
 - اجرای راه‌حلهای فن‌آوری اطلاعات؛ و
 - عرضه و پشتیبانی فن‌آوری اطلاعات.
- دیگر عناوین در این سری عبارتند از:
- مدیریت ایمنی اطلاعات؛ و
 - مدیریت طرح‌ریزی فن‌آوری اطلاعات از حیث نفوذ تجاری.

این رهنمودها، که بیانگر بهترین روشهای عمل در

سراسر جهان هستند، از آن رو طراحی شده‌اند که به مدیران اجرایی در فهم موضوعات اساسی موثر بر مدیریت اطلاعات و ارتباطات کمک کنند.

اورت جانسون صدر کمیته فن‌آوری اطلاعات آیفک اظهار می‌کند که: "بیشتر سازمانها به مزایای بالقوه فن‌آوری اطلاعات استشعار دارند. با وجود این، مدیران برای آن که بتوانند سازمانهای خود را با اثربخشی هدایت کنند و بر آن کنترل کافی اعمال کنند باید با ریسکها و محدودیتهای فن‌آوری اطلاعات آشنا باشند و آنها را اساساً درک کنند." وی همچنین می‌افزاید که "رهنمودهای کمیته فن‌آوری اطلاعات به این نیاز مهم پاسخ می‌گوید."

برای کسب اطلاعات بیشتر درباره این رهنمودها، می‌توانید از کتابفروشی متصل آیفک به آدرس <http://www.ifac.org> دیدن کنید و بر روی قسمت فن‌آوری فشار دهید.

این رهنمودها را می‌توان جداگانه یا به صورت سری خریداری کرد. قیمت هر رهنمود برای هر نسخه متصل ۲۲ دلار و برای هر نسخه چاپی ۲۵ دلار است. افزون بر این، هر پنج رهنمود را می‌توان به عنوان بخشی از خدمات اشتراک متصل به مبلغ ۴۵ دلار تهیه کرد. قیمت نسخه چاپی این سری ۵۰ دلار است.

رهنمودهای دیگر کمیته فن‌آوری اطلاعات، از مجله مقاله‌ای در باب مالیات اینترنت و فهرست فن‌آوری اطلاعات برای مدیران، در وب سایت آیفک در دسترس همگان می‌باشد.

آیفک یک سازمان جهانی در عرصه حرفه حسابداری است. رسالت آیفک توسعه و ارتقا حرفه است تا از این طریق حرفه را قادر سازد خدماتی منطبق با کیفیت بالا در جهت منافع عمومی ارائه کند. در حال حاضر اعضای آیفک مشتمل بر ۱۵۳ انجمن حسابداری حرفه‌ای از ۱۱۳ کشور است، که این انجمنها نماینده بیش از دو میلیون حسابدار شاغل در حرفه‌های حسابداری عمومی، تدریس، حسابداری دولتی، صنعت و تجارت هستند. ■

خبرنامه کمیته استانداردهای حسابداری بین‌المللی

سپتامبر سال ۲۰۰۰

اجلاس اقتصاد جهانی

استاندهای حسابداری بین‌المللی و ثبات مالی

وزرای اقتصادی و مالیه گروه هفت (G7) در جولای سال ۲۰۰۰ در فوکوادی ژاپن تشکیل جلسه دادند. مدتی قبل از تشکیل این اجلاس، یکی از مقامات ارشد صندوق بین‌المللی در شورای عالی اقتصادی و اجتماعی^۱ سازمان ملل متحد سخنرانی کرد. در هر دوی این مجالس بر نقش استانداردهای حسابداری بین‌المللی در توفیق اقتصادی و جهانی بسیار تاکید شد.

در سال ۱۶۲۴، شاعر انگلیسی، جان دان^۲ اظهار کرد که "هیچ انسانی جزیره نیست". براین اساس هر انسان ذاتاً در همه چیزها با اطرافیانش وابستگی دارد، حتی حسابداری و گزارشگری. با این که منقوله دان در حدود ۴۰۰ سال پیش نگاشته شده، اما پنداری او آن را در پاسخ به وقایع رخ داده در عرصه گزارشگری مالی جهانی در چند ماه گذشته نوشته است. بنا بر عزم جدید، که برخاسته از تصمیمات رفیع‌ترین سطوح سیاسی جهان است، دنیا نمی‌تواند بدون همکاری جهانی شاهد رشد اقتصادی و جهانی باشد.

در سراسر قرن نوزدهم و بخش عمده قرن بیستم هر کشور به تنهایی درباره خط‌مشی پول ملی، ساماندهی بازار اوراق بهادار، حسابداری و گزارشگری مالی تصمیم می‌گرفت. این تصمیمات بدون بررسی چونی و چرایی اثر آنها بر دیگر

کشورها و مناطق جهان اتخاذ می‌شد. استانداردهای حسابداری نیز در بافت اقتصاد ملی - قانون تجارت و اوراق بهادار - وضع می‌شد و هیچ کس نمی‌اندیشید که این اصول را می‌توان در بافت اقتصاد دیگر کشورها نیز اعمال کرد. اما حالا این دوران بسر آمده و دیگر تداوم نخواهد یافت.

معماری مالیه بین‌المللی^۳

در سالهای ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۸، یک سلسله از امواج شوک‌آور و هول‌انگیز، خواب آرام اقتصاد و سیاست را در چند کشور بر هم زد و هر چه بیشتر به ترس از تجدید تورم و رکود دامن زد. در پی آن بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول اقداماتی را برای اجرای برنامه‌ای خاص اتخاذ کردند. این برنامه با هدف پیش‌گیری از بحرانها و مهار عاقلانه بحرانها، طراحی شد. اغلب به این برنامه، عنوان معماری مالیه بین‌الملل را نسبت می‌دهند.

این برنامه به هر دوی موضوعات اقتصاد خرد و کلان نگریسته است. در سطح کلان این برنامه از بانکهای مرکزی می‌خواهد که درباره خط‌مشی‌های پولی و مالی خود صراحت و ثبات رویه بیشتری نشان دهند؛ افزون بر این، برنامه مذکور به دولتها توصیه می‌کند که گزارش داده‌های اقتصادی خود را بهتر و به هنگام‌تر تهیه و ارائه کنند. در سطح اقتصاد خرد نیز افزایش کیفیت استانداردهای مورد استفاده در تصدی شرکت‌های دولتی، حسابداری، حسابرسی و دیگر امور اقتصادی دیده شده است.

همچنین این برنامه به مقررات‌گذاران بانکها، بازارهای اوراق بهادار و بیمه توصیه می‌کند که بر سر استانداردهای مشترک که در مقررات‌گذاری و دستورالعمل‌های اجرایی به کار می‌برند به توافق دست یابند.

پیش از آن که طرح ابتکاری صندوق بین‌المللی پول (IMF) اعلام شود، کمیته استانداردهای حسابداری بین‌المللی (IASB) طرح تدوین استانداردهای اصلی^۴ را به اجرا گذاشت، با وجود این نتوانست از آن طرفی بریندد. علت آن بود که در حدود سه دهه استانداردهای حسابداری بین‌المللی در عمل به کار می‌رفت و از بیشترین اقبال سیاسی برخوردار شده‌اند. بنابراین گروه هفت کار ارزیابی استانداردهای IASB را در دستور کار گردهمایی ثبات مالی^۵ قرار داد. در این گردهمایی گروه‌های مقررات‌گذار کلیدی حضور داشتند. این ارزیابیها برای IASB و سازمانهای تابعه آن سودمند بود. IASB پی برد که مقررات‌گذاران به چه زمینه‌هایی علاقه‌مندند. مقررات‌گذاران نیز به استانداردهای اصلی IASB عمیقاً نگرستانند و آنها را در سطح جامع ارزیابی کردند.

نهایتاً مقررات‌گذاران بانکها و بازارهای اوراق بهادار گزارشهایی را در باره پذیرفتگی استانداردهای IASB حسب مورد در ماههای آوریل و می سال ۲۰۰۰ صادر کردند. براساس آن کمیسیون اروپا^۶ پیشنهاد کرد که استانداردهای IASB برای تهیه صورتهای مالی تلفیقی بنگاههای عام (شامل موسسات مالی) تا سال ۲۰۰۵ الزامی شود - این اقدام کمیسیون اروپا یک حمایت

اخبار IASC

انتشار استانداردهای ارزشگذاری بین الملل
۲۰۰۰

کمیته استانداردهای ارزشگذاری
بین الملل (IVSC)^۱ ویراست استانداردهای
ارزشگذاری بین الملل ۲۰۰۰
(IVS 2000) را در جولای ۲۰۰۰ منتشر
کرد.

گرک مک نامارا^۲، صدر کمیته
استانداردهای ارزشگذاری بین الملل (IVSC)
گفت: "املاک و مستغلات یکی از عناصر
مهم در تجارت جهانی است. اغلب از آنها
برای توثیق وامهای بانکی استفاده می شود
و نوسان پذیری بازار آنها در سالهای اخیر
هراز گاه سهمی بسزا در آشفتهگی اقتصادی
در بازارهای سهام داشته است. ویراست
۲۰۰۰ استانداردهای ارزشگذاری بین الملل -
که جامعترین ویرایش تا به این تاریخ است -
پاسخ ما به تقاضای شدیدی است که برای
تدوین استانداردهای بین المللی همسان
وجود دارد و امیدواریم که این مجموعه
بتواند به نیازهای استفاده کنندگان، بازارهای
سرمایه، مقررات گذاران، موسسات
ارزشگذاری و ارزیابی ملی، و آحاد
ارزشگذاران و ارزیابان پاسخ گوید."

یکی از هدفهای اصلی استانداردهای
ارزشگذاری بین الملل ۲۰۰۰ یکپارچه
کردن استانداردهای ارزشگذاری با
استانداردهای IASC است. جان ادج^۳،
قائم مقام IVSC که نماینده IVSC در گروه
مشاورین کمیته استانداردهای حسابداری
بین المللی (IASC) است، و IASC را در
تدوین استاندارد حسابداری بین الملل ۴۹،
سرمایه گذاری در املاک و مستغلات، یاری
می کند، گفت: "از آنجا که برای مقاصد
گزارشگری مالی، ارزشگذاری املاک و
مستغلات باید مبتنی بر الزامات و قواعد

است که فزایندهای از آن در پی می آید:
■ "ما نقش رهبری و هماهنگ سازی
صندوق بین المللی پول را در ارزیابی این که
آیا کشورها استانداردها و آیین نامه های
بین المللی را رعایت می کنند، یا خیر تایید
می کنیم و از تداوم کار صندوق بین المللی
پول در این زمینه استقبال می کنیم..."

■ "ما توافق می کنیم که فرایند ارزیابی باید
هر ۱۲ آئین نامه و استاندارد کلیدی را که در
خلاصه نامه استانداردهای گردهمایی ثبات
مالی برشمرده شده است پوشش دهد، و
براساس یک روش نمونه گیری انجام
پذیرد... برای افزایش اعتبار آن، ما به
کشورها توصیه می کنیم که با صراحت
پذیرش این استانداردها را به عموم اظهار
کنند، و برنامه های اقدامات خود را اعلام
کنند و در برنامه های ارزیابی صندوق
بین المللی پول شرکت کنند. در این رابطه، ما
از اظهار نظرهای وزرا و دولت مردان گروه
بیست (G-20) و وزرای اقتصاد نیم کره
غرب^۴ استقبال می کنیم..."

■ "ما توافق می کنیم که نقش بازارها و
حمایتهای دولتها در رعایت آیین نامه ها و
استانداردها حائز اهمیت است..."
در حال حاضر نسبت به دو سال ونیم
گذشته میزان علاقه به توسعه استانداردهای
بین المللی از دستور کار کسبه و مردم به
بالاترین و مهمترین دستور کار سیاسی
تبدیل شده است و موفقیت نهایی اقتصاد
جهانی به این تغییر نیاز داشت.

پی نوشت

- 1- UN Economic and Social Council
- 2- John Donne
- 3- International Financial Architecture
- 4- Core Standards
- 5- Financial Stability Forum
- 6- European Commission
- 7- Eduardo Aninat
- 8- accountability

سیاسی مهم از استانداردهای حسابداری
بین المللی محسوب می شود. عموماً، این
ارزیابیها بسیار مثبت بود، و بیش از پیش به
حسن اشتها IASC افزوده است.

ادواردو اینات^۷، قائم مقام مدیرعامل
صندوق بین المللی پول، در گزارش خود به
اجلاس مقامات ارشد شورای عالی
اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد
اظهار کرد که پیشرفتهای چشمگیری در
جزئیات این برنامه صورت گرفته است،
بویژه در زمینه افزایش صراحت و شفافیت
گزارشها و مسئولیت گزارشدهی^۸ و نیز
ترویج استانداردها و آیین نامه های بین المللی.
استانداردهای IASC مهمترین نقش را در
ترویج استانداردهای بین المللی ایفا می کنند.

گردهمایی ثبات مالی

یکی از سازوکارهای به کار رفته در طرح
ابتکاری معماری مالی بین الملل، گردهمایی
ثبات مالی است که خلاصه نامه
استانداردها^۹ را تهیه می کند. این خلاصه نامه
حاوی کلید سیستمهای مالی باثبات است،
سیستمهایی که اجرای آنها نسبت به بقیه در
اولویت قرار دارد. استانداردهای IASC
بخشی از این خلاصه نامه را تشکیل
می دهد.

حمایت سیاسی

گزارشگری مالی یکی از موضوعاتی
بود که ذهن وزرای اقتصاد و مالیه کشورهای
گروه هفت (G7) را در اجلاس جولای
۲۰۰۰ به خود مشغول کرده بود. بخشی از
گزارشی که آنها به سران دولتهای گروه هفت
ارائه کردند به اصلاح و بازسازی صندوق
بین المللی پول اختصاص داشت. بویژه
اصلاح تسهیلات مالی اعطایی، تشویق
اجرای آیین نامه ها و استانداردها و افزایش
مسئولیت گزارشدهی.

گزارش مذکور صراحتاً به استانداردهای
حسابداری و گزارشدهی مالی پرداخته

حسابداری باشد، بنابراین ضرورت دارد که IASC و IVSC به طور یکنواخت و فعالانه با هم رابطه داشته باشند.

حرکت به سوی مدل حسابداری ارزش منصفانه، بویژه برای سرمایه‌گذاری مستغلاتی مستلزم استفاده از خدمات ارزشگذاران (ارزیابان) برونه یا مستقل است. بدین ترتیب با ارزشگذاری داراییهای مستغلاتی بر اساس ارزشهای بازار، هدف از الزامات استاندارد‌های حسابداری نیز برآورده می‌شود.^۳

طرح استاندارد‌های IVSC که در واکنش به فشارهای زیاد برای تدوین استاندارد‌های بین‌الملل آغاز شد، شامل موارد زیر است:

● نیاز اکثر دولتها به ارزشگذاری داراییهای دولتی، برای مقاصد مسئولیت‌گزارشده‌ی، اندازه‌گیری عملکرد و صراحت و شفافیت مالی.

● روند خصوصی‌سازی بنگاههای دولتی.

● تدوین استاندارد‌های حسابداری بین‌المللی - از جمله حمایت IOSCO در می‌سال ۲۰۰۰ و اعلام آمادگی کمیسیون اروپا در ماه بعد مبنی بر عزم آن برای طرح لایحه قانونی اجباری ساختن استاندارد‌های حسابداری بین‌المللی برای تمام کشورهای فهرست شده در اتحادیه اروپا، دست کم تا سال ۲۰۰۵.

● نیاز به یک الگوی مشترک و معتبر که بتواند برای مقاصد توثیق در اندازه‌گیری داراییها به کار رود.

● اثر کمیته بیسل یا کمیته مدیریت بانکها.^۴

روسیه استاندارد‌های حسابداری جدید وضع کرد

در اوایل امسال، وزیر مالیه روسیه سه مقررات حسابداری جدید را تصویب کرد. مرکز بین‌الملل اصلاح حسابداری^۵ این مقررات را به انگلیسی ترجمه کرده است. این سه مقررات عبارتند از:

● دستورالعمل اجرایی شماره ۲، مورخ ۱۰ ژانویه ۲۰۰۰، مربوط به مصوبه مقررات حسابداری با عنوان حسابداری داراییها و بدهیهای که ارزشهای آنها به ارز خارجی اظهار می‌شود (PBU 3/2000)؛^۶

● دستورالعمل شماره ۱۱، مورخ ۲۷ ژانویه سال ۲۰۰۰، مربوط به مصوبه مقررات حسابداری با عنوان اطلاعات قسمتی (PBU 12/2000)؛^۷

● دستورالعمل شماره ۲۹، مورخ ۲۱ مارچ سال ۲۰۰۰، مربوط به مصوبه مقررات حسابداری با عنوان رهنمود روش‌مند افشای عایدی هر سهم.^۸

جلسات عمومی IASC

جلسات هیئت IASC

هیئت IASC در روزهای ۱۶ تا ۲۰ اکتبر در توکیو ژاپن تشکیل جلسه داد: دستور جلسه شامل موارد زیر بود:

● تصویب استاندارد حسابداری بین‌المللی جدید درباره کشاورزی، براساس پیش‌نویس نظرخواهی ۶۵ با عنوان کشاورزی؛

● تصویب اصلاحات وارد به IASC شماره ۳۹، ابزارهای مالی: بازشناسی و اندازه‌گیری، مبتنی بر پیش‌نویس نظرخواهی ۶۶، با عنوان اصلاحات محدود پیشنهادی درباره IAS شماره ۳۹ - ابزارهای مالی؛

● تصویب اصلاحات وارد به IAS شماره ۱۹، مزایای کارکنان، براساس پیش‌نویس نظرخواهی ۶۷، با عنوان داراییهای طرح مزایای پایان خدمت؛

● تصویب اصلاحات وارد به IAS شماره ۱۲، مالیات بردرآمد، مبتنی بر پیش‌نویس نظرخواهی ۶۸، با عنوان پیامدهای مالیاتی سود تقسیمی؛ و

● تصویب انتشار پیش‌نویس استاندارد ابزارهای مالی اثر گروه کاری مشترک.

هیئت IASC در روزهای ۱۱ تا ۱۳

دسامبر سال ۲۰۰۰ در لندن تشکیل جلسه خواهد داد و انتظار می‌رود درباره موارد زیر بحث شود:

■ موضوعات نهایی مربوط به برنامه کاری فعلی؛ و

■ گزارشی به هیئت جدید IASC درباره اولویتهای پیشنهادی.

کمیته دائمی تفسیر نامه‌ها

کمیته دائمی تفسیرنامه‌ها در روزهای ۸ و ۹ نوامبر سال ۲۰۰۰ در برلین آلمان تشکیل جلسه خواهد داد، در این جلسه انتظار می‌رود مباحث زیر مطرح شود:

■ تعریف کنترل مشترک؛

■ تعریف تاریخ مبادله در IASC ۲۲، ترکیبهای تجاری.

■ موضوعات مرتبط با گزارش ارزیابی IOSCO.

پی‌نوشت

- 1- International Valuation Standards Committee
- 2- Greg McNamara
- 3- John Edge
- 4- Basel Committee or Committee on Banking Supervision
- 5- International Centre for Accounting Reform
- 6- Order. No.2 On Approval of Accounting Regulatism "Accounting for Assets and Liabilities Whose Value is Denominated in a Foreign Currency" (PBU 3/2000)
- 7- Order No.11, On Approval of Accounting Regulation "Segment Information" (PBU 12/2000); and
- 8- Order No. 2, On Approval of the "Methodical Guidance on Earnings Per Share Disclosure". (PBU 31/2000)



دوره‌های حسابداری و مدیریت مالی مرکز آموزشهای کاربردی

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران

با همکاری انجمن حسابداران خبره ایران

دوره‌های حسابداری و مالی کوتاه مدت و بلندمدت:

کد	نام دوره	مدت دوره	شهریه	پیش‌نیاز
دوره			ریال	
۴۰۱	حسابداری مالی (۱)	۶۰ ساعت	۲۰۰,۰۰۰	-
۴۰۲	حسابداری مالی (۲)	۶۰ ساعت	۲۵۰,۰۰۰	۴۰۱
۴۰۳	حسابداری مالی (۳)	۵۰ ساعت	۲۰۰,۰۰۰	۴۰۲
۴۰۴	حسابداری مالی (۴)	۵۰ ساعت	۲۰۰,۰۰۰	۴۰۳
۴۰۵	حسابداری صنعتی (۱)	۶۰ ساعت	۲۰۰,۰۰۰	۴۰۲
۴۰۶	حسابداری صنعتی (۲)	۵۰ ساعت	۲۰۰,۰۰۰	۴۰۵
۴۰۷	حسابداری مدیریت	۴۰ ساعت	۵۰۰,۰۰۰	۴۰۶
۴۰۸	مدیریت مالی	۳۰ ساعت	۲۰۰,۰۰۰	۴۰۲
۴۰۹	صورت‌های مالی تلفیقی	۳۰ ساعت	۲۰۰,۰۰۰	در حد لیسانس
۴۱۰	حسابرسی	۳۰ ساعت	۲۵۰,۰۰۰	۴۰۲
۴۱۱	حسابرسی داخلی	۳۰ ساعت	۲۵۰,۰۰۰	۴۰۲
۴۱۲	قانون مالیات‌های مستقیم	۳۵ ساعت	۲۰۰,۰۰۰	۴۰۲
۴۱۳	مدیریت مالی برای مدیران غیرمالی	۴۰ ساعت	۴۰۰,۰۰۰	۳ سال سابقه مدیریت
۴۱۴	مهندسی مالی (۱)	۳۰ ساعت	۷۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۴۱۵	مهندسی مالی (۲)	۳۰ ساعت	۷۰۰,۰۰۰	۴۱۴
۴۱۶	تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم‌های حسابداری	۳۰ ساعت	۵۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۴۱۷	اصول برنامه‌ریزی و بودجه	۳۰ ساعت	۴۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۴۱۸	تهیه صورت گردش وجوه نقد	۱۵ ساعت	۲۵۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۴۱۹	کلینیک مدیریت	۳۰ ساعت	۳۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۴۲۰	کاربرد نرم‌افزارهای مالی	۶۰ ساعت	۷۰۰,۰۰۰	۴۰۱ و ۴۰۲
۴۲۱	کارگاه آموزش حسابداری با کامپیوتر	۴۰ ساعت	۷۰۰,۰۰۰	دیپلم آشنا با حسابداری
۵۰۱	مدیریت مالی	۲۶۰ ساعت	۱,۷۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۵۰۲	دوره عالی حسابداری و مدیریت مالی	۲۶۰ ساعت	۱,۷۰۰,۰۰۰	لیسانس حسابداری یا مرتبط
۵۰۳	دوره تکمیلی حسابداری و امور مالی (۱)	۲۶۰ ساعت	۱,۲۰۰,۰۰۰	دیپلم و سابقه کار حسابداری
۵۰۴	دوره تکمیلی حسابداری و امور مالی (۲)	۲۶۰ ساعت	۱,۴۰۰,۰۰۰	فوق دیپلم و سابقه کار حسابداری یا ۵۰۳

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر می‌توانید با مرکز آموزشهای کاربردی اتاق بازرگانی به آدرس زیر مراجعه یا با تلفن‌های مرکز تماس حاصل فرمایید.

خیابان انقلاب، بعد از میدان فردوسی خیابان شهید موسوی (فرصت جنوبی) بن بست نیکپور پلاک ۶۶
تلفن ۸۸۲۹۶۵۴ شماره ۸۸۲۸۷۸۷

راهنمای موسسات حسابرسی

فهرست

- ۱- آزمودگان
- ۲- آزمون
- ۳- آزمون سامانه
- ۴- ادیب
- ۵- اصول پایه
- ۶- امین نفت
- ۷- ایران مشهود
- ۸- ایران یاور
- ۳۵- بهروزاوران
- ۹- بهرام‌مشار
- ۱۰- بهمند
- ۱۱- بیات رایان
- ۱۲- بیداران
- ۱۸- پژوهندگان مستقل حساب
- ۱۳- تدوینکو
- ۱۴- تفسیر
- ۱۵- چکاد حساب‌اندیشان
- ۱۶- حسام
- ۱۷- خبره
- ۱۹- دش و همکاران
- ۲۸- دیلمی پور و همکاران
- ۲۰- رایبند
- ۳۴- رهیافت حساب تهران
- ۲۱- سپاهان تراز
- ۲۲- شاهدان
- ۲۳- شراکت
- ۲۴- شوقیان و همکاران
- ۲۵- طوس
- ۲۶- فرداپدید
- ۲۷- کاربرد ارقام
- ۳۲- کاربرد بگ بهروش
- ۲۹- کاشفان
- ۳۰- مختار و همکاران
- ۳۱- ممیز
- ۳۳- همیار حساب

انجمن حسابداران خبره ایران



تلفنهای ۸۹۰۲۹۲۶

۸۹۰۵۹۲۰

فاکس ۸۸۹۹۷۲۲

Email: Anjoman@systemgroup.net

موسسه حسابرسی آزمودگان

حسابداران مستقل:

- مهرداد آل علی
- فرهاد فرزاد

سایر خدمات: طراحی سیستم، مشاوره مالی و مالیاتی، خدمات حسابداری

تلفن: ۴۱-۸۷۵۷۳۴۰

فاکس: ۸۷۳۰۵۴۳

نشانی: خیابان پاکستان - کوچه هشتم

شماره ۱۹ - طبقه سوم

صندوق پستی: ۱۴۳۳۵-۷۹۷

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

اصول پایه

حسابداران مستقل:

- ابراهیم موسوی
- حسن صالح آبادی

تلفن: ۸۷ و ۸۸۳۴۲۸۶

فاکس: ۸۸۲۵۳۱۵

نشانی: خیابان قائم مقام فراهانی -

کوچه ۲۴ پلاک ۲۹

موسسه حسابرسی آزمون

حسابداران مستقل

- فریدون کشانی
- فرامرز شایگان

سایر خدمات: طراحی سیستم، نرم افزار و مشاوره مالی و مالیاتی

تلفن: ۸۰۰۰۸۷۱

فاکس: ۸۰۱۲۳۱۵

نشانی: کارگر شمالی، ۴۴۶، طبقه دوم

صندوق پستی: ۱۴۳۹۵/۷۱۶

Email: keshani@systemgroup.net

موسسه حسابرسی آزمون سامانه

حسابداران مستقل:

- عبدالرضا (فرهاد) نوریخس
- علی اصغر نجفی مهری
- حسین قاسمی روچی

تلفن: ۷۵۳۷۹۴۴-۸۳۸۷۵۴

فاکس: ۷۵۲۷۴۵۸

نشانی: خیابان بهار شیراز تقاطع سپهرودی

جنوبی شماره ۹۷ صندوق پستی:

۱۵۷۴۵/۱۴۹

میدان هفتم تیر - خیابان شهید مفتح

شمالی - خیابان نوری اسفندیاری طبقه

سوم پلاک ۳۸

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

ادیب

حسابدار مستقل:

- عبدالامیر میراب

تلفن: ۶۴۶۶۴۸۰

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، بین

جمهوری و جامی کوچه اردشیر ناظم

پلاک ۹ طبقه اول کدپستی ۱۱۳۸۶

Email: Mhadib@rahavard.net

امین نفت

شرکت خدمات مدیریت

(سهامی خاص)

حسابدار مستقل:

- امین محبویی

سایر خدمات:

● اداره امور سرمایه گذاری و سید سهام

● ارزیابی سهام

● مشاوره مالی و اقتصادی

تلفن: ۶۴۰۴۳۴۴-۶۴۹۷۸۰۱

فاکس: ۶۴۹۴۸۹۵

نشانی: تهران ۱۵۹۳۶ - خیابان طالقانی

شماره ۷۸

Email: Aminnaft@caspianet.com

ایران مشهود



موسسه حسابرسی و خدمات مالی و مدیریت

حسابداران مستقل:

- محمدرضا گلچین پور
- علیرضا عطوفی
- سیدعباس اسمعیل زاده پاکدامن

سایر خدمات: طراحی سیستم، ارزیابی سهام،

مشاوره مالی و مدیریت و

خدمات حسابداری

تلفن: ۴-۶۴۳۵۳۲۲۳

فاکس: ۹۲۱۰۴۸

نشانی: بلوار کشاورز ابتدای جمالزاده شمالی

بن بست سرو پلاک ۳۲۰ طبقه سوم

کدپستی ۱۴۱۹۶

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۴۸۹۹

۱۴

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

تفسیر

حسابدار مستقل:

● حمزه پاکنیا

تلفن: ۶۵۰۵۳۸۳-۹۸۸۸۰۲
فاکس: ۶۵۰۵۳۸۳
نشانی: خیابان ستارخان - انتهای خیابان نهم دریا، نو پلاک ۷۵ طبقه اول
صندوق پستی: ۱۴۵۶۵/۳۳۳

۱۱

موسسه حسابرسی بیات رایان

حسابداران مستقل:

● منوچهر بیات
● ابوالقاسم مرآتی
● عبدالحسین رهبری

سایر خدمات: طراحی سیستم (نرم افزار)، مشاوره مالی و مالیاتی، خدمات حسابداری

تلفن: ۸۸۲۶۶۸۴
۸۳۰۷۹۲۸
فاکس: ۸۳۰۷۹۲۷
نشانی: خیابان کریمخان زند - ایران شهر شمالی - شماره ۲۲۷ - ط ۲
Email: bayatrayan@neda.net

۸

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

ایران یاور

حسابدار مستقل:

● ایرج نجفیان

تلفن: ۸۴۰۲۱۳۴
فاکس: ۸۴۲۸۲۰۶
نشانی: خیابان دکتر بهشتی - خیابان اندیشه اصلی پلاک ۵۲ طبقه دوم
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۱۱۶۱

۱۵

موسسه حسابرسی و خدمات مالی

چکاد حساب اندیشان

حسابدار مستقل:

● مهربان ریحانی

تلفن: ۲۰۶۴۲۹۰
تلفن همراه: ۰۹۱۱۲۰۰۷۹۶۹
نشانی: تهران - خیابان جهان آرا - خیابان ۲۹ پلاک ۳۹ طبقه همکف
صندوق پستی: ۱۴۳۹۵-۱۵۹

۱۲

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

حسابداران مستقل:

● عباس اسرار حقیقی
● یدالله امیدواری

تلفن: ۸۸۲۹۷۶۱-۸۸۳۵۲۰۷
فاکس: ۸۸۳۱۶۸۱
نشانی: شمال میدان هفتم تیر، خیابان زیرک زاده، شماره ۲۲

۹

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

بهراد مُشار

حسابداران مستقل:

● مهربان پروز
● فریده شیرازی
● بهروز ابراهیمی

سایر خدمات: طراحی سیستم، مشاوره مالی و مالیاتی، خدمات حسابداری

تلفن: ۸۷۵۲۷۴۷-۹
فاکس: ۸۷۵۲۷۴۷
نشانی: خیابان دکتر بهشتی بین تقاطع سهروردی و میترا، پلاک ۱۷۴، طبقه سوم کدپستی ۱۵۷۷۹
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۵۵۱
Email: Behrad@systemgroup.net

۱۶

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت پتروشیمی حسام

حسابداران مستقل:

● رضا مستاجران
● غلامحسین دوانی
● علی امانی

سایر خدمات: خدمات مالی - مالیاتی و مدیریت، ارزیابی سهام، طراحی سیستم های اطلاعات مدیریت

تلفن: ۸۸۴۵۴۶۶-۸۸۴۵۴۶۳
فاکس: ۸۸۴۵۴۶۵
نشانی: خیابان کریمخان زند، ساختمان ۵۴، شماره ۱۷
صندوق پستی: ۱۵۷۴۵-۹۴۷
Email: Hessam@Dpir.com

۱۳

موسسه خدمات حسابداری و حسابرسی تدوینکو

حسابداران مستقل:

● احمد ثابت مظفری
● ابوالقاسم فخاریان
● جمشید فراروی

سایر خدمات: مشاوره مالی و مالیاتی و طراحی سیستم

تلفن: ۸۷۸۲۰۹۶-۸
فاکس: ۸۸۸۶۱۵۰
نشانی: خیابان ولیعصر، پائین تر از میدان ونک، پلاک ۱۳۷۹/۱
صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۳۱۴۹
Email: tadvinco@www.dci.co.ir

۱۰

موسسه حسابرسی بهمند

حسابداران مستقل:

● عباس هشی
● اصغر هشی
● رضا آتش
● علی مشرقی آرانی

سایر خدمات: مشاوره مالی و مالیاتی طراحی و تدوین نظامهای مالی

تلفن: ۸۳۵۳۹۱-۳-۸۸۴۳۷۰۸-۱۰
فاکس: ۸۸۴۴۶۸۵
نشانی: تهران - قائم مقام فراهانی شماره ۱۳۰ - طبقه ۴
صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۳۷
E-mail: hb-ir-pwc@dpi.net.ir

موسسه حسابرسی خبره

حسابداران مستقل:

- داود خمارلو
- نعمت‌اله علیخانی راد
- سیاوش سهیلی

سایر خدمات: طراحی سیستم- مشاوره

امور مالی

تلفن: ۸۸۰۴۵۱۹-۲۱-۸۹۰۲۳۱۶

فاکس: ۸۹۰۲۳۴۰

نشانی: خیابان ولیعصر- کوی پزشکپور

(شمال فروشگاه قدس) شماره ۲۳

کدپستی ۱۵۹۴۸

موسسه حسابرسی و خدمات مالی

پژوهندگان مستقل حساب

حسابدار مستقل:

- هوشنگ منوچهری

تلفن: ۸۹۰۲۹۹۹

فاکس: ۸۹۰۹۱۴۴

تلفن: ۸۹۰۸۸۳۷

نشانی: تهران خیابان استاد نجات‌الهی (ویلا)

خیابان اراک - پلاک ۶۲ طبقه دوم

واحد شماره ۴



موسسه حسابرسی

دش و همکاران

حسابداران مستقل:

- بهروز دارش
- سید حسین عرب‌زاده
- میلتن ایوان کریمیان

سایر خدمات: طراحی سیستم، مشاوره مالی و مالیاتی، خدمات مالی

تلفن: ۹۲۱۳۳۹-۹۳۱۲۵۱

فاکس: ۶۴۲۹۹۷۱

نشانی: تهران- خیابان جمال‌زاده شمالی

بالا تر از بلوار کشاورز روبروی بانک

ملی شماره ۲۵۳

صندوق پستی: ۱۴۱۸۵/۴۸۷

رایمند (شرکت سهامی خاص)

حسابداران مستقل

- عباسعلی دهدشتی‌نژاد
- فریبرز امین
- همایون مشیرزاده

سایر خدمات مشاوره مالی و مالیاتی طرح و تدوین سیستمهای مالی، خدمات حسابداری

تلفن: ۸۹۰۹۷۱۸

فاکس: ۸۹۰۳۴۹۶

نشانی: خیابان زرتشت - شماره ۳۲

تهران ۱۴۱۵۸

Email: Rymand78@dpir.com

موسسه حسابرسی شراکت

حسابداران مستقل:

- سیروس گوهری
- مجیدکشورپژوه لنکرودی

سایر خدمات: طراحی سیستم، مشاوره مالی و مالیاتی، خدمات حسابداری

تلفن: ۸۷۱۷۹۴۷-۸۷۴۵۳۴۹

فاکس: ۸۷۵۹۰۹۴

نشانی: خیابان قائم مقام فرامانی

بعد از تهران‌کلینیک، ساختمان ۲۱۶ -

طبقه چهارم، واحد ۳۵

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۶۶۶۶

موسسه حسابرسی شوقیان و همکاران

حسابدار مستقل:

- محمد شوقیان

سایر خدمات: طراحی سیستم (بهمراه نرم‌افزار مالی)، مشاوره مالی و مدیریت و خدمات حسابداری

تلفن: ۸۸۰۴۹۴۱ و ۲

فاکس: ۸۸۰۴۹۴۰

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از

فروشگاه قدس نرسیده به خیابان

فاطمی، خیابان شهید حمیدصدر پلاک

۳۸ طبقه سوم آپارتمان شماره ۱۰

شرکت حسابرسی و خدمات

مدیریت سپاهان قراز (سهامی خاص)

حسابدار مستقل:

- امیرحسین ابطی نائینی

سایر خدمات: مشاوره مالی و مالیاتی، خدمات حسابداری

تلفن و فاکس: ۰۳۱)۶۸۷۶۰۰

نشانی: اصفهان، میدان آزادی، ابتدای

خیابان آزادگان، جنب بانک مسکن

شعبه سعادت‌آباد، شماره ۹، طبقه دوم

صندوق پستی: ۸۱۶۴۵/۷۳۴

موسسه حسابرسی طوس

حسابداران مستقل:

- محمدعلی شعبانی سبزه‌میدانی
- علی دهدشتی
- سیدمهدی سیدمهدی

سایر خدمات: خدمات حسابداری - اصلاح حساب

تلفن: ۶۷۰۴۴۲۵

فاکس: ۲۸۰۰۳۹۳

نشانی: خیابان انقلاب - چهارراه کالج

خیابان خاکی - پلاک ۱۲ - طبقه ۲

موسسه حسابرسی شاهدان

حسابدار مستقل:

- منصور شمس‌احمدی

تلفن و فاکس: ۸۳۰۹۱۰۰

نشانی: خردمند شمالی شماره ۱۳۵ طبقه

سوم

Email: Mansour sa@systemgroup.net

۲۶

موسسه حسابرسی و مشاوره

فردا پدید

حسابدار مستقل:
حمیدرضا ارجمندی

سایر خدمات: حسابرسی عملیاتی (عملکرد مدیریت)، خدمات حسابداری، طراحی سیستم و مشاوره مدیریت

تلفن: ۸۸۹۰۱۲۰

فاکس: ۸۸۰۶۰۶۵

نشانی: میدان جهاد (دکتر فاطمی)، خیابان

کامران، پلاک ۱۷/۱، طبقه سوم، واحد

هفتم کدپستی ۱۴۱۵۸۹۵۳۹۸

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۵۵۴۴

E-Mail: Fardapadid@dpir.com

۲۷

موسسه حسابرسی مختار و همکاران

حسابداران مستقل
نصرتاله مختار
بهرام غیبی

سایر خدمات مشاوره مالی و مالیاتی طرح و تدوین سیستمهای مالی، خدمات حسابداری

تلفن: ۸۹۰۹۷۱۸

فاکس: ۸۹۰۳۴۹۶

نشانی: خیابان زرتشت - شماره ۳۲

تهران ۱۴۱۵۸

E-Mail: Rymand78@dpir.com

۲۸

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

دیلمی پور و همکاران

حسابدار مستقل
مصطفی دیلمی پور

سایر خدمات مشاوره مالی و مالیاتی، طرح و اجرای سیستمهای مکانیزه مالی و اداری، مشاوره سرمایه گذاری و ارزیابی سهام

تلفن: ۲۰۴۶۹۶۱-۲۰۴۹۴۹۷

فاکس: ۲۰۱۷۵۰۲

نشانی: بزرگراه آفریقا - شماره ۲۳

مجمع اداری الهیه - واحد ۶۰۶

کدپستی ۱۹۶۶۷ تهران

E-Mail: mossi@tavana.net

۲۹

موسسه حسابرسی کاشفان

حسابداران مستقل:

● جعفر عوض پور
 ● رضا شمس زهرائی

سایر خدمات: مشاوره مالی و مالیاتی، خدمات حسابداری

تلفن: ۸۸۳۵۲۱۳-۸۸۴۷۵۲۵

فاکس: ۸۸۲۷۵۵۶

نشانی: خیابان میرزای شیرازی - خیابان

کامکار - شماره ۲ کدپستی ۱۵۸۵۷

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵/۵۷۶۱

۳۰

موسسه حسابرسی کاربرد ارقام

حسابدار مستقل:
رضا معظمی

تلفن: ۸۹۰۰۸۱۲-۸۸۹۹۸۰۴

فاکس: ۸۹۰۰۸۱۲

نشانی: خیابان ولی عصر بین زرتشت و

دکتر فاطمی شماره ۷۴۸ ساختمان

زندیه طبقه چهارم شماره ۱۷

صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۱۶۱۳

۳۱

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

ممیز

حسابداران مستقل:

● محمد نبی داهی
 ● حسین سیادت خو (موشانی)

تلفن: ۸۸۰۱۹۰۴

فاکس: ۸۸۰۲۷۵۵

نشانی: میدان ولی عصر - اول بلوار کشاورز

شماره ۳۵ - طبقه دوم - کدپستی

۱۳۳۱۵

۳۲

موسسه حسابرسی کاربرد بهره‌روشن

حسابدار مستقل:
منصور میرزاخانی

تلفن: ۰۳۱-۶۱۵۴۷۴

نشانی: اصفهان - خیابان آپادانا دوم

کوی الفت، بن بست مهر شماره ۲۹

طبقه دوم

اصفهان - صندوق پستی ۸۱۶۵۵-۳۴۴

۳۳



همیار حساب

موسسه حسابرسی و خدمات مالی

حسابداران مستقل:

● نریمان شعریانی
 ● مسعود مبارک
 ● محمدمتقی سلیمان نیا

سایر خدمات: مشاوره مالی و مالیاتی، اصلاح حسابها و خدمات حسابداری

تلفن: ۸۰۶۳۲۷۴

فاکس: ۸۰۶۳۲۷۵

نشانی: خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی

نیش خیابان ۳۷ ساختمان شماره

۳۵۵ طبقه اول

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵-۱۶۴۳

۳۴

موسسه حسابرسی رهیافت حساب

تهران

حسابداران مستقل:

● عبدالجواد اسلامی
 ● فریدون ایزدینا
 ● محمدحسین توکلی
 ● محمدحسین زرین فکر
 ● هوشنگ غیبی

سایر خدمات: حسابرسی و ارائه خدمات مالی و سیستم

تلفن: ۸۹۷۷۶۷۲

فاکس: ۸۹۷۷۶۷۱

نشانی: تهران خیابان سیدجمال‌الدین اسدآبادی

خیابان چهارم پلاک ۵

E-Mail: rahyafteh@yahoo.com

۳۵

موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت

بهروز آوران

حسابدار مستقل:

● حمید طبائنی زاده فشارکی

تلفن: ۸۲۱۹۰۹۹

فاکس: ۸۲۳۷۶۷۹

نشانی: صندوق پستی: ۱۴۵۱۵/۱۱۹۴

توجه

توجه

نشریه حسابدار "ارگان انجمن حسابداران خبره ایران" جهت عرضه و فروش انتشارات انجمن و به خصوص نشریه حسابدار از میان دانشجویان رشته حسابداری یا مدیریت کلیه دانشکده‌ها و مراکز آموزش غیرانتفاعی نماینده فروش و عضو رابط می‌پذیرد. علاقه‌مندان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در ساعات اداری (به جز روزهای پنجشنبه) با تلفنهای ۸۸۹۳۹۶۷ (خانم ولی‌زاده) و ۸۹۰۲۹۲۶ (خانم کوهانی) تماس حاصل فرمایند.



برای نوارهای کاست و فیلمهای

ویدئویی سمینار

نیازهای بازار سرمایه و حرفه

حسابداری

(۱۳ و ۱۴ دی ماه ۱۳۷۹)

سفارش پذیرفته می‌شود.

تلفن: ۸۹۰۲۹۲۶

فاکس: ۸۸۹۹۷۲۲



مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران

دومین سمینار آموزشی ذیل را برگزار می‌نماید:

رهنمودهای حسابداری

(مصوب سازمان حسابرسی)

زمان برگزاری: ۷۹/۱۲/۳ لغایت ۷۹/۱۲/۴

علاقه‌مندان جهت کسب اطلاعات بیشتر و یا ثبت نام با تلفنهای

۸۳۰۰۹۸۱ و ۸۳۰۰۹۷۲ و ۸۸۲۱۳۶۱ و ۸۸۴۷۲۱۴ و ۱۶ - ۸۳۱۰۱۱۳

و دورنویس ۸۳۰۱۳۶۵ تماس حاصل فرمایند.

“... و اما واژگان چیزهایی هستند، قطراتی از جوهر، که همچو شبنم، فرو می‌غلطند بر روی اندیشه، و هزاران یا شاید میلیونها واژه را خلق می‌کنند، بیاندیش...”

لرد بایرن - مصنف دون ژوان

arm's length transaction

ریشه

پیشتر گفته شد که اصطلاح مذکور به معنی نوعی رابطه، با فاصله‌ای بیش از فاصله دست است. اما جنس این رابطه چیست؟ پاسخ به این سوال ما را به وادی جامعه‌شناسی می‌کشاند. ادوارد هال^۱، فرهنگ‌شناس امریکایی، از فاصله بین ۲ اینچ، یک پا، ۳ پا و مانند اینها سخن می‌گوید. او یک طبقه‌بندی ۴ قسمتی از فاصله بین افراد در یک رابطه اجتماعی به دست می‌دهد. به زعم او “فاصله ویژه‌ای را که انسانها برای ایجاد رابطه انتخاب می‌کنند بستگی به تبادل یا دادوستد (transaction) آنها با دیگران دارد.”^۳

هال، روابط انسانی را به چهار دسته تقسیم می‌کند: (۱) دوستانه^۴، (۲) شخصی^۵، (۳) اجتماعی^۶ و (۴) عمومی^۷.

(۱) طول فاصله صمیمی بین صفر تا ۴۵ سانتیمتر است. این فاصله عموماً مخصوص همسران، والدین و فرزندان و روابط بسیار دوستانه است. در حد پایین-فاصله بین صفر تا ۱۵ سانتیمتر (به عبارتی کمتر از طول کف دست)- رابطه یا فاصله بسیار خصوصی و محرمانه است و طرفین نمی‌خواهند جز خود، دیگران در جریان آن قرار گیرند. در این فاصله کلام به نجوا و پیچ‌وپیچ تبدیل می‌شود. در حد بالا که فاصله آن بین ۱۵ تا ۴۵ سانتیمتر است درجه رابطه به محرمانه تبدیل می‌شود. کلام کماکان نجواکنان اما اندکی واضح‌تر و برای دیگران قابل درک است.

(۲) طول فاصله شخصی بین ۴۵ تا ۱۲۰ سانتیمتر است. این فاصله مناسب روابط درجه دوم خانوادگی و روابط نزدیک غیرخانوادگی و کم و بیش صمیمانه است. در حد پایین که فاصله بین ۴۵ تا ۷۵ سانتیمتر است. آهنگ کلام، ملایم و موضوعات ارتباطی، شخصی

واژه transaction در اصطلاح arm's length transaction

به معنی مبادله یا معامله می‌باشد و به رابطه بین دو یا چند طرف دلالت دارد. ترکیب نحوی arm's length بر یک نوع فاصله که فراتر از طول یک دست است دلالت می‌کند. بنابراین ترجمه تحت‌اللفظی اصطلاح مذکور عبارت است از: “معامله با فاصله دست”.

کدام ترجمه؟

معمولاً در زبان مبدا، اکثر اصطلاحات فنی دارای پیشینه تاریخی هستند و به همین لحاظ بی‌آنکه تغییری در آنها ایجاد شود در نوشته‌های تخصصی و فنی برای دلالت بر مفاهیم نوین به کار می‌روند. در فارسی نیز ما می‌توانیم به سابقه تاریخی یک اصطلاح در زبان مبدا وفادار بمانیم و آن را تحت‌اللفظی ترجمه کنیم مانند “معامله با فاصله دست” یا در آمد (در + آمد) که ترجمه income (in + come) است، و یا می‌توانیم آن را به لحاظ معنی‌شناسی ترجمه کنیم. شیوه دوم در نوشته‌های حسابداری از سابقه درخشانی برخوردار است. مثلاً مرحوم اسماعیل عرفانی واژه حسابرسی را به‌عنوان معادل audit برگزید.^۱ چنانچه او می‌خواست به لحاظ تاریخی audit را ترجمه کند می‌بایست به سراغ زبان لاتین می‌رفت. در زبان لاتین واژه audit (آودیت) معرف سوم شخص مفرد مضارع معلوم در وجه اخباری و به معنی او می‌شود است. در این بخش نگارنده درصدد است تا اصطلاح arm's length transaction را به لحاظ معنی‌شناسی برابرگذاری کند.

می‌دانیم که این فرض در مورد معاملات درون‌گروهی یا شرکتهای وابسته صدق نمی‌کند. زیرا معاملات اعضای گروه متاثر از ملاحظات مالیاتی و دیگر دلایل است. بدلیل امکان وقوع معاملات وابسته استانده‌گذاران حسابداری برای آن که خوانندگان صورتهای مالی از این حقیقت آگاهی یابند، استانده خاصی را برای افشای طرفهای وابسته تدوین کرده‌اند. در ایران نیز رهنمود حسابداری ۱۲، افشای اطلاعات در خصوص اشخاص وابسته^۸، به همین منظور تدوین شده است. اصطلاح *arm's length transaction* برای تاکید بر معاملات ناوابسته در مقابل معاملات وابسته نازل شده است.

فرهنگ حسابداری آکسفورد، اصطلاح مذکور را چنین تعریف می‌کند: "انجام معامله بین طرفهای ناوابسته، که هر یک می‌کوشد تا در جهت تامین منافع خود قیمت‌ها را براساس ارزش منصفانه بازار پرداخت یا دریافت کند..."

از بحث قبلی و تعریف آکسفورد چنین برمی‌آید که اصطلاح مذکور متضادی برای اصطلاح *related party transaction* (معامله طرفهای وابسته) است. چنانچه در فارسی بخواهیم آن را به لحاظ معنی‌شناسی ترجمه کنیم می‌توانیم از راحتترین قاعده تضاد، یعنی منفی کردن اصطلاح اخیر استفاده کنیم: یعنی معاملات ناوابسته یا معاملات طرفهای ناوابسته.

متأسفانه تاکنون در ترجمه‌های فارسی به این نکته توجه نشده است و به همین لحاظ در هیچ یک از برابرهای انتخابی به ناوابستگی یا حتی معنی آن اشاره نشده‌است. مثلاً گروم‌اسمی بسیار طولانی و جمله‌وار معامله حقیقی و در شرایط عادی را در نظر بگیرید. حقیقت این است که این معادل نه به لحاظ تحت‌اللفظی و نه به لحاظ معنی‌شناسی ترجمه‌ای مناسب نیست. افزون بر این معاملات طرفهای وابسته نیز معاملاتی حقیقی و عادی هستند. به علاوه این معادل از حیثیت یک اصطلاح مانند، هزینه، معاملات طرفهای وابسته و دیگر اصطلاحات، برخوردار نیست و در اذهان نخواهند ماند.

expense

واژه‌ی هزینه یکی از شاهکارهای ماندگار فرهنگستان اول است که برای کلمه انگلیسی *expense* و کلمه عربی مخارج پذیرفته و تثبیت شده است. این واژه اساساً به گنجینه و سرمایه زبان پارسی باستان و میانه تعلق دارد که با تغییر آوایی به فارسی نوین راه یافته است. ممکن است پرسید که اگر هزینه معادلی مناسب است، پس این قال و مقال از برای چیست؟ متأسفانه اشکال در این است که بعد از دهه ۱۳۲۰ مترجمانی که با واژگان *Loss, Charge, Cost* و نظایر آنها آشنا شدند به حیثیت، اعتبار

است. در حد بالا - بین ۷۵ تا ۱۲۰ سانتیمتر - صدا نسبتاً ملایم و موضوعات نیز شخصی است.

۳) طول فاصله اجتماعی مناسب گفتگوهای مربوط به کسب و کار و نشستها و از ۱۲۰ تا ۳۶۰ سانتیمتر است. به این فاصله، فاصله روانشناختی نیز می‌گویند، تجاوز از این فاصله انسان را دچار اضطراب عمیق می‌کند. در حد پایین - فاصله بین ۱۲۰ تا ۲۸۰ سانتیمتر - صدا، رسا و اطلاعات، غیرشخصی است. در حد بالا - بین ۲۸۰ تا ۳۶۰ سانتیمتر - صدا، رسا با کمی بلندی و اطلاعات، عمومی و برای شنیدن دیگران است.

۴) و سرانجام، طول فاصله عمومی بیشترین فاصله‌ای است که انسانها در روابط بین خود آن را حفظ می‌کنند و اندازنه آن بین ۳۶۰ سانتیمتر و بیشتر است. در حد پایین - بین ۳/۶ تا ۷/۵ متر - صدا نسبتاً بلند و برای شنیدن گروهی و اطلاعات، عمومی و برای شنیدن دیگران است. در حد بالا - بین ۷/۵ متر و بیشتر - فاصله، عمومی و صدا در بلندترین حد و اطلاعات، عمومی و برای شنیدن دیگران است.

فواصل چهارگانه حال ناظر بر تمام روابط انسانی است. دو فاصله اول ناظر بر وابستگی و روابط غیررسمی است، دو فاصله دوم ناظر بر ناوابستگی و روابط رسمی است. با وجود این، هدف گزارشگری و حسابداری مالی، گزارش نوعی خاص از روابط انسانی، یا به عبارتی مبادلات و معاملات اقتصادی است. به همین لحاظ و با استتراض از جامعه‌شناسی، اصطلاح *related party transaction* (مبادله یا معامله طرفهای وابسته یا بنا بر سنت ترجمه معاملات اشخاص وابسته) برای دو فاصله صمیمی و شخصی یا به عبارتی فواصل وابستگی و غیررسمی و اصطلاح *arm's length transaction* برای معاملات با فواصل غیرصمیمی و غیرشخصی، یا به عبارتی فواصل غیررسمی و ناوابسته، به کار می‌رود. بنابراین به سیاق ترجمه‌ی اصطلاح اول برای اصطلاح دوم نیز می‌توان به جای تاکید بر فاصله از نوع رابطه که رسمیت و ناوابستگی است استفاده کرد.

در فرهنگ دنیای جدید و بیستر مدخل *arm's length transaction* به معانی با فاصله، غیردوستانه یا غیرخودمانی، نامحرم، گوشه‌گیر و نجوش آمده است. این معانی به وجهی دیگر بر ناوابستگی و رسمیت دلالت می‌کنند.

ترجمه

چنانچه به شان نزول *arm's length transaction* توجه کنیم بهتر می‌توانیم معادلی برای آن بیابیم. در تهیه گزارشهای مالی معمولاً فرض می‌شود که تمام معاملات با فاصله دست (*arm's length*) یا بدون وابستگی انجام شده‌اند. با این حال ما

expense	هزینه	
cost	بها	
charge	شارژ	
loss	زیان	

حال چنانچه به رسم معمول در محور جانشینی فارسی به جای همه معادلها فقط هزینه بگذاریم، دیگر محوری به عنوان محور جانشینی نداریم و حریم اطمینان و حیثیت چهار مفهوم حسابداری که مدلول چهار واژه انگلیسی فوق هستند، خدشه‌دار می‌شود.

اصل دوم - اصطلاحات علمی و فنی نباید بر روی محور همنشینی قرار گیرند.

مفاهیم تخصصی علاوه بر این که باید در محور جانشینی قرار داشته باشند لازم است بر روی محور همنشینی قرار نگیرند. مفاهیم باید بواسطه واژگان هر یک خانه‌ای جداگانه را در مغز اشغال کنند، در غیر این صورت حوزه معنایی آنها با هم خلط می‌شود. علم رفتار چیز زیادی دربارۀ behaviourism به ذهن ما اضافه نمی‌کند چون علم و رفتار هر یک از قبل خانه‌ای را در ذهن ما اشغال کرده‌اند. اما رفتارگرایی یک اصطلاح جدید است که پیش از این در ذهن ما خانه نداشته است. بدین صورت چیزی جدید به گنجینه ذهن ما اضافه می‌شود و ذهنیت ما تخصصی‌تر می‌شود. به عنوان مثال در رهنمودهای شماره ۱۱ و ۹ هر جا که در متن اصلی cost و charge در یک جمله یا بند با expense به کار رفته‌اند، دو واژه اول به عنوان هزینه و expense به عنوان هزینه جاری ترجمه شده‌است. "هزینه" در همنشینی با "جاری" نمی‌تواند حریم معنایی expense را از هزینه به عنوان معادل‌های cost یا charge جدا کند.

چنانچه در خلال بررسی زیر معلوم شود که هزینه بهترین معادل برای expense است، آنگاه با توجه به دو اصل فوق نباید آن را برای دیگر مفاهیم در محور جانشینی و همنشینی قرار داد.

سه دلیل

به سه دلیل زیر هزینه بهترین معادل برای expense است. اول، در فرهنگ عمید مدخل هزینه به معنی "خرج، مقابل دخل یا درآمد" آمده‌است. این معنی به تعبیری بر مفاهیم هزینه در چهار یا سه دهه گذشته در حسابداری دلالت می‌کند، مفاهیمی که ابتدای آنها بر رویکرد درآمد - هزینه قرار داشت. افزون بر این هنوز هم در اذهان بسیاری از حسابداران، بالاخص کارورزان، مفهوم هزینه این چنین تداعی می‌شود. تعریف فرهنگ عمید تلویحاً مفهوم Matching یا همزمانی را بواسطه استفاده از کلمه مقابل در خود دارد. می‌دانیم که درآمد ماوایی جز گزارش سود و

و حریم اطمینان هزینه لطمه وارد ساختند، تا آنجا که به مرور زمان حوزه معنایی آن استقلال و حریم ایمنی خود را از دست داد. آنها هزینه را به غلط برای واژگان مزبور برابر نهادند. در این قسمت نگارنده می‌کوشد تا از حیثیت و اعتبار هزینه پشتیبانی کند و حریم اطمینان آن را باز تولید کند.

دو اصل اصطلاح سازی

اصل اول: اصطلاحات علمی و فنی باید در محور جانشینی قرار گیرند.

زبان علم یا فن مانند زبانهای صوری ریاضی یا موسیقی باید به اصطلاحات هویت و حیثیت جداگانه بدهد. در ریاضیات تحلیلی نمی‌توان حرف X را به دو متغیر یا دو مفهوم متفاوت مانند expense و cost اطلاق کرد. چنانچه در یک رابطه ریاضی x هم به cost و هم به expense دلالت کند، مثلاً رابطه $X = 2 + 0.5x$ (که در آن x سمت چپ دلالت بر expense و X سمت راست دلالت بر cost می‌کند)، آنگاه درک روابط و مفاهیم بسیار مشکل خواهد شد. حال فرض کنید حرف X را مانند هزینه در حسابداری به پنج متغیر یا مفهوم نسبت دهیم که در آن صورت مشکل پنج چندان می‌شود. مثال دیگر، به دو بیتی زیر توجه کنید:

آن یکی شیر است آنسدر بادیه

وین یکی شیر است آنسدر بادیه

آن یکی شیر است کادم می‌خورد

وین یکی شیر است کادم می‌خورد

در این شعر شاعر با شیطنتی استحسان آمیز خوانندگرا با تعدادی سوال مبهم به حال خود رها می‌کند. آیا هر چهار شیر، شیر خوراکی است؟ ۲- آیا "شیرهای" مصرع‌های اول شیر خوراکی است و شیرهای مصرع دوم، شیر درنده است؟ آیا هر چهار شیر، شیر درنده است؟ می‌توان تعداد این سوالها را تا ۴^۲ سوال افزایش داد و باز هم بر وخامت مسئله دامن زد. برای بادیه نیز می‌توان ۲^۲ سوال طرح کرد. آیا هر دو بادیه به معنی بیابان و هامون است؟ آیا هر دو بادیه به معنی کاسه مسی است؟ و قص علی هذا.

اصطلاحات تخصصی زمانی که بر روی محور جانشینی نباشند مانند شعر فوق خواننده را دچار تعارض و تناقض می‌کنند. در این شعر واژه شیر و بادیه برای اطلاق به دو مفهوم به کار رفتند. حال ببینید چه بلایی بر سر ذهن خواننده متون حسابداری می‌آید وقتی در یک متن واژه هزینه برای اطلاق بر پنج مفهوم به کار می‌رود. در زیر چهار واژه انگلیسی و در مقابل چهار واژه فارسی وجود دارد که بر روی محور جانشینی قرار دارند:

تاریخی نیز هزینه معادل expense است.

و سوم، معتبرترین مفاهیمی که تاکنون برای expense عرضه شده عبارتند از:

۱) بنابه تعریف کمیته واژه‌شناسی AICPA، "expense به معنی عام در برگیرنده تمام بهایی (costs) است که منقضى شده‌اند و از درآمد قابل کسر می‌باشند..."^۹

۲) براساس تعریف هیات اصول حسابداری (ABP)، "expense، کاهشهای ناخالص در داراییها یا افزایشهای ناخالص در بدهیها هستند که از فعالیتهای سودگرای بنگاه‌نشات می‌گیرند و در انطباق با اصول حسابداری پذیرفته شده عام بازشناسی یا اندلنه‌گیری می‌شوند..."^{۱۰} و

۳) برطبق تعریف هیئت استاندهای حسابداری مالی، "expense، جریانهای خروجی یا دیگر مصارف داراییها، یا تحمل بدهیها (یا ترکیبی از هر دو) هستند که در خلال یک دوره از محل تحویل یا تولید کالاها، ارائه خدمات یا انجام سایر فعالیتها ایجاد می‌شود و جز عملیات اصلی، محوری مستمر می‌باشند..."^{۱۱}

در تعریف اول صراحتاً expense با درآمد و در دو تعریف دیگر تلویحاً بواسطه استفاده از اصطلاحات سودگرای و عملیات به درآمد مربوط می‌شود. افزون براین، تعریف اول یا تعریف ATB شماره ۴، بیانگر رویکرد درآمد - هزینه سنتی است. در تعریف دوم یا تعریف بیانیه شملیه ۴ APB، با این که رابطه بین expense و داراییهای ناخالص برجسته شده‌است، اما هنوز هم وفاداری به رویکرد درآمد - هزینه مشهور است. در این تعریف اندلنه‌گیری expense مبتنی بر قواعد رویکرد درآمد - هزینه است. اما تعریف سوم یا تعریف SFAC شماره ۶، بیانگر رویکرد دارایی - بدهی است. با وجود این، در عمل بازشناسی expense با درست آیینی رویکرد درآمد - هزینه قرین است و رسم بر این است که expense با درآمد بازشناسی شده در یک دوره همزمان شوند.

عصاره سه تعریف فوق عبارت است از: اول، expense با درآمد مربوط و بنا به تعریف عکس آن است. دوم، expense بیانگر cost (یا بهای) منقضى شده است، و بنابراین با cost (بها) تفاوت دارد، سوم، expense از عملیات اصلی نشأت می‌گیرد و به همین لحاظ با loss فرق دارد، و چهارم expense به جغرافیای گزارش سود و زیان تعلق دارد. بر این اساس معادل expense باید اولاً به لحاظ معنایی با درآمد متضاد باشد، که چراغ این معنی در واژه هزینه روشن است، که هزینه یا خارج شده متضاد معنی درآمد یا داخل شده است، و ثانیاً باید متفاوت از معانی معادلهای cost و loss (حتی charge) باشد.

زیان ندارد. و بنابراین تعریف آنچه که در مقابل درآمد قرار می‌گیرد به جغرافیای گزارش سود و زیان تعلق دارد. (در ادامه خواهیم دید که در زیان مبدا expense مفهومی است که مصادیق آن در گزارش سود و زیان تجلی می‌یابد).

دوم، فرهنگستان اول در بازم ۱۳۱۹ - ۱۳۱۴ برای تعداد زیادی از واژگان بیگانه، از جمله انگلیسی، فرانسوی، عربی، و غیره معادل یافت. کار فرهنگستان مبتنی بر اصول علمی واژه‌گزینی بود و به همین دلیل گنجینه‌ی عظیمی از واژگان فنی و عمومی را از خود به ارث گذاشت. خوشبختانه سهم الارث حسابداری بسنیاری پر بار است، اصطلاحاتی چون ترانزنامه، بدهکار، بستانکار، بها و هزینه از دستاوردهای فرهنگستان اول است. هزینه که امروز مفاهیم layout, loss, charge, cost, expense و نظایر آن هرازگله با آن بازنامایی می‌شوند، معادلی است که برای واژمانگلیسی expense و واژه عربی مخارج برگزیده‌شد. متأسفانه پس از آن به خاطر تعلق فرهنگستان دوم و نیز راحت‌طلبی مترجمان حسابداری هم واژه مخارج از نو زنده شد و هم واژه هزینه مدلولهای دیگری مانند cost, charge, loss یافت.

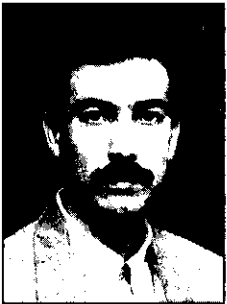
فرهنگستان اول، واژه هزینه را با جستجو در گنجینه بسیار غنی پارسی که زمانی بسیار زیبا بود یافت. هزینه (Hazine) صورت تغییر یافته واژه پهلوی اوزنگ (ozenag) است. این کلمه از سه جز ساخته شده است: ۱- جز اول یا oz یک پیشوند جهت‌ساز و به معنی بیرون یا به طرف بیرون است. در زبان فارسی باستان و فارسی میانه، که هر دو زبان تصریفی بودند، به مانند تمام زبانهای خانواده هند و اروپایی پیشوندهای جهت‌ساز بر سرستاک یا ماده فعلی می‌آمدند و جهت آن را به بالا، به بیرون، به پایین و غیره مشخص می‌کردند. oz دلالت بر جهت رو به بیرون دارد و دقیقاً معادلی برای ex لاتین یا انگلیسی است که به "pense" افزوده شده و expense را ساخته است، ۲- en صورت تغییر یافته ay (آی) به معنی بیا است و ۳- ag پسوند صفت‌ساز است. بنابراین ترجمه تحت‌اللفظی آن بیرون آمده، خارج شده یا مخارج است. این واژه در گذر از دوره میانه به دوره نوین، تغییرات آوایی را به خود دیدم‌است و به هزینه تبدیل شده‌است.

کلمه انگلیسی expense از فعل لاتین expendere مشتق شده است expendere خود واژملى اشتقاقی از فعل pendere است که قبل از آن پیشوند جهت‌ساز ex (معادل oz فارسی میانه) افزوده شده‌است. pendere به معنی ارزش داشتن می‌باشد، بنابراین expendere به معنی خارج شدن ارزش یا همان مخارج است. شباهت تاریخی حاکم بر ساخت و معنای دو واژه expense و هزینه به هیچ روی تصادفی نیست، زیرا هر دو به دو زبان از خانواده زبانهای هند و اروپایی تعلق دارند. بنابراین به لحاظ



اخبار انجمن

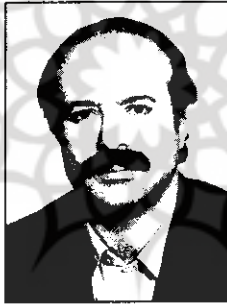
طبق اطلاع دبیرخانه انجمن، افراد زیر به عضویت انجمن پذیرفته شده‌اند:



۲۶۷۷ - محمد علی ریاحی
شرکت سهامی عام صنعتی
مینو



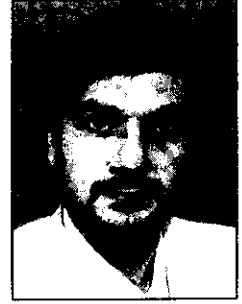
۲۶۷۶ - علی اصغر بهرامیان
شرکت عمران نرسا



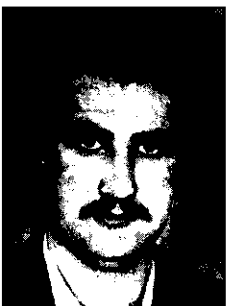
۲۶۷۵ - علیرضا باقری
قزوینی
شرکت نفت تهران



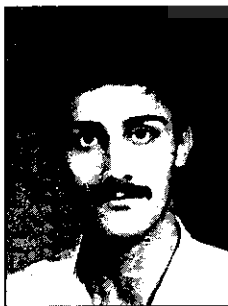
۲۶۷۳ - رضا نژادمحمد
باقری
شرکت مجتمع تولید گوشت
مرغ ماهان



۲۶۷۲ - مهدی غلامعلی
مجدآبادی
سازمان حسابرسی



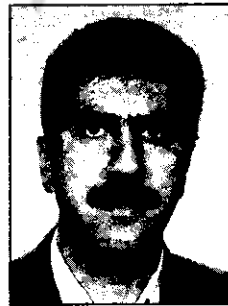
۲۶۸۲ - کمال الدین سیدین
اداره آگاهی تهران بزرگ



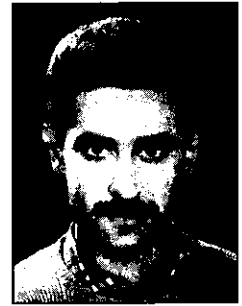
۲۶۸۱ - محمدرضا عربی
مزرعه شاهی
سازمان گسترش و نوسازی



۲۶۸۰ - عایشه جمال زهی
شرکت صنایع نساجی ایران



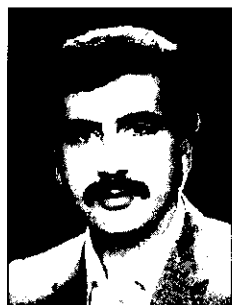
۲۶۷۹ - فرامرز قانون
موسسه حسابرسی
هوشمندیار



۲۶۷۸ - سعید خاریاند
شرکت خدمات مالی و
مشاوران مدیریت
راهبردارقام



حسابداران مستقل جدید



عبداله شفاعت قراملکی
موسسه حسابرسی حقایق



فیروز عربزاده
موسسه حسابداری و
حسابرسی خبره تبریز

پیوستن عضو قدیمی به انجمن



عباس حسینی فرزین



۲۶۸۳- جمال عادلزاده
شرکت قدس نیرو



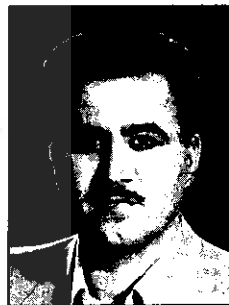
۲۶۸۸- مستانه رضایی
آموزش و پرورش منطقه ۱



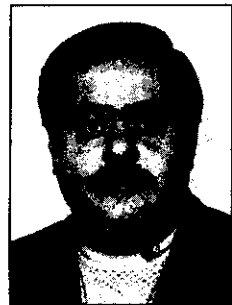
۲۶۸۷- جعفر رحمتی نیا



۲۶۸۶- صغری شهراسی



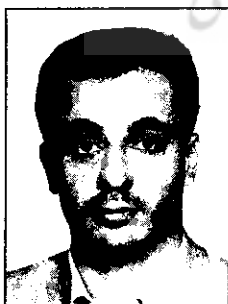
۲۶۸۵- هوشنگ علیزاده
موسسه حسابرسی ماریشن



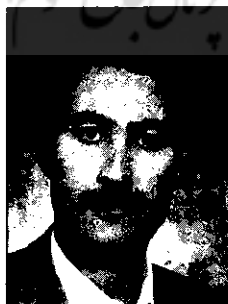
۲۶۸۴- هوشنگ تسلیمی
سازمان حسابرسی



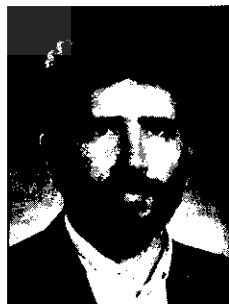
۲۶۹۳- فرهاد نمسه‌چی
شرکت توسعه صنایع بهشهر



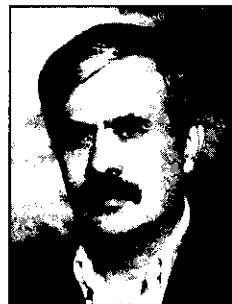
۲۶۹۲- علی اسماعیلزاده
مقری
دانشگاه آزاد اسلامی- واحد
علوم و تحقیقات



۲۶۹۱- محمدرضا نوری
وزارت امور اقتصادی و
دارایی
اداره کل مالیات بر شرکتها



۲۶۹۰- محمد کبریتی
شرکت ساپکو



۲۶۸۹- علی اکبر طبایح
شعبانی
شرکت صنایع نساجی خامنه

حسابداران مستقل

حسابداران مستقل آن گروه از اعضای انجمن می باشند که از نظر انجمن صلاحیت انجام کار حسابرسی دارند. این فهرست به ترتیب حروف الفبا تهیه شده و تقدم و تاخر اسامی به این علت است.

ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن	محل کار
۳۵	دکتر یحیی حساس یگانه	۸۷۹۶۴۵۹	حسابرسی یگانه و همکاران
۳۶	ولی حسنی طالقانی	۸۸۰۱۹۰۴	حسابرسی ممیز
۳۷	کریم حسین آبادی	۸۸۴۸۲۶۲	حسابرسی بیات رایان
۳۸	حسن حیاط شاهی	۲۳۷۸۷۶۴	حسابرسی رمز
۳۹	بهرز خالقی ویردی	۹۳۱۲۵۱	حسابرسی دش و همکاران
۴۰	اصغر خرمی دیزجی	۸۴۵۴۳۸	حسابرسی تدبیر نوین
۴۱	علی اصغر خلیفی	۴۴۱۹۶۶۰	حسابرسی و خدمات مدیریت مجربان پویا
۴۲	داود خمارلو	۸۹۰۲۳۱۶	حسابرسی خبره
۴۳	بهرز دارش	۹۳۱۲۵۱	حسابرسی دش و همکاران
۴۴	محمد نبی داهی	۸۸۰۱۹۰۴	حسابرسی ممیز
۴۵	غلامحسین دوانی	۸۸۴۵۴۶۶	حسابرسی و خدمات مدیریت حسام
۴۶	علی دهدشتی	۶۷۰۴۴۲۵	حسابرسی طوس
۴۷	غلامحسین دهدشتی اخوان	۲۲۸۰۷۱	حسابرسی دهدشتی و همکاران (اهواز)
۴۸	عباسعلی دهدشتی نژاد	۸۹۰۹۷۱۸	خدمات مدیریت و حسابرسی رایبند
۴۹	مصطفی دیلمی پور	۲۰۴۶۹۶۱	حسابرسی و مدیریت دیلمی پور و همکاران
۵۰	محمدعلی رادمان	۸۰۳۰۶۴۵	حسابرسی نمودگر
۵۱	سیروس رحمانی	۸۷۸۳۳۲۳	حسابرسی سیروس
۵۲	مرتضی رحمانی یگانه	۸۴۲۵۲۰۹	حسابرسی تعدیل حساب
۵۳	حسین رضائی ۱۲۳۰۸۸۲		حسابرسی رضائی و همکاران
۵۴	عبدالحسین رهبری	۸۳۰۷۹۲۸	حسابرسی بیات رایان
۵۵	مهربان ریحانی	۲۰۶۴۲۹۰	حسابرسی و خدمات مالی چکاد حساب اندیشان
۵۶	محمدحسن زرین فکر	۸۹۷۷۶۷۲	حسابرسی رهیافت حساب تهران
۵۷	منوچهر زندی	۸۷۲۱۲۶۹	حسابرسی و بهبود سیستمهای مدیریت
۵۸	محمد تقی سلیمان نیا	۸۰۳۲۲۷۴	حسابرسی و خدمات مالی همیار حساب
۵۹	سیاوش سهیلی	۸۹۰۲۳۱۶	حسابرسی خبره
۶۰	سید مهدی سید مهدی	۶۷۰۴۴۲۵	حسابرسی طوس
۶۱	فرامرز شایگان	۸۰۱۲۳۱۵	حسابرسی آزمون
۶۲	محمدعلی شعبانی سبزه میدان	۶۷۰۴۴۲۵	حسابرسی طوس
۶۳	نریمان شهربانی	۸۰۶۲۲۷۴	حسابرسی و خدمات مالی همیار حساب
۶۴	عبداله شفاعت قراملکی	۵۵۵۳۰۷۰	موسسه حسابرسی حقایق - تبریز
۶۵	تیرانداز شکبیا	۷۸۰۲۰۴۴	حسابرسی هزینه باب
۶۶	منصور شمس احمدی	۸۳۰۹۱۰۰	حسابرسی شاهدان
۶۷	رضا شمس زهرایی	۸۸۴۷۵۲۵	حسابرسی کاشفان
۶۸	محمد شوقیان	۸۸۰۴۹۴۱	حسابرسی شوقیان و همکاران
۶۹	اردشیر شهیندیان	۸۸۹۹۷۷۲	حسابرسی شهیندیان و همکاران
۷۰	فرزاد شهداد فرد	۸۳۰۵۳۹۱	حسابرسی بهمند
۷۱	محمود شهشانی پور	۸۹۰۹۷۱۸	خدمات مدیریت و حسابرسی رایبند
۷۲	امیر شهلانی مقدم	۸۹۰۳۹۴۹	حسابرسی و خدمات مدیریت آراه
۷۳	فریده شیرازی	۸۷۵۲۷۴۸	حسابرسی بهراد مشار
۷۴	پرویز صادقی	۸۸۹۲۰۳۶	حسابرسی فراز مشاور
۷۵	حسن صالح آبادی	۸۸۲۵۳۶۵	حسابرسی اصول پایه
۷۶	سعید صدرائی توری	۲۲۲۰۰۶۹	حسابرسی صدرالمیزان
۷۷	حمید طباطبائی زاده فشارکی	۸۲۱۹۰۹۹	حسابرسی بهروز آوران
۷۸	اصغر ظهوری	۸۹۰۳۹۰۰	حسابرسی آگاهان و همکاران
۷۹	سیدحسین عربزاده	۹۳۱۲۵۱	حسابرسی دش و همکاران
۸۰	فیروز عربزاده	۳۳۱۲۷۷۸	حسابداری و حسابرسی خبره تبریز

ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن	محل کار
۱	سورن آبتوس	۸۳۰۲۳۱۶	حسابرسی نواندیشان
۲	رضا آتش	۸۳۰۵۳۹۱	حسابرسی بهمند
۳	محمد رضا آرون	۸۷۹۸۲۴۸	شرکت تدبیر نظام گستر
۴	مهرداد آل علی	۸۷۳۰۵۴۳	حسابرسی آزمونگان
۵	پورو آواکیانس	۲۰۱۴۱۹۲	حسابرسی پیش آگاه
۶	بهرز ابراهیمی	۸۷۵۲۷۴۹	حسابرسی بهراد مشار
۷	امیرحسین ابطی نائینی	۶۸۷۶۰۰	سپاهان تراز - اصفهان
۸	حمیدرضا ارجمندی	۸۸۹۰۱۲۰	حسابرسی و مشاوره فردا پدید
۹	عباس اسرارحقیقی	۸۸۲۹۷۶۱	حسابرسی بیداران
۱۰	عبدالجواد اسلامی	۸۹۷۷۶۷۲	حسابرسی رهیافت حساب تهران
۱۱	حسن اسمانی	۸۷۲۱۲۶۹	حسابرسی و بهبود سیستمهای مدیریت
۱۲	سیدعباس اسماعیل زاده پاکدامن	۶۴۳۵۲۳۳	موسسه حسابرسی ایران مشهود
۱۳	بهزاد افشار	۸۹۰۱۲۴۶	حسابرسی آگاهان و همکاران
۱۴	علی امانی	۸۸۴۵۴۶۶	حسابرسی و خدمات مدیریت حسام
۱۵	یداله امیدواری	۸۸۲۹۷۶۱	حسابرسی بیداران
۱۶	فریبرز امین	۸۹۰۹۷۱۸	خدمات مدیریت و حسابرسی رایبند
۱۷	فریدون آیزدینا	۸۹۷۷۶۷۲	حسابرسی رهیافت حساب تهران
۱۸	نریمان ایلخانی	۸۹۰۰۵۲۸	شرکت راهبرد آرام
۱۹	میلتن ایوان کریعیان	۹۳۱۲۵۱	حسابرسی دش و همکاران
۲۰	سیدمحمد بزرگ زاده	۸۶۷۶۲۸	حسابرسی شهرپور
۲۱	راضیه بهروزوی	۸۸۰۲۹۳۲	حسابرسی و خدمات مدیریت آراه
۲۲	اصغر بهنیا	۶۲۱۳۴۵	حسابرسی امجد
۲۳	منوچهر بیات	۸۳۰۷۹۲۸	حسابرسی بیات رایان
۲۴	حمزه پاک نیا	۹۷۵۳۸۳	حسابرسی تفسیر
۲۵	مهربان پروز	۸۷۵۲۷۴۷	حسابرسی بهراد مشار
۲۶	سعید تاج بخش	۲۴۱۰۰۵۳	حسابرسی واگردان
۲۷	عبدالحسین تجلی	۸۹۰۹۷۹۳	حسابرسی نیک روشن
۲۸	حسن تنگ عیش	۸۰۲۲۴۴۷	حسابرسی و خدمات مدیریت تدوین روش
۲۹	محمدحسین توکلی	۸۹۷۷۶۷۲	حسابرسی رهیافت حساب تهران
۳۰	احمد ثابت مظفری	۸۸۸۴۶۶۱	حسابرسی تدوینکو
۳۱	محمد جم	۸۹۰۱۲۴۶	حسابرسی آگاهان و همکاران
۳۲	سعید جمشیدی فرد	۸۰۰۱۰۸۶	حسابرسی روشنگران
۳۳	مجتبی جواهرنشان	۸۳۶۷۹۱۲	حسابرسی پردازش
۳۴	مصطفی جهانبانی	۸۰۸۸۳۸	حسابرسی و خدمات مدیریت رهیافت مشهود



ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن	محل کار
۸۱	علیرضا عطفی	۶۴۳۵۳۲۴	حسابرسی ایران مشهود
۸۲	سید داود علوی	۸۹۶۸۵۳۲	حسابرسی پارس
۸۳	نعمت‌الله علیخانی‌راد	۸۹۰۲۳۱۶	حسابرسی خبره
۸۴	جعفر عوض‌پور	۸۸۲۷۵۵۶	حسابرسی کاشفان
۸۵	دکتر بهرام غیانی	۸۹۰۹۷۱۸	حسابرسی مختار و همکاران
۸۶	هوشنگ غیبی	۸۹۷۷۶۷۲	حسابرسی رهیافت حساب تهران
۸۷	ابوالقاسم فخاریان	۸۷۷۸۵۵۹	حسابرسی تدوینکو
۸۸	جمشید فراروی	۸۷۸۲۰۹۶	حسابرسی تدوینکو
۸۹	فرهاد فرزاد	۸۷۳۰۵۴۳	حسابرسی آرمودگان
۹۰	فرهاد فرهمندیروجنی	۸۸۲۴۸۸۷	حسابرسی نوگا
۹۱	بهزاد فیضی	۸۹۰۱۲۴۶	حسابرسی آگاهان و همکاران
۹۲	حسین قاسمی‌روچی	۸۳۰۸۷۵۴	حسابرسی آزمون سامانه
۹۳	رضا قندی	۸۰۲۲۹۶۹	حسابرسی وثیق
۹۴	حسین کاموسی	۸۹۰۰۵۲۸	حسابرسی فراز مشاور
۹۵	علیرضا کریمی‌طار	۸۳۰۲۷۱۶	حسابرسی بهداوران
۹۶	فریدون کشانی	۸۰۰۰۸۷۱	حسابرسی آزمون
۹۷	مجید کشوریزوه‌نگرودی	۸۷۴۵۳۴۹	حسابرسی شراکت
۹۸	محمد رضا گلچین‌پور	۶۴۳۵۳۲۳	حسابرسی ایران مشهود
۹۹	چواد گوه‌زاد	۸۷۵۶۰۱۳	حسابرسی نمودار
۱۰۰	سیروس گوهری	۸۷۴۵۳۴۹	حسابرسی شراکت
۱۰۱	مسعود مبارک	۸۰۶۳۲۷۴	حسابرسی و خدمات مالی همیارحساب
۱۰۲	امین محبوبی	۶۱۵۳۳۷۱	شرکت خدمات مدیریت امین نفت
۱۰۳	عبدالمجید محلاتی‌کاظمینی	۸۷۴۱۱۷۹	حسابرسی محلاتی و همکاران
۱۰۴	نادر محمدپور	۹۸۷۶۵۴	حسابرسی نادر
۱۰۵	ناصر محمودزاده‌احمدی‌نژاد	۸۷۹۵۰۸۳	حسابرسی صندوق بازتستگی
۱۰۶	نصرت‌الله مختار	۸۹۰۳۴۹۶	حسابرسی مختار و همکاران

حسابرسی و خدمات مالی

ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن	ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن
۱	مرتضی احمدی‌شیرازی	۸۰۰۶۶۶۳	۸	قدرت‌الله‌رگدذر	۸۷۰۲۰۲۵
۲	هرمز ایزدگن‌سب	۸۷۳۷۳۰۶	۹	علی صحرانی	۸۲۶۷۹۱۲
۳	سید محسن حجازی	۲۰۴۴۰۰۵	۱۰	قاسم ضرعانی	۲۷۱۵۰۹۹
۴	مرتضی حجازی	۸۷۷۸۸۱۱	۱۱	محمد باقر محمدی	۸۸۸۶۲۲۸
۵	حسن خدائی	۸۷۷۸۸۱۱	۱۲	رسول محمدی‌سالک	۶۴۰۷۶۳۷
۶	اصغر خرازی	۶۳۴۶۸۱	۱۳	شیرین مشیرفاطمی	۸۰۷۷۱۶۰
۷	حسین خطیبیان	۸۷۷۴۲۲۵			

حسابداری

ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن	ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن
۱	جعفر باقری	۲۴۱۷۹۵	۸	علی صحرانی	—
۲	مصطفی جان‌نثاری	۳۶۶۷۳۵	۹	محمد صفری‌کوپایی	۸۷۲۶۳۰۴
۳	هوشنگ خستونی	۸۷۲۶۳۱۹	۱۰	محمد تقی منصورری‌راد	۸۷۲۶۳۰۷
۴	محمد حسن سعادتیان	۸۷۲۳۲۲۰	۱۱	محمد میرآفتابزاده	۸۷۲۶۱۰۹
۵	احمد شله‌چی	۸۷۲۶۱۱۰	۱۲	منوچهر نصرآصفهانی	۶۷۸۳۳۴
۶	سیروس شمس	۸۷۱۳۷۹۰	۱۳	اسدالله نیلی‌اصفهانی	۸۷۲۶۳۰۵
۷	غلامرضا صرام	۸۷۱۳۷۹۰	۱۴	میرمجید وکیل‌زادیان	۸۷۲۶۳۰۸

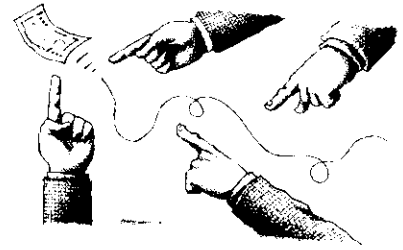
ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن	محل کار
۱۰۷	ابوالقاسم مرآئی	۸۸۲۶۶۸۴	حسابرسی بیات‌رایان
۱۰۸	رضا مستاجران	۸۸۴۵۴۶۶	حسابرسی و خدمات مدیریت حسام
۱۰۹	علیرضا مستغائی	۶۱۳۸۵۳	حسابرسی کاربرد تحقیق - اصفهان
۱۱۰	علی مشرفی‌آرانی	۸۳۰۵۳۹۲	حسابرسی بهمند
۱۱۱	همایون مشیرزاده	۸۹۰۳۴۹۶	خدمات مدیریت و حسابرسی رایمند
۱۱۲	زهرا مطلب‌زاده	۸۷۴۲۵۹۱	حسابرسی مطلب‌زاده
۱۱۳	رضا معظمی	۸۹۰۰۸۱۲	حسابرسی کاربرد ارقام
۱۱۴	اکبر منفرد	۲۰۵۴۳۷۴	حسابرسی منفرد و همکاران
۱۱۵	هوشنگ منوچهری	۸۹۰۲۹۹۹	حسابرسی پژوهندگان مستقل حساب
۱۱۶	ابراهیم موسوی	۸۸۲۵۳۱۵	حسابرسی اصول پایه
۱۱۷	حسین موشانی	۸۸۰۱۹۰۴	حسابرسی ممیز
۱۱۸	عبدالمیر میرآب	۶۴۶۶۴۸۰	حسابرسی ادیب
۱۱۹	پرویز میرآرمندهی	۸۸۰۲۵۱۹	حسابرسی خبره
۱۲۰	منصور میرزاخانی‌نافچی	۶۱۵۴۷۴	حسابرسی کاربرد بهره‌روش
۱۲۱	حمید ناموری	۸۹۰۲۳۳۴	حسابرسی آگاهان و همکاران
۱۲۲	ایرج نجفیان	۸۴۲۸۲۰۶	حسابرسی ایران‌یاور
۱۲۳	علی‌اصغر نجفی‌مهری	۸۳۰۸۷۵۴	حسابرسی آزمون سامانه
۱۲۴	عبدالرضانوربخش	۷۵۳۷۹۴۴	حسابرسی آزمون سامانه
۱۲۵	محمدحسین واحدی	۶۲۱۳۴۵۵	حسابرسی امجد (اصفهان)
۱۲۶	محمود واحدی	۹۳۱۲۵۱	حسابرسی دشن و همکاران
۱۲۷	اکبر وقارکاشانی	۴۴۱۹۶۶۰	حسابرسی و خدمات مدیریت مجریان پویا
۱۲۸	علی‌هاشم نژادشیرازی	۸۰۶۳۲۷۴	حسابرسی و خدمات مالی همیارحساب
۱۲۹	اصغر هشی	۸۳۰۵۳۹۱	حسابرسی بهمند
۱۳۰	عباس هشی	۸۳۰۰۷۸۴	حسابرسی بهمند
۱۳۱	کارو هوانسیان‌فر	۸۳۰۲۳۱۶	حسابرسی نوآندیشان
۱۳۲	قاسم یاقتی	۷۵۲۳۶۷۸	حسابرسی همگامان کیش

حسابداری

ردیف نام	نام خانوادگی	تلفن	محل کار
۱	ایرج پورحسین‌اکبریه	۸۹۰۳۱۹۰	وزارت صنایع
۲	خسرو پورمعمار	۸۰۳۰۶۴۴	کارگزاری پارس نمودگر
۳	حسین حریری	۸۸۹۹۸۱۸	شرکت ماشین‌آلات صنایع نفت
۴	امیرعلی خانخلیلی	۸۲۶۷۹۱۲	کارگزاری خبرگان سهام
۵	اسیک دراستپانیانس	۸۸۴۴۷۰۳	—
۶	غلامرضا سلامی	۶۴۳۵۱۵۵	شرکت کشت و صنعت دشت زر
۷	سیامک شهریاری	۸۷۵۱۹۰۹	شرکت آرات
۸	شهرام شهیری	۶۷۱۷۲۱۷	شرکت سهم آشنا
۹	احمد عبائی‌کوپائی	۸۰۸۵۹۴۹	شرکت سرمایه‌گذاری آینده‌نگر
۱۰	خسرو فخیم‌هاشمی	۶۷۲۰۲۳۶	شرکت شیشه همدان
۱۱	محمود قدس	—	—
۱۲	محمدابراهیم قربانی‌فرید	۷۵۰۸۴۶۳	شرکت کارگزاری سهام پیروان شایان
۱۳	بهرام کلاترپور	۸۷۱۴۵۶۸	شرکت توسعه صنایع بهشهر
۱۴	پرویز گلستانی	۸۷۱۳۷۰۱	شرکت سرمایه‌گذاری گروه صنعتی رنا
۱۵	علی مستاجران	۸۸۴۵۴۶۶	—
۱۶	واقناک مسیحی‌شاه‌نظریان	۸۹۰۱۲۷۷	بانک تجارت
۱۷	مجید میراسکندری	۶۴۳۵۳۹۳	شرکت سرمایه‌گذاری آینده‌نگر
۱۸	حمیدرضا تقی‌زاده	۲۰۴۳۰۰۸	سازمان مدیریت صنعتی - بخش مشاوره
۱۹	ایرج نیک‌نژاد	۶۴۶۳۳۹۵	شرکت یزدباف
۲۰	فریدون وحدتی‌نیکزاد	۸۸۳۳۸۵۵	وزارت صنایع شرکت احداث صنعت
۲۱	بهرروز وقتی	۲۶۷۲۲۳۲	شرکت سرمایه‌گذاری نوید

ادامه از صفحه ۶

موانع مقرراتی بازار سرمایه



بورس کالاهایی نظیر سیمان، قند و شکر، روغن نباتی، مواد شوینده، دارو و لوازم خانگی تولید می‌کنند که طی سالهای گذشته همگی به نحوی مشمول نرخ‌گذاری بوده‌اند، از این رو در صورت عدم دقت در این نرخ‌گذاری عایدی هر سهم کاهش یافته و در نتیجه بازار سهام فاقد کشش لازم شده است. در بعضی از سالها عایدی هر سهم اکثریت شرکتها از سود اوراق مشارکت (بدون ریسک و با درجه نقدشوندگی بالا) کمتر بوده ضمن اینکه همین حداقل سود به دلیل نبود نقدینگی در بسیاری از موارد پرداخت نشده و صرف افزایش سرمایه مکرر گردیده است.

از سوی دیگر کاستن از نقدینگی کل از طریق محدود ساختن سقف اعطای تسهیلات بانکی به شرکتها بیشترین فشار خود را به شرکتهای تولیدی وارد ساخته است، تا حدی که این شرکتها برای خرید مواد اولیه یا استفاده از ارز تخصیصی خود با مشکلات جدی روبه‌رو هستند و با توجه به از بین رفتن تناسب بین سرمایه و منابع استقراضی پرداخت سود هر سال مشکل‌تر شده و به ناچار شرکتها برای نگهداشت وضعیت نقدینگی خود اقدام به افزایش سرمایه می‌کنند تا مشکل را به سالهای بعد منتقل سازند.

خوشبختانه در دو سال اخیر در اجرای سیاستهای دولت جدید سیاستهای قیمت‌گذاری تعدیل شده و در بعضی موارد منتفی شده است، از این رو بخصوص در شرکتهای پتروشیمی، دارویی، کارخانجات قند و تولید سیمان شاهد افزایش ناگهانی سود و در نتیجه افزایش قیمت سهام این شرکتها گاه تا ۳۰۰ درصد طی سال گذشته بوده‌ایم. امید است که این افراط منجر به یک تفریط آتی نشود و باز هم شاهد سقوط دوباره شاخص سهام نباشیم.

● مقررات انعطاف‌ناپذیر مربوط به نرخها و روشهای استهلاک و هزینه‌های قابل قبول. ● عدم امکان تجدید ارزیابی داراییها به دلیل مالیات از داراییهای تجدید ارزیابی شده که این موضوع باعث ارائه صورتهای مالی گمراه‌کننده در شرایط تورمی موجود شده است. ● مالیات بر اندوخته صرف سهام به نحوی که موجب شده است منابع جدید ناشی از افزایش سرمایه به‌جای حرکت به سوی شرکتها، به جیب سهامداران رفته و در نهایت از بازار زیرزمینی سر درآورد.

● دریافت مالیات سود سهام اشخاص حقوقی شامل شرکتهای سرمایه‌گذار از شرکتهای سرمایه‌پذیر که موجب مطالبات هنگفت این شرکتها (شرکتها سرمایه‌گذار) از وزارت امور اقتصادی و دارایی و در نتیجه مشکلات نقدینگی برای آنها شده است.

● مالیات سنگین بر نقل و انتقال سهام و سهم‌الشرکه شرکتها خارج از بورس که باعث می‌شود میل به سرمایه‌گذاری در شرکتها روز به روز کمتر شود و سرمایه‌های قابل جذب به شرکتها تولیدی نیازمند سرمایه به‌طرف این شرکتها جریان نیابد و بازار سهام خارج از بورس OTC شکل نگرفته و سرمایه‌های عظیم شرکتها سرمایه‌گذاری که می‌توانست در هنگام اجرای سیاستهای پولی انقباضی و محدودیت تسهیلات بانکی منبع مناسبی برای شرکتها در حال احتضار باشد، بی‌مصرف بماند یا در راههای ناسالمی به کار افتد.

خوشبختانه در اصلاحیه قانون مالیاتهای مستقیم به غیر از موارد مندرج در بندهای ۱۳ و ۱۴ بالا برای بقیه موارد اصلاحاتی پیشنهاد شده که با کمی تعدیل و اصلاح می‌تواند مشکلات فوق را برطرف سازد.

مقررات مربوط به مقابله با تورم از آنجا که اکثر شرکتها پذیرفته شده در

شده است و شرکتها پذیرفته شده در بورس از پرداخت ۱۰ درصد مالیات شرکت معاف شده‌اند و ۱۵ درصد از درآمد مشمول مالیات سهامداران جزء (زیر ۵ درصد) از معافیت مالیاتی برخوردارند، با وجود این به دلیل نارسایی کلی قانون مالیاتها، نظام مالیاتی در مجموع مهمترین مانع بر سر راه گسترش بازار سرمایه به‌شمار می‌رود. از جمله موارد مشکل نظام مالیاتی را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود.

● نرخ بالا و نامتناسب ماده ۱۳۱ (مازاد ۵۰ میلیون ریال درآمد در سال به‌نرخ ۴۵ تا ۵۴ درصد).

● عدم امکان تعدیل نرخهای مالیاتی متناسب با تورم سالانه.

● اخذ مالیات از سهامداران در مبداء.

● شمول مالیات سنگین (نرخهای ماده ۱۳۱) بر اندوخته.

● پیچیدگی و در مواردی غیرقابل اجرا بودن ماده ۱۰۵ (مالیات اشخاص حقوقی).

● مغایرت قانون مالیاتها با قانون تجارت و سایر الزامات قانونی در برخی موارد.

● مقررات عقب‌مانده مربوط به پلمپ و تحریر دفاتر در عصر تجارت الکترونیک.

● عدم پیش‌بینی امکان استفاده از گزارش حسابرسان مستقل برای تشخیص درآمد مشمول مالیات.

● مالیات بر سود و اندوخته‌های انتقال‌پذیر به سرمایه شرکت به نحوی که شرکتها ترغیب می‌شوند به‌جای استحکام بنیه مالی شرکت و توسعه آن به تقسیم سود مبادرت کنند.

گزارش رسیدگی ملت به عملکرد حرفه

منصور شمس احمدی

وضعیت حرفه در تاریخ ۳۰ دی و نتایج عملکرد آن و جریان و هوو نقد خارج شده از جیب ما به دلیل نبود حرفه مستقل، از تاریخ صدور مجوز پرداخت حقوق و دستمزد در کتبه‌های تفت جمشید تا تاریخ مزبور، به همراه توضیحات و توهینات اعضا و دستاوردکاران، مورد رسیدگی این ملت قرار گرفته است. مسئولیت وضعیت حرفه با اعضای آن و مسئولیت این ملت انتظار کشیدن و افسوس خوردن است. رسیدگی این ملت بر اساس استانداردهای متداول انجام شده است. استانداردهای مزبور ایجاب می‌کند که در این حرفه کسی به کسی نباشد و از حسابرسی و مسافرواهی فقط در موارد کم اهمیت، تا فرودی اطمینان معقول برسد آید. رسیدگی از جمله شامل بررسی همه قوانین، مقررات، اساسنامه‌ها و لیستهای منتشر شده و همچنین مقایسه تطبیقی وضعیت حرفه با وضعیت مشابه در ملل دیگر است. به گونه‌ای که همراه با رد فحش ما مبنای معقول برای اظهار نظر نسبت به وضعیت موجود را فراهم آورد. اگر چه برنامه‌های آتی اعضا در مورد تراوم فعالیت حرفه افشا نشده است، ولی بی‌ها کرده هرکس فرض کرده که حرفه تراوم فعالیت ندارد. این حرفه همانطور که تا به حال تراوم داشته، از حالا به بعد هم همینطور لنگ لنگان به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

۲. اگر در سالهای مورد رسیدگی نابسامانی‌ای هم در عملکرد حرفه بوده، تقصیر آن با میرزا ملکم‌خان است که گفت مالیات ندهید و گناهش به گردن دکتر میلپو که باب ترشهای تصاعدی را در قانون مالیات ۱۳۳۰ باز کرد.

۳. انتقارات و مطالبات مشکوک الفصول ما در موارد زیر پی‌گیری نشده است. پیش‌بینی وضعیت حرفه در آینده با در نظر گرفتن سرعت سرسام‌آور فوق بر ای ما امکان‌پذیر نمی‌باشد. ۴. اطلاعات و توضیحات کافی در مورد ملت وجود حرفه مستقل در سایر کشورها از جمله موارد زیر ارائه نشده است.

۵. مغایرت فیما بین انجمن حسابداران فبره، کانون کارشناسان رسمی دارکستری، سازمان حسابرسی، انجمن هنقی موسسات حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی آینده و سایرین حل و فصل نشده و پاسخ‌گویی‌های ارسالی نیز واصل نگردیده است. تعیین تاثیر این مورد بر وضعیت حرفه موقوف به اعلام ایستی است که اسامی همه را در برگیرد.

۶. به نظر این ملت بر دلیل بی‌اهمیت بودن موارد فوق، وضعیت حرفه در تاریخ ۳۰ دی دیگر بهتر از این نمی‌شود.

سایر موارد:

۷. زندگی به سویی که باید نمی‌پرد، و نه بسویی که نباید می‌پرد، زندگی به سویی می‌پرد که می‌پرد!

قانون مرتت تأخیر تا این تاریخ

سال	قانون
۹۳	۱۳۱۷
۵۱	۱۳۳۸
۴۴	۱۳۳۵
۳۲	۱۳۴۷
۲۱	۱۳۵۸
۴	
۲	
۳	
۴	
۱	
۱	
۲۲۴	

تشکیل انجمن معاسبین قسم فورده
تشکیل انجمن معاسبین و کارشناسان قسم فورده
باز هم تشکیل انجمن معاسبین و کارشناسان حساب
ارائه گزارش حسابداران رسمی در مورد شرکت‌های سهامی عام
انحلال کانون حسابداران رسمی و عدم یانگیزی آن
سایر تأخیرها:
از تاریخ تصویب قانون تا تاریخ تشکیل سازمان حسابرسی
از تاریخ تقریم تا تاریخ تصویب لایحه استقاره از
فرمانت حسابداران رسمی
از تاریخ تصویب لایحه تا تاریخ تصویب تبصره ۱
از تاریخ تصویب تبصره ۱ تا تاریخ تصویب اساسنامه
از تاریخ تصویب اساسنامه تا تاریخ تبصره ۲
از تاریخ تصویب تبصره ۲ تا تاریخ تصویب آئین‌نامه
تبصره ۴
جمع تأخیرها

مرتت وجود حرفه تا این تاریخ

سال	مرتت وجود حرفه تا این تاریخ
۵۰	
۴۴	
۴۵	
۶۵	
۲۷	
۵۰	

کشور

- بنگلادش
- هند
- یونان
- پاناما
- ونزوئلا
- پاکستان

آموزش محدود . سه ماه پشتیبانی . کاراختی مادام العمر

سیستم اخبار و حسابداری آرک

ARAK

شرکت آرک

آفرینش رایانه کیهان (سهامی خاص)
دفتر مرکزی : ۲۲۵۶۵۴۶
۲۲۵۰۱۸۳ - ۲۲۵۳۹۷۱

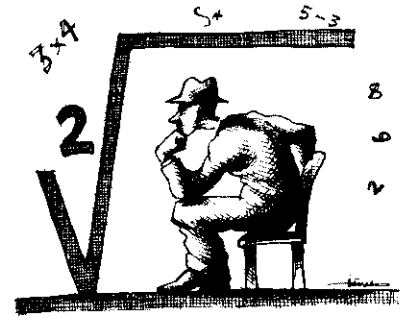
حسابداری منابع انسانی، تجویزی یا توصیفی؟

تحقیق پذیرفته می‌شوند و با آگاهی از اینکه، معیارها و ابزارهایی که برای ارزیابی به کار می‌روند این نگرش را تغییر خواهند داد، اساسی است که، این روشها با شدت تعهد شوند. البته، منطقی نیست و یا در حقیقت ممکن است، آزمونهای سخت اثبات‌گرایان برای تحقیق پدیدارشناسی و بالعکس به کار برده شوند. در نهایت، هر دو نگرش ارزشمند هستند. در حقیقت، بسیاری از محققان و دانشمندان علوم اجتماعی تمایلی به وابستگی شدید به یکی از نگرشها (اثبات‌گرایی یا پدیدارشناسی) ندارند و افراط‌گرایی بین این دو نگرش را رد می‌کنند. اجتناب از افراط‌گرایی در تحقیق مدیریت بسیار صحیح و مناسب است به خصوص، جایی که نگرش و عرف برگزیده گسترش پیدا کرده است. بحث اصلی این مقاله آن است که، نگرش برگزیده باید به اندازه کافی وسیع باشد تا شامل نظریه اصلی تجویزی گردد اما، آزمون و توسعه چنین نظریه‌ای مشکلات خاص خود را دارد.

در نهایت، آیا این محتوا، نظریه اصلی تجویزی است؟ و چرا توسعه و گسترش آن مشکل‌آفرین است؟ چنین نظریه‌ای در فرایندهای منطقی بیش از فرایندهای تجربی قانونمند می‌گردد. به بیان دیگر، آنچه که مدیران بیش از مشاهده انجام می‌دهند آن است که، در فرایند تحلیل توضیحات تعمیم یافته را توسعه می‌بخشند برای مثال، در مطالعه معروف مینتزبرگ (Mintzberg) در مورد نقشهای مدیریتی^(۶)، این محقق آنچه را که فرد به عنوان محدودیتها یا نقاط ضعف در رفتار موجود مدیریت مشاهده می‌کند، شناسایی و سازگاری با رفتارهای جدید را توصیه

چنین مواردی، اساساً تحقیقاتی که توصیفی هستند، به‌عنوان تحقیقات تجویزی برای مدیران موفق ارائه می‌شوند. در بیشتر موارد، تاثیر مقالات مهم نیست بنابراین، شانس بسیاری از مدیران در پذیرفتن اقدامات جدید به نتیجه آنچه خوانده‌اند، محدود می‌شود. بنابراین، ابهام بین نگرشهای توصیفی و تجویزی تاثیر نسبتاً کمی دارد. به هر ترتیب، اگر به دلایلی تحقیق بسیار وسیع و مجذوب‌کننده باشد، ممکن است همان‌طور که عمل می‌گردد، مدیریت را تحت تاثیر قرار دهد و بنابراین، زمینه‌ای را که محققان آینده کاوش خواهند کرد، تغییر دهد.

پی‌آمد تجویزها از تحقیق توصیفی که احتمالاً به بهترین شکل در کتاب پیترز (Peters) و واترمن (Waterman) ارائه شده است، استنتاج می‌گردد. این کتاب که از پر فروش‌ترین کتابهای سال بوده، یکی از معروفترین دستورالعملهای تجویزی را در دهه ۱۹۸۰ ارائه کرد. واکنشها از سوی محافل علمی و محققان متفاوت بود و رتبه‌بندیها از بهترین تا بدترین را شامل می‌شد^(۵). هنوز واکنش در جستجوی تحقیق برای پدیده برتری^۷ وجود دارد تا آن حد که، بسیاری از محافل علمی اگرچه به وضوح مخالفت نشان نمی‌دهند اما، ظاهراً نسبت به تحقیق توصیفی که در شکل دستورالعمل‌هایی برای موفقیت در معرض فروش قرار می‌گیرد، حساس شده‌اند. این موضوع ممکن است در جایی که ارائه و هدایت تحقیق ضعیف باشد، قابل فهم و درک و حتی قابل توصیف باشد، اما، این خطر هست که آنچه نظریه اصلی تجویزی^۸ نام دارد با همان قلم سیاه گردد. در واقع، هر قدر نگرش و روشهای



تحلیلی علاقه‌مند باشند. برای محققانی که هدف آنان درک مدیریت است، چنین ملاحظاتی بسیار با اهمیت است. به هر ترتیب، احتمالاً این نحوه ارائه برای مدیرانی که علاقه‌مند به یافته‌های تحقیق هستند تا ابزار و وسایل لازم برای رسیدن به آن از جذابیت کمتری برخوردار است. تعجب‌آور نیست که مدیران بیشتر به دنبال مدیریت‌اند و اینکه، چگونه یافته‌های تحقیق ممکن است آنان را در دستیابی به راههایی به منظور عملکرد موثرتر کمک کند. مدیران فعال احتمالاً وقت یا تمایلی به مطالعه مجلات دانشگاهی ندارند، آنان مطالعات مجلات کاربردی و عملی مدیریت را بیشتر ترجیح می‌دهند. هنگامی که همان تحقیق در یک مجله کاربردی منتشر می‌شود، تمام مسایل به هم مربوط اند برای مثال، معیارهای سنجش آماری برای روابط بین متغیرها و سطح اعتمادی که مورد نیاز آنان است احتمالاً گزارش نمی‌شود. حتی این خطر وجود دارد که روابط بین متغیرهایی نظیر رفتار مدیریت و عملکرد سازمانی به‌عنوان روابط علی مطرح گردد. اگر چنین روابط علت و معلولی حقیقت را به مدیران گوشزد کند، احتمالاً ریسک این تفسیر از طریق ارزشها و احساسات آنان افزایش می‌یابد. در موارد حساس و فوق‌العاده، تحقیق می‌تواند به‌عنوان ارائه‌کننده دستورالعملهای جدید برای موفقیت مورد توجه قرار گیرد. در

می‌کند. رفتارهای توصیه شده جدید یا تجویزها معمولاً به عنوان ابزاری برای دستیابی به نتایجی که مدیران مدعی‌اند در جستجوی آن هستند اما، در دستیابی به آن قصور ورزیده‌اند، ارائه می‌گردد. برای مثال، تجویزها مسمکن است رفتار بهینه^۹ را توصیه کرده باشند که از نظریه اقتصادی استنتاج شده و براساس فرضیاتی است که مدیران با روشهای منطقی اقتصادی رفتار می‌کنند. بنابراین، ممکن است این فرضیات از طریق درک رفتار واقعی مدیریت تعدیل شوند و اینکه چگونه توسعه یافته‌اند، با این حال، این اندیشه بنیادی که در بلندمدت مدیران استراتژیهای منطقی اقتصادی را دنبال می‌کنند، بیشتر براساس نظریه تجویزی شکل می‌گیرد. از این دیدگاه، ممکن است رفتار واقعی مدیریت منحرف و یا گمراه‌کننده به نظر برسد. شکل نگرش تجویزی، ابزار منطقی اصلاح یا جبران این نقاط ضعف است.

یک مثال از نظریه واقعی تجویزی، ارتباط آن با حسابداری منابع انسانی است. در این جا، نظریه پردازان الگوهایی درباره چگونگی ارزشگذاری کارکنان در واژه‌های مالی توسط مدیران مطرح کرده‌اند. به هر ترتیب، در نبود مدیران، پذیرفتن چنین الگوهایی برای تعیین میزان اعتمادپذیری، اعتبارپذیری یا مطلوبیت پذیری آنها ممکن نیست. البته، این یک مشکل عادی برای نگرشهای تجویزی است.

تعریف عملی حسابداری منابع انسانی حسابداری منابع انسانی عبارت است از معیارها و استانداردهای اندازه‌گیری نیروی انسانی در یک سازمان صنعتی، بازرگانی یا خدماتی با توجه به تجزیه و تحلیل کمی و کیفی این گونه سرمایه‌گذاریها. به عبارت ساده‌تر یک

موسسه صنعتی یا بازرگانی بایستی از ارزش سرمایه‌گذاری در نیروی خود آگاه باشد و همچنین، بتواند نرخ برگشت این سرمایه را نیز محاسبه نماید و بداند که، آیا بازده سرمایه‌گذاری رضایت‌بخش است یا خیر؟

تاریخچه حسابداری منابع انسانی تعیین نقطه شروع حسابداری منابع انسانی به عنوان یک موضوع تحقیقی یا مطالعاتی مشکل است. در سال ۱۹۷۶ مجله حسابداری، سازمانها و جامعه فهرست مربوط به این مبحث را که یازده تا از آنها مربوط به پایان نامه دوره دکتری بود و هنوز منتشر نشده بود، با اولین مرجع که اساس کار دابلین (Dublin) و لاتکا (Lotka) در سال ۱۹۳۰ بود، منتشر کرد. سال ۱۹۷۱ تا سال ۱۹۷۶ دوره توجه هر چه بیشتر به حسابداری منابع انسانی بوده است. در این سالها، زمان کوششهای پیگیر برای به‌کارگیری حسابداری منابع انسانی در سازمانهای تجاری بود و چندین شرکت به انتشار صورتهای مالی که در برگیرنده دارایی انسانی بر مبنای سیستم حسابداری منابع انسانی بود، پرداختند. اما از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۰ دوره کاهش توجه به حسابداری منابع انسانی از طرف محافل علمی و دنیای تجارت به شمار می‌رود. در حقیقت، علت کاهش توجه رسیدن تحقیق به مرحله‌ای بود که به همکاری شرکتها و سازمانهای علاقه‌مند نیاز داشت تا روشهای ابداع شده در آنها به آزمایش گذاشته شود؛ اما در خلال این مدت افراد انگشت‌شماری شرایط و مهارتهای لازم را برای انجام دادن تحقیق یا به دست آوردن همکاری شرکتها داشتند. در نتیجه، مطالعات اصلی اندکی صورت گرفت و حسابداری منابع انسانی در حد یک ایده باقی ماند و توسعه بیشتری پیدا نکرد. در سال ۱۹۷۰ بسیاری از نویسندگان

آموزش تخصصی محدود . سه ماه پشتیبانی . کار اخذی مادام العمر

سیستم حسابداری مالی آرک

ARAK

شرکت آرک

آفرینش رایانه کیهان (سهامی خاص)

دفتر مرکزی : ۲۲۵۶۵۴۶

۲۲۵۳۹۷۱ - ۲۲۵۰۱۸۳

علاقه‌مند بودند تا به‌عنوان پیشکسوتان حسابداری منابع انسانی باشند و اندیشه جدیدی را ارائه کنند. این موضوع به‌طور متداول به حسابداری داراییهای انسانی اشاره می‌کرد، اما بیانیه‌های کوتاه آن درباره کارکنان، در بلندمدت موجب تعمیم اهمیت منابع انسانی گردید. در حقیقت، حسابداری منابع انسانی هرگز از مرحله تجویزی طرفداران اولیه‌اش به فعالیت شناخته شده مدیریت، توسعه و گسترش نیافت. اما، امروز به‌طور شگفت‌انگیزی در روند کلی دور شدن از اقتصاد صنعتی (تولیدی) به سمت اقتصاد خدمات تکنولوژیکی با استفاده هر چه بیشتر از داراییهای انسانی توسعه و گسترش آن مشاهده می‌شود. این حرکت ممکن است موجب هدایت توسعه و گسترش سیستمهایی گردد که برای سنجش و اندازه‌گیری بخش مهمی از هزینه‌های بسیاری از سازمانها طراحی شده است. تاکنون پرسشهای بسیاری مطرح گردیده است که، چرا سیستم حسابداری منابع انسانی در تمامی سازمانها اجرا نشده است. ممکن است الگوهای ارائه شده توسط نظریه‌پردازان اولیه حسابداری منابع انسانی به‌عنوان الگوهایی ناقص مشاهده یا درک شده باشند یا آن که، الگوهای ارائه شده به اندازه کافی معتبر بودند اما، به سادگی برای مدیران فاقد مطلوبیت بودند.

واژه حسابداری داراییهای انسانی را می‌توان در ادبیات دهه ۱۹۶۰ تحت عنوان مدیریت کارکنان در پوشش جدید خود مدیریت منابع انسانی باز یافت که برای تحکیم بخشیدن به ادعای اهمیت محوری در مدیریت کوشش می‌کند (۸۹). ممکن است پدیداری دوباره حسابداری منابع انسانی بخشی از علم معانی بیان باشد (۱۰) و یا ممکن است در حال حاضر، یک علاقه‌مندی واقعی در برخی از مدیران

اجرائی برای سنجش ارزش منابع انسانی برحسب واحد پول به وجود آمده باشد، تا مدیران ارشد را آماده نمایند که کارکنان را به‌عنوان با ارزشمندترین داراییها مورد توجه قرار دهند. اگر چنین باشد، به نظر می‌رسد که زمان آن رسیده است که الگوها و نظریه‌هایی که تنظیم یا توصیف شده‌اند براساس محاسبه چنین ارزشهایی تجدیدنظر شوند. متأسفانه، بدون سیستمهای حسابداری منابع انسانی عملاً در سازمانها هیچگونه مدرکی دال بر تجدیدنظر وجود ندارد، در کوشش برای تعیین قابلیت اعتماد و اعتبار الگوهای متفاوت حسابداری منابع انسانی و نبود مدرک برای قضاوت درباره مطلوبیت یا عوامل آنها ممکن است، این مطلوبیت غیردایمی باشد. پس از گذشت سالها، تعدادی از الگوهای موجود به‌عنوان مبنایی برای محاسبه ارزش پولی کارکنان پیشنهاد می‌شوند. البته، تجدید نظرهایی در مورد این الگوها به عمل آمده است.

به‌طور خلاصه، الگوهای حسابداری منابع انسانی که با نگرش اصلی پذیرفته شده‌اند، به شرح زیر است:

۱. الگوهای ارزش اقتصادی^{۱۰}،
۲. الگوهای بهای تمام شده تاریخی^{۱۱}،
۳. الگوهای هزینه جایگزینی^{۱۲}،
۴. الگوهای ارزشگذاری پاداشهای تصادفی^{۱۳}،
۵. الگوهای کل سازمان^{۱۴}،
۶. الگوی مزایه^{۱۵}.

هر یک از این الگوها نه تنها یک نگرش متفاوت ارائه می‌نماید بلکه، مکانیزم متفاوتی را نیز برای محاسبه ارزش کارکنان در سازمان ایجاد می‌کند و هر یک از الگوهای گوناگون با توجه به نظامها و زمینه‌های مختلف و همچنین ساختارهای متفاوت نظری توسط محققان پیشنهاد

می‌شوند.

الگوهای ارزش اقتصادی براساس نظریه‌های سرمایه انسانی شولتز (Schultz) و بکر (Becker) است. از الگوهای بهای تمام شده تاریخی و هزینه جایگزینی براساس نگرشهای حسابداری متداول با در نظر گرفتن جمع هزینه‌های جایگزین و یا بهای تمام شده تاریخی برای جذب منابع انسانی به منظور محاسبه ارزش کارکنان استفاده می‌شود. نگرش پذیرفته شده در الگوهای کل سازمان، یکی از نگرشهایی است که سازمان را به‌عنوان یک سیستم کل ارزشگذاری می‌کند و سپس، ارزش به دست آمده بین تمامی داده‌ها مختلف سازمان شامل کارکنان تقسیم می‌شود و در نهایت، بخشی که مربوط به افراد است در میان گروههای مختلف کارکنان در سازمان تقسیم می‌شود. تمامی این الگوها دارای یک ساختار منطقی در اقتصاد و یا حسابداری هستند. الگوی مزایه متفاوت تر از سایر الگوها است. براساس این الگو، ارزشگذاری کارکنان توسط مدیران سازمان برای رقابت در مورد منابع انسانی محدود که در سازمان موجود هستند، صورت می‌گیرد. مدیران برای دستیابی به منابع انسانی کمیاب، بالاترین قیمت در مزایه در برابر یکدیگر شرکت می‌کنند. در این نگرش هیچ گونه رابطه‌ای مبتنی بر اینکه، مدیران برآن اساس در مزایه شرکت کنند و یا آن که به سادگی درباره قیمت پیشنهادی خود قضاوت نمایند، وجود ندارد. سادگی این الگو در این است که، برخی از منابع انسانی شرکت‌کننده ممکن است ارزشگذارهای متفاوتی توسط مدیران مختلف شوند و این دلالت بر ارزشهای متفاوت برای مدیران یکسان در زمانهای مختلف یا موقعیتهای متفاوت دارد. در حقیقت یک بازار داخلی برای کارکنان در داخل سازمان ایجاد خواهد شد و

یک اقتصاد پیشرفته، جایی که بازارها تقریباً یکنواخت ناقص هستند، غیرممکن است. بدون توجه به این محدودیتها، مهم است که اشاره شود آیا الگوی هزینه جایگزین توانسته یک روش قابل اعتماد و بسنده ارائه کند، اگر از نظر تئوری معیارهای اندازه‌گیری جانشین برای تعیین ارزش موقعیتهای خدمتی می‌تواند معتبر باشد، ممکن است یک روش نسبتاً ساده ارزشگذاری کارکنان ارائه شود. اما، چگونه؟ بنابراین، همان‌طور که، اشاره شد، نظریه حسابداری منابع انسانی بیشتر یک نگرش تجویزی است تا نگرش توصیفی و در جایی که، عملاً پر از شکلهای توسعه یافته حسابداری منابع انسانی است و برای مطالعه در دسترس هستند، غیرممکن است، در سازمانها وجود نداشته باشند. به هر ترتیب، در حالی که، ممکن است در سازمانها روش ارزشگذاری پاداشهای تصادفی سیستمهای حسابداری منابع انسانی وجود نداشته باشد، بسیاری از سازمانها با جمع‌آوری اطلاعات بهای تمام شده منابع انسانی یا در نظر گرفتن فعالیت‌های مدیریت، علاقه‌مندی خود را نشان می‌دهند. در حقیقت، یکی از ویژگی‌هایی که از سوی بسیاری از نویسندگان در مورد مدیریت‌های مختلف منابع انسانی از ظهور اولیه آن برای مدیریت کارکنان پیشنهاد شده است، مربوط به عملکرد کارکنان است. بنابراین، ممکن است دستیابی به مدیران علاقه‌مند و توانا برای محاسبه هزینه جایگزین نسبتاً آسان باشد اما، مشکل این است که، چگونه می‌توان به چنین مدیرانی برای عملی کردن روش بسیار پیچیده الگوی پاداشهای تصادفی یا شبیه آن دست یافت.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با آنکه تمایز بین نگرشهای

تجویزی و توصیفی به منظور مطالعه مدیریت توضیح داده شده عقیده بر این است که هر دو نگرش سهم مفیدی در رشته مدیریت دارند. بخصوص باید توجه کرد که نگرشهای تجویزی نباید با نگرشهای توصیفی همراه با کیفیت پایین اشتباه شوند و در حالی که نگرش توصیفی مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد، در تحقیقات مدیریت نگرش تجویزی از مکانی با ارزش برخوردار است. به هر ترتیب، همراه با توسعه و گسترش نگرشهای تجویزی مشکلات خاصی وجود دارد زیرا، اغلب تصفیه آنها در غیاب کاربردهای عملی که در دسترس هستند و برای تحلیل‌های تجربی به کار می‌روند، ناممکن است.

حسابداری منابع انسانی نمونه‌ای است از یک چنین نگرش تجویزی در مدیریت که برای سالها در دسترس بوده است. به هر ترتیب، هنوز یک مانع اصلی برای کاربرد عملی الگوی ارزشگذاری پاداشهای تصادفی، پیچیده‌ترین الگو برای محاسبه ارزش پولی کارکنان وجود دارد، این مانع یا اشکال مربوط به اندازه‌گیری ارزش موقعیتهای خدمتی خواه از طریق روش قیمت - کمیت و خواه از طریق روش درآمد است. فلیم هولتز پیشنهاد کرده است که، الگوی هزینه جایگزین ممکن است یک معیار اندازه‌گیری جانشین برای ارزش موقعیتهای خدمتی ارائه کند اما، از دیدگاه نظری این مورد در غیر محتمل‌ترین شرایط است. آنچه مورد نیاز است این است که، روشی برای آزمون خواه عملی و خواه نظری استفاده از الگوی هزینه جایگزینی ارائه شود تا بتوان یک معیار اندازه‌گیری جانشین را ارائه نمود. اگر این آزمون انجام شود، ممکن است اطلاعاتی تهیه گردد که بتواند برای ارزیابی و احتمالاً تصحیح الگوهای تجویزی نظریه‌پردازان اولیه

حسابداری منابع انسانی نیز به کار رود. اما، سنجش معیارهای اندازه‌گیری بدون وجود فرم اصلی که با آن مقایسه شود، غیرممکن است و در غیاب هر یک از الگوهای عملی ارزشگذاری پاداشهای تصادفی، چنین فرمهایی برای مقایسه وجود ندارند. بنابراین، در غیاب هر یک از الگوهای عملی ارزشگذاری پاداشهای تصادفی، تعیین میزان برابری معیار جانشین کاملاً یک ادعا را مطرح می‌کند.

بی‌نوشت

- 1- Prescription
- 2- Description
- 3- Descriptive vs Prescriptive
- 4- Truth vs Facts
- 5- Phenomenological
- 6- Positivist
- 7- Excellence Phenomenon
- 8- Genuine Prescriptive Theory
- 9- Optimizing behaviour
- 10- Economic cost models
- 11- Historic cost models
- 12- Replacement cost models
- 13- Stochastic reward valuation models
- 14- Total organizational models
- 15- A bidding model
- 16- Service states
- 17- Price-Quantity method
- 18- Income method
- 19- Surrogate measures

منابع

- 1- استاد فقید مرحوم کیا - منوچهر، تئوریهای مدیریت و مدل‌های سازمان، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ص ۴۶-۴۳.
- 2- Easterby-Smith, R. and Lowe, A., Management Research: An introduction, Sage, London, 1991.
- 3- Burrell, G. and Morgan, G., Sociological Paradigms and Organizational analysis, Gower, London, 1979.
- 4- Peters, T. and Waterman, R., In Search of Excellence, Harper and Row, London, 1982.
- 5- Guest, D, "Right Enough to Be Dangerously Wrong: An analysis of the in search of excellence phenomenon", in Salaman, G.d.), Human Resource strategies sage, London, 1992.
- 6- Mintzberg, H., "The Manager's job

Review, Vol. 46 No. 7, 1971.

16- Friedman, A. and Lev, B., "A surrogate measure for the firm's investment in human resources", Journal of Accounting Research, Autumn, 1974, pp. 235-50.

17- Pyle, W., "Monitoring Human Resources-On Line", Michigan Business Review, July, 1970, pp. 19-32.

18- Woodruff, R. in "Human Resource Accounting", Canadian Chartered Accountant, September 1970.

19- Flamholtz, E., describes the replacement cost model in "Human Resource Accounting: Measuring Positional Replacement costs", Human Resource Management, Spring 1973, pp. 8-16.

20- Flamholtz, E., "A model for Human Resource Valuation: A Stochastic Process with service rewards", Accounting review, Vol. 46 No. 2, 1971, pp. 253-67.

21- Jaggi, B. and Lau, A. proposed a variation of this approach in "Towards a Model of Human Resource Valuation" in the Accounting Review, 1974 with further refinement suggested by Lau and Lau[21].

22- Lau, A. and Lau, H., "Some proposed approaches to Writing off capitalized human resource assets", Journal of accounting research, Vol. 16 No. 1, 1978, pp. 80-102.

23- Hermanson, R., "Accounting for Human Assets", Occasional paper No. 14, east lancing, Bureau of business and economic research, Michigan state University, 1964.

24- Giles, W. and Robinson, D., Human Asset Accounting, IPM and ICMA, 1972.

Folklore and Fact", Havard Business review, July-August 1985.

7- Dublin, L. and Lotka, A., The money value of a man, the Ronald Press, 1930.

8- Guest, D., "Human Resource Management and Industrial Relations", Journal of management studies, Vol. 24 No. 5, 1987.

9- Hendry, C. and Pettigrew, A., "Human Resource Management: An Agenda for the 1990s", International Journal of Human Resource Management, Vol. 1 No.1, 1990.

10- Dawson, C., "The Moving Frontiers of Personnel Management: Human Resource Management or Human Resource Accounting", Personnel Review, Vol. 18 No. 3, 1989.

11- Over the years there have been a number of reviews of the subject of HRA; among the most informative are those by the American Accounting Association in the accounting review XL VIII, 1973, and the review by Craft and Birnberg [11].

12- Carft, J. and Birnberg, J., "Human Resource Accounting: Perspectives and Prospects", Industrial Relations, A Journal of Economy and Society, Vol, 15, 1976.

13- Human Resource Accounting: The Measurement of a person" CA Magazine in May 1980.

14- Flamholtz, E., Human resource Accounting, Jossey-Bass; Sanfrancisco, CA, 1985.

15- Lev, B. and Schwartz, A., "On the use of the economic concept of human capital in financial statements", The Accounting

آموزش کامپیوتر . سه ماه پشتیبانی . کارآفرینی مادام العمر

سیستم پرسیل و حقوق دستمزد آرک

آرک

شرکت آرک

آفرینش رایانه کیهان (سهامی خاص)

دفتر مرکزی : ۲۲۵۶۵۴۶

۲۲۵۰۱۸۳ - ۲۲۵۳۹۷۱

جناب آقای عبدالرحمن ندیمی بوشهری

انتصاب شایسته جنابعالی را به عنوان مدیریت عامل بانک صنعت و معدن تبریک عرض نموده توفیق حضرت تعالی را از ایزد منان خواستاریم.

شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران

ترازنامه، مظهر بنیادی ترین عناصر نظریه حسابداری

ترازنامه مظهر بنیادترین عناصر

نظریه حسابداری است که از آن بالضروره عناصر ذاتی گزارش سود و زیان مشتق شده‌اند.

گذشته و در منطق حسابداری سنتی با مالیات تعویقی به مثابه یک بدهی رفتار می‌شد. اما اگر سمت چپ ترازنامه به عنوان نمایی از وضع کنونی منابع وجوه، که از خارج تحصیل شده است، تلقی شود، آنگاه این استدلال رنگ می‌بازد و نامربوط می‌باشد. سوال باید این باشد: آیا مالیات تعویقی منبعی معنی دار از وجوه است تا بتوان آن را در سمت چپ ترازنامه افشا کرد؟

هیئت اصول حسابداری با حمایت از روش جامع تخصیص مالیات بر این دقیقه صحه گذارده است که مالیات تعویقی منبعی معنی دار از سرمایه است و وارد کردن آن در محاسبه سود گمراه کننده است.^{۴۱}

البته، در نهایت، مبلغ مالیات بردارآمد یا به عنوان مالیات بردارآمد تعویقی یا در قالب سودهای انباشته در سمت چپ ترازنامه نمایش داده می‌شود. اما هاوکینز به مدد استاندارد معنی داری و افشای منصفانه سرمایه به کار گرفته شده^{۴۲} استدلال می‌کند که "سرمایه انباشت شده در واحد اقتصادی (از محل تعویق در پرداختهای مالیات بردارآمد) باید جداگانه زیر عنوان منبع سرمایه به کار گرفته شده نمایش داده شود."^{۴۳} اما استدلال او نقیض قول خودش است. زیرا در واقع سرمایه‌ای که با معوق گذاردن پرداختهای مالیات بردارآمد انباشت می‌شود، منابع دیگری دارد. بنابراین مالیات منبعی برای انباشت سرمایه نیست.

وجوه بلامصرف ابدأ منبع وجوه نیست. اگر منابع وجوه حتی شامل چیزهایی شود که برای آنها وجوه صرف نشده است، در آن صورت طرحهای مخارج سرمایه‌ای توجیه‌ناپذیر نیز در زمره وجوه قرار دارد و

براساس استدلال هاوکینز سزاوار برخوردار از عنوان وجوه^{۴۴} هستند. در واقع امکان وجوب اینها را عقل نیز مردود می‌داند. افزون بر این بعید به نظر می‌رسد که استاندارد "معنی داری و افشای منصفانه سرمایه به کار گرفته شده"، که هاوکینز از آن دم می‌زند، از چنان نیرویی برخوردار باشد که بتواند تعیین کند کدام معامله را باید در محاسبه سود وارد کرد و کدام را باید در ترازنامه در زیر سر فصل منبع سرمایه به کار گرفته شده بازتاب داد. به عنوان مثال، هاوکینز می‌گوید گستره رویکرد وجود می‌تواند تا آنجا وسعت یابد که سود قراردادهای فروش و پس اجاره^{۴۵} را شامل شود. با این تغییر، تکلیف سود فروش داراییها چه می‌شود؟ آیا فقط سود غیر عملیاتی منبع وجوه است یا این که تمام درآمد فروش دارایی منبع وجوه است؟

مشاهدات حاکی از آن است که فقط ترازنامه روز آغازین واحدهای اقتصادی تازه تاسیس یافته معرف گزارش دقیق وجوه است. "به محض این که اندکی از شروع عملیات بگذرد به همان اندازه نیز ترازنامه کارکرد خود را به مثابه گزارش وجوه ایستا از دست می‌دهد"^{۴۶}، (و هر قدر در طول زمان جلو برویم، این کارکرد ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود، البته مشروط بر این که ترازنامه فقط به منزله صورتی از وجوه ایستا تلقی شود و کارکرد دیگری برای آن متصور نباشد).

با این که برای بعضی مقاصد برابر نهادن واژه وجوه برای داراییها مفید است، ولی جای تاسف دارد که وجوه، واژه‌ای که عادتاً آن را مترادف نقد و سرمایه در گردش به کار می‌بریم، گستره معنی‌اش تا به این حد وسیع باشد. حتی اگر واژگان وجوه و داراییها را دقیقاً مترادف بپنداریم، باز هم تلاش برای تاویل و تفسیر ماهیت بدهیها به مثابه منبع بهترین گواه انحراف از مفهوم وجوه و بدترین مغلطه است.

ترازنامه، فقط به طور تصادفی، منابع داراییهای موجود را گزارش می‌کند. با وجود این، چنانچه پنداشته شود که ترازنامه منابع تمام داراییهای موجود را گزارش می‌کند، بدون شک پنداری غلط است. غالباً خاستگاه بدهیها معاملاتی است که به هیچ روی منبع وجوه نیستند. برای مثال، هیچ یک از اقلام بدهکار معوق مانند دستمزد معوق، بهره معوق و مالیات بردارآمد معوق را نمی‌توان منبع وجوه تعریف کرد. در "صورت منابع و مصارف سرمایه در گردش"، سود تقسیمی نقدی اعلام شده را به عنوان مصرف گزارش می‌کنند؛ بدهی است که چون سود تقسیمی نقدی اعلام شده یک بدهی ایجاد می‌کند بنابراین نمی‌توان آن را منبع وجوه دانست، چنانچه در جستجوی منبع دارایی جدیدی هستیم، احتمالاً باید از اعلام سود تقسیمی که ملازم افزایش در مبلغ سود تقسیمی پرداختنی است قطع امید کنیم. افزون بر این مدافعان این رویکرد خود نیز بدهیهای برخاسته از دعاوی قانونی، مانند دعاوی ضد تراست را منبع وجوه نمی‌دانند.

سرانجام مسئله مربوط بودن به میان می‌آید. به فرض آن که ترازنامه بتواند وجوه موجود و منشا آن را در برشی از زمان گزارش کند، در آن صورت این سوال به میان می‌آید که این اطلاعات به چه کار خواهد آمد؟ تاکنون به وفور درباره مصارف بالقوه جریانهای وجوه (منابع و مصارف وجوه در یک دوره زمانی) اظهار نظر شده است. برای مثال، هیئت مدیره فدراسیون تحلیلگران مالی^{۴۷} از انتشار گزارش منابع و مصارف وجوه در قالب گزارش سالانه پشتیبانی کرده می‌گوید: "تحلیل جریان وجوه گذشته و آتی بینشی ژرف درباره موضوعاتی چون (۱) سیاست تقسیم در آینده، (۲) تامین مالی مخارج سرمایه‌ای و تصمیم‌گیری درباره صدور اوراق بهادار استقراری یا سرمایه‌ای، و (۳) توانایی

برآوردن الزامات قراردادهای استقراری، بدست می‌دهد^{۴۸}. آیا این موارد به جریان وجوه مربوطند؟ این اهداف را نمی‌توان با اندازه‌گیری منابع داراییهای خاص در برشی از زمان تحقق بخشید. بر این اساس مربوط بودن ترازنامه به مثابه گزارش وجوه ایستا به هیچ روی محرز نیست.

رویکرد وضعیت مالی

چنانچه ترازنامه به مثابه گزارش وضعیت مالی تلقی شود، آنگاه بنیادی‌ترین عناصر نظریه حسابداری تجسم می‌یابد و در عین حال اطلاعاتی مفید در سمت چپ آن به نمایش گذاشته می‌شود. اما ساختار نظری ترازنامه با مفهوم هویت^{۴۹} (شخصیت) آغاز می‌شود.

مفهوم هویت یکی از اصیل‌ترین عناصر نظریه حسابداری است. در وادی حسابداری، هویت را می‌توان حوزه‌ای از سهم اقتصادی فرد یا گروهی خاص^{۵۰} تعریف کرد، هیچ یک از دو گزارش سود و زیان و گزارش وضعیت مالی از توجیه منطقی برخوردار نخواهد شد، مگر آن که در بادی امر هویت را برای جایی که نیاز به حسابداری مخصوص و بالطبع تهیه این گزارشها دارد، تحدید کنیم.

در مرتبه بعد، ابتدا مفاهیم دارایی و بدهی از مفهوم هویت ریشه می‌گیرند (داراییها منافع اقتصادی آتی منتظره یا حقوقی هستند که یک هویت در اثر معاملات گذشته تحصیل کرده است، و بدهیها معرف تعهدات آن هویت برای واگذاردن داراییها یا ارائه خدمات هستند که از معاملات گذشته برخاسته‌اند و باید در آینده تسویه گردند^{۵۱}). به محض تعریف و تحدید یک هویت می‌توان برای حسابداری داراییها و بدهیهای آن اندیشه کرد.

در مرتبه دوم، مفاهیم حقوق مالی مالکان (یا داراییهای خالص) و سود از مفهوم شخصیت ریشه می‌گیرند (حقوق مالی مالکان، سهم آخرین گروه از داراییهای یک هویت است. و مفهوم سود دلالت بر تغییر در داراییهای خالص آن هویت در


خلال یک دوره زمانی معین دارد، با این فرض که هیچ سرمایه‌گذاری جدیدی را مالکان انجام ندهد باشند و نیز هیچ گونه دارایی بین آنها توزیع نشده باشد^{۵۲}). البته برای اندازه‌گیری این مفاهیم، سیستمهای بالقوه و در عین حال گوناگون وجود دارد: مانند بهای سرمایه‌گذاری انجام شده برحسب تعداد پول (ریال)، بهای سرمایه‌گذاری انجام شده برحسب قدرت خرید پول (ریال)، بهای جاری جایگزینی معادل یا پتانسیل خدماتی، بهای جاری جایگزین‌سازی دارایی مشابه، معادل نقد جاری و نظایر آن. از این میان، هر سیستمی که برگزیده شود، باز هم اندازه‌گیری سود در گرو اندازه‌گیری داراییهای خالص است و اندازه‌گیری داراییهای خالص نیز به اندازه‌گیری داراییها و بدهیها وابسته است.

براساس این رویکرد، تمام معاملات از حیث اثرشان بر داراییها، بدهیها و حقوق مالی مالکان تحلیل می‌شوند. بنابراین برای اندازه‌گیری سود نیازی به حسابهای درآمد و هزینه نیست، زیرا حسابهای درآمد و هزینه فقط اطلاعات کمکی (معین) اضافی درباره تغییرات حقوق مالی مالکان بدست می‌دهد، درست مانند حسابهای مشتریان که اطلاعات کمکی (معین) درباره رقم حسابهای دریافتنی به دست می‌دهد. این دقیقه چیزی از بار اطلاعاتی حسابهای درآمد و هزینه نمی‌کاهد. درآمد و هزینه اطلاعاتی درباره ماهیت و میزان فعالیتهای عملیاتی گوناگون، که داراییها، بدهیها و حقوق مالی مالکان را تغییر داده‌اند، بدست می‌دهد و قویاً در پیش‌بینی نتایج عملیات آینده مفید است.

رویکرد وضعیت مالی نمی‌تواند تمام مسائل، گفت و شنیدها و مشاجرات پیرامون تحلیل مسائل حسابداری را حل و فصل کند. اما به یقین تعداد گزینه‌های در خور انتخاب را محدود می‌کند و از همه مهمتر حل مسائل حسابداری را بر پایه مفاهیم بنیادین، که در ترازنامه تجلی و تجسم می‌یابند، بنا می‌گذارد. در نتیجه این رویکرد به جای دلیل تراشی‌های نوظهور و

آموزش محدود . سه ماه پشتیبانی کارآختی مادام العمر

سیستم فروش و حسابداری فرانش آرک



شرکت آرک

آفرینش رایانه کیهان (سهامی خاص)

دفتر مرکزی : ۲۲۵۶۵۴۶

۲۲۵۰۱۸۳ - ۲۲۵۳۹۷۱

- 24- Pual Grady, Inventory of Generally Accepted Accounting Principles for Business Enterprises, ARS7 (New York: AICPA, 1965), P. 74
- 25- Hylton, P.824
- 26- Sale and Leasback Contracts
- 27- Parent company
- 28- for example, Leonard E. Morrissey, "Contemporary Accounting Problems" (Englewood Cliffs, N.j.: Prebtuce Hall 1963), PP.4, 44; Myren J. Gordon and Gordon Shillinglow, "Accounting- A Management Approach", 4th ed. (Home wood I11. Ricahrd D. Irwin, 1969), pp. 23, 497; Robert N. Anthony, "Management Accounting- Tests and Cases", 4th ed. (Home Wood- I11: Richard D. Irwin, 1970), pp. 45, 325; Harold Bierman, Jr, and Allan R. Drebin, Financial "Accounting: An Introduction", (New York: Macmillan Co, 1968), p.21
- 29- Raymond B. Marpel
- 30- Statement of the sources and composition of company capital
- 31- Raymod P. Marple, "The Balance Sheet. Capital Sources and Composition", The Journal of Accountancy (Nov, 1969), p. 58
- 32- Louis Goldberg
- 33- Commander theory
- 34- stewardship
- 35- Louis Golgberg, An Inquir into the Nature of Accounting (Evanston I11; AAA, 1965), pp. 170-71
- 36- dividend
- 37- reinvestment
- 38- David F. Hawkins, "Deferred Taxes: source of Nonoperating Funds" Financial Executes (Feb, 1969)
- 39- David F. Hawkins, "controversial accounting change", Harvard Business Review (MAR-APR. 1968) p.2
- 40- Comprehensive allocation of Taxes Method
- 41- "Controversial Accounting Changes", p. 30
- ۴۲- یکی از استانداردهایی که هیئت اصول حسابداری (APB) در بیانیه شماره ۴ خود برشمرده است.
- 43- "Controversial Accounting Changes", p. 32
- 44- Fund
- 45- "Controversial Accounting Changes", p. 30
- 46- Mourice Moonitz "Reporting on the flow of funds", The accounting review (July 1956), p.376
- 47- bord of directors of the Financial Analysts Federation
- 48- "News Report", The Journal of Accountancy", (June 1964), pp. 9- 10
- 49- entity concept
- 50- 1964 concepts and standards Research Study Committee- the Business Entity Concept, "the Entity Concept", The Accounting Review (Apr. 1965), pp. 358- 67
- 51- Robert T. Sprouse and Maurice Moonitz, A Tentative set of Board Accounting Principles for Business Enterprises, ARB 3, (New York: AICPA, 1962)
- 52- ARB 3

اندازه رابطه داراییهای سیال و تعهدات فوری (یعنی تعهداتی که لزوماً از محل داراییهای سیال تسویه می‌شوند) را نشان می‌دهد. همه می‌دانیم که تا چه حد معنی و مفهوم نسبت جاری، نسبت سریع، نسبت بدهی به حقوق مالی مالکان، متوسط بهای سرمایه و دیگر نسبتها به طبقه‌بندی‌ها و بار معنایی اقلام ترازنامه بستگی دارد.

در ارزیابی وضعیت مالی، چنانچه تحلیلگر مالی به رویکرد مانده نامه روی آورد، آنگاه کاری پیچیده پیش روی دارد. زیرا براساس این رویکرد، ترازنامه محل دفن مانده‌هایی است که در اثر تصمیمات مدیریت و حسابدارها در گزارش سود و زیان جایی ندارند. در چنین وضعیتی تحلیلگر باید ترازنامه را برای تعیین داراییها و بدهیها باز طبقه‌بندی کند و مسلماً او در مقایسه با حسابداری که ترازنامه را تهیه کرده، اطلاعات کمتری در اختیار خواهد داشت.

پی‌نوشت

- 1- assertion
- 2- proposition
- 3- sheet of balances
- 4- static funds statement
- 5- statement of financial position
- 6- usefulness
- 7- AICPA, Committee on terminology, review and resume, Accounting Terminology Bultain no.1 (Newyork, 1953), p-12.
- 8- Accounting Terminology Bultain no. 1.p.13
- 9- Accounting Terminology Bultain no. 1.p.13-14
- 10- Delmer P. Hylton "On Matching Revenue with Expense", The Accounting Review (oct, 1965), pp. 824-28.
- 11- W.A. Paton and A.C.Littleton," An Introduction to Corporate Accounting Standards", (Evanston, III.: AAA, 1940)
- 12- efforts and accomplishment
- 13- output
- 14- costs
- 15- Paton and Littelton , p.15.
- 16- differal
- 17- accrual
- 18- recognition
- 19- defferred charges
- 20- Paton and Littleton, p.16
- 21- John C. Burton, ed. Corporation Financial Reporting: Confiticts and Chalenges (Newyork: AICPA, 1969), pp. 49-50
- 22- tautoloogas
- 23- "Accounting for Income Tax", APB Opinion 11 (Newyork: AICPA, 1967). p. 169

توجه سلیقه‌های شخصی به‌پالودن مفاهیم بنیادین می‌پردازد.

از آنجا که گزارش وضعیت مالی بر آن است تا داراییها، بدهیها و حقوق مالی یک هويت را خلاصه‌وار بیان کند، بنابراین ترازنامه دلالت برگزاشی مستند از فعالیتهای اقتصادی دارد که خود مستقلاً اطلاعاتی مفید فراهم می‌کند. وضعیت مالی یک هويت اقتصادی رابطه بین ثروت موجود و تعهدات آن هويت را (که مستلزم انتقال ثروت در آینده است) نشان می‌دهد. در صورت وضعیت مالی، ثروت ضرورتاً به داراییهایی محدود می‌شود که بر اثر معاملات گذشته تحصیل شده‌اند، مشروط بر آن‌که توانایی ایجاد منافع اقتصادی آتی را دارا باشد. همچنین در صورت وضعیت مالی، بدهیها به تعهداتی محدود می‌شود که در اثر معاملات گذشته ایجاد شده‌اند. مفهوم بدهیها در گرو انتقال ثروتی است که به تسویه آنها می‌انجامد. به جرات می‌توان گفت در حال حاضر گزارشهای مالی که برای بستنکاران و سهامداران کنونی و بالقوه تهیه می‌شوند، درصددند تا اطلاعاتی درباره دو مسئله مهم و حساس بدست دهند: سودآوری و ریسک. بنا بر سنت، گزارش سود و زیان منبع اصلی اطلاعات درباره سودآوری و ترازنامه منبع اصلی اطلاعات ریسک است. و با وجود این، ارتباط بین این دو گزارش ناگسستنی است. در واقع سودآوری را نمی‌توان بدون توجه به داراییهایی که برای ایجاد سود به کار رفته‌اند، ارزیابی کرد. و ریسک را نیز نمی‌توان بدون توجه به نتایج مورد انتظار از عملیات شرکت سنجید. دو شرکت که دارای جریانهای سود یکسان هستند لزوماً قدرت سودآوری یکسان ندارند و دو شرکت که از وضعیت مالی یکسان برخوردارند، ضرورتاً در معرض ریسک یکسان قرار ندارند.

طبقات ترازنامه - بویژه طبقه جاری در مقایسه با غیرجاری - و نیز کاربست نسبتهای مالی برای تحلیل گزارشهای مالی غالباً در رابطه با وضعیت مالی نمود و معنی می‌یابد. برای مثال، نسبت جاری

حسابداری قیمت تمام شده نوین

خواهد داشت. هدف حسابداری قیمت تمام شده نوین در هم آمیختن و هماهنگ کردن خط‌مشی‌های تولید صنعتی و کسب و کار^{۲۲} خواهد بود.

بی‌نوشت

- 1- Modern cost accounting
- 2- Manufacturing
- 3- Double Entry System
- 4- Industrial revolution
- 5- Cost accounting
- 6- Primitive cost accounting
- 7- Financial information

۱- توسعه یک رشته اصول مدیریتی مبتنی بر بررسی پیوسته و به قاعده عملیات تولید آن که از فریدریک وینسلو (Fredric Winslow) در ایالات متحده در سالهای نخست قرن بیستم شروع شد. این اصول عبارتند از: ۱- عملیات گوناگون که به وسیله کارمندان صورت می‌گیرد باید به طرز علمی بررسی شود.

۲- همکاری میان مدیریت و کارمندان باید وجود داشته باشد.

۳- کارگران باید در آن گونه کارها استخدام شوند که برای آن مناسب‌ترند.

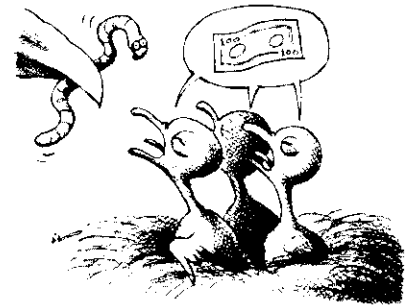
- 9- Over head
- 10- Direct wages
- 11- Teraditional cost accounting
- 12- Governmental accounting
- 13- Cam - I Computer - aided manufacturing international
- 14- Knowledge revolution
- 15- Economic modern philosopha
- 16- Direct material
- 17- Direct hours
- 18- Variable cost
- 19- Total product expense
- 20- Activity - based costing
- 21- Productivity
- 22- Business

منابع

۱- مصطفی علی‌مدد و نظام‌الدین ملک‌آرایی، اصول حسابداری (۱)، انتشارات سازمان حسابرسی، چاپ هفتم، ۱۳۷۵، تهران با تلخیص و تغییر

۲- پیتر فردیناند دراگر، مدیریت آینده، ترجمه دکتر عبدالرضا رضائی‌نژاد، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم، ۱۳۷۵، تهران، با تلخیص و تغییر فراوان

۳- پیتر فردیناند دراگر، چالش‌های مدیریت در سده ۲۱، ترجمه محمود طلوع، موسسه فرهنگی رسا، چاپ اول ۱۳۷۸، تهران



بسیاری تمام نمی‌شد.

در واقع یکایک این تبلیغات، منجر به افتری شدید در موقعیت بازار آنها گردید. منتهی نه هزینه‌های آن معاملات ویژه، و نه بازدهی منفی آنها، هیچ یک در ارقام حسابداری قیمت تمام شده سنتی شرکتها، خود را نشان نداد، از این رو مدیریت هم هرگز خسارات ناشی از آنها را نفهمید. از آنجا که ژاپنیها، از نوعی هزینه‌یابی مبتنی بر فعالیت استفاده می‌کردند، هر چند نوعی نسبتاً ابتدایی بود - تویوتا (TOYOTA)، نیسان (NISSAN)، هوندا (HONDA) عاقلتر از آن بودند که از طریق شدید رقابتی و تحقیقی، با خودروسازان امریکایی، به رقابت برخیزند و بدین صورت، هم سهم بازار خود و هم سطح درآمد و سود خود را حفظ کرده‌اند.

اهمیت حسابداری قیمت تمام شده

حسابداری قیمت تمام شده، پایه سوم یک سه پایه است. دو پایه دیگر مدیریت علمی و خط مونتاژ هستند که تولید صنعتی بر آنها استوار است. بدون کمک حسابداری قیمت تمام شده این دو عامل هرگز نمی‌توانند موثر باشند.

هدف حسابداری قیمت تمام شده نوین

حسابداری قیمت تمام شده نوین که شایسته‌تر است اقتصاد صنعتی نامیده شود، در اصل خود به گونه‌ای انقلابی با حسابداری قیمت تمام شده سنتی تفاوت

آموزش تخصصی دوره سه ماه پشتیبانی کارآفرینان مادام‌العمر

سیستم حسابداری هلی آرک

شرکت آرک

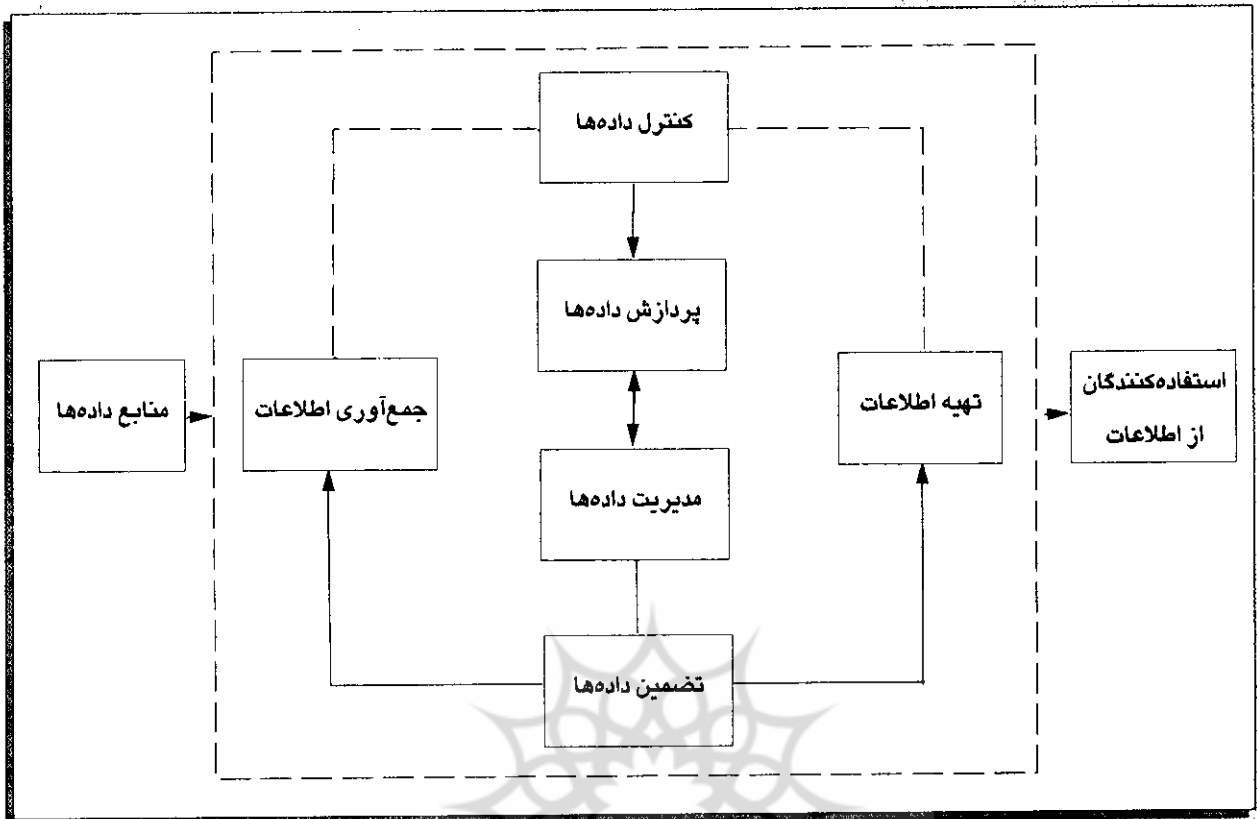
آفرینش رایانه کیهان (سیاس‌خاص)

دفتر مرکزی: ۲۲۵۶۵۴۶

۲۲۵۰۱۸۳ - ۲۲۵۳۹۷۱

نظری اجمالی بر سیستمهای اطلاعاتی حسابداری

شکل ۵- سیستم اطلاعات



حوزه مسئولیت خود روش مطالعه و ارزیابی آنان متفاوت است.

حوزه مسئولیت حسابداران در شرایط کنونی شش حوزه فرض شده است که عبارتند از:

- حسابداری مالی؛
- حسابداری مالیاتی؛
- حسابداری صنعتی؛
- مدیریت حسابداری؛
- حسابرسی؛
- توسعه سیستمها.

حسابداران مالی: هدف عمده حسابداری مالی تهیه و ایجاد اطلاعات دفترداری است. حسابداری مالی ترازنامه، صورت سود و زیان و گردش وجوه نقد و دیگر صورتهای مالی را برای استفاده‌کنندگان گوناگون ارائه می‌دهد.

استفاده می‌کنند. بعضی از سیستمها در موسسات غیرانتفاعی و بعضی در موسسات بازرگانی استفاده می‌شوند، یک کلیسا تنها یک سیستم پردازش یک طرفه دارد و اطلاعات نهایی آن صورت دریافتها و پرداختهای صندوق آن است. (شکل ۵)

نقش حسابداران در ارتباط با سیستم اطلاعاتی حسابداری

حسابداران اصولاً در فعالیتهای حرفه‌ای‌شان با سیستمهای مختلفی برخورد می‌کنند، بنابراین می‌توانند با مطالعه گسترده در زمینه مفاهیم و کاربردهای سیستمهای حسابداری پیشرفته امروز منافع بسیار عظیمی را کسب کنند.

طراحان و ارزیابان سیستمهای حسابداری، حسابداران هستند و با توجه به

کنترل و تضمین داده‌ها به منظور اطمینان از صحت و درستی داده‌هاست. برای این فعالیت از روشهای گوناگونی استفاده می‌شود. یک نمونه از این روشها شامل اعتبار بخشیدن و اثبات کردن داده‌ها با بررسی و کنترل اسناد و مدارک اولیه داده‌هاست و اصولاً بخشی از کنترل داخلی حسابداری نیز شامل همین کنترل و بررسی اسناد و مدارک اولیه جهت اعتبار بخشیدن به داده‌هاست.

تولید اطلاعات شامل مراحل زیر است:

- پردازش اطلاعات به‌عنوان تفسیر؛
- تعبیر و گزارشگری اطلاعات.

سیستمهای پردازش اطلاعات در موقعیتهای گوناگون دارای تفاوتی محسوسی هستند. بعضی از پردازشهای دستی، و بعضی از پردازشهای رایانه‌ای

حسابداران مالی از سیستم اطلاعاتی حسابداری به منظور پردازش داده‌های زیربنایی صورتهای مالی استفاده می‌کنند.

حسابداران مالی به منظور اطمینان از تهیه صورتهای مالی طبق اصول متداول پذیرفته شده حسابداری، سیستم اطلاعاتی حسابداری را همواره ارزیابی می‌کنند. برای مثال تغییر ارزیابی موجودی کالا از روش اولین صادره از اولین وارده^۵ به اولین صادره از آخرین وارده^۶ ممکن است نتیجه ارزیابی و پیشنهاد آنان باشد.

متخصصان مالیات: هدف متخصصان مالیاتی تهیه و آماده کردن (محاسبه) درآمدهایی است که تعهدات مالیاتی را منعکس می‌کند.

متخصصان مالیاتی نیز همواره از سیستم اطلاعاتی حسابداری در جهت تهیه درآمد مالیاتی و به دست آوردن اطلاعاتی جهت برنامه‌ریزی استفاده می‌کنند و همانند حسابداران مالی با توجه به اطلاعات به دست آمده بخشی از سیستم اطلاعاتی حسابداری را ارزیابی کرده و پیشنهاداتی را ارائه می‌دهند. مثلاً هنگام تغییر قوانین مالیاتی، لازم است آنان پیشنهادات ضروری را جهت تطبیق سیستم اطلاعاتی حسابداری با قوانین جدید ارائه دهند.

دیگر حسابداران و حسابرسان نیز همچون حسابداران صنعتی و مدیریت و یا حسابرسان مستقل و داخلی از سیستم اطلاعاتی حسابداری جهت به دست آوردن اطلاعات مورد نیاز خود و ارائه به مدیریت و یا سایر استفاده‌کنندگان بهره می‌گیرند و در این فرایند همواره با ارزیابی سیستم اطلاعاتی حسابداری پیشنهادهای اصلاحی خود را ارائه می‌دهند.

در نهایت گروه آخر توسعه‌دهندگان سیستمهای حسابداری هستند که دارای تحصیلات مختلف دانشگاهی‌اند، از جمله رشته‌های کامپیوتر، مهندسی صنایع و دیگر

رشته‌های مرتبط. توسعه‌دهندگان سیستمها نیز می‌توانند از درون خود شرکت باشند و به‌عنوان کارمندان رسمی آن سازمان محسوب شوند و یا اینکه مشاوران سیستم باشند، اینان بیشتر همکاران حسابرسان مستقل و یا مشاوران مالیاتی در موسسات حسابداری و حسابرسی هستند. استفاده از تخصص افرادی که در رشته حسابداری تحصیلات دانشگاهی دارند در گروه تهیه سیستمها لازم و ضروری است و همواره این گروهها دارای چندین متخصص حسابداری هستند.

خلاصه کلام اینکه سیستم اطلاعاتی حسابداری به‌عنوان بخشی از سیستم اطلاعاتی مدیریت همواره بیشترین بار اطلاعاتی را به مدیریت جهت اجرای وظایف برنامه‌ریزی، کنترل و سایر وظایف وی ارائه می‌دهد، ارائه‌دهندگان این اطلاعات حسابداران هستند که با استفاده از سیستم اطلاعات حسابداری، داده‌ها را پردازش کرده و اطلاعات مورد تقاضا را به مدیریت و سایر استفاده‌کنندگان ارائه می‌دهند. (شکل ۶)

یک سیستم اطلاعاتی حسابداری که به‌خوبی طراحی شده باشد می‌تواند اطلاعات مفید و سودمندی را ارائه دهد و توانایی ارائه اطلاعات را در هر زمان و با قابلیت اتکا و اطمینان بالا داشته باشد. بنابراین آشنایی حسابداران (در کلیه سطوح) با سیستمهای حسابداری و نظریه‌های (تئوری) آن می‌تواند کمک فراوانی را در ایجاد یک سیستم اطلاعاتی حسابداری ارائه دهد، زیرا آنان همواره سیستم را ارزیابی کرده و پیشنهادات اصلاحی خود را ارائه می‌دهند.

و با این توضیحات مطالعه سیستمهای حسابداری برای دانشجویان و دیگر کسانی که با این سیستمها در

آموزش محدود . سه ماهه تخصصی

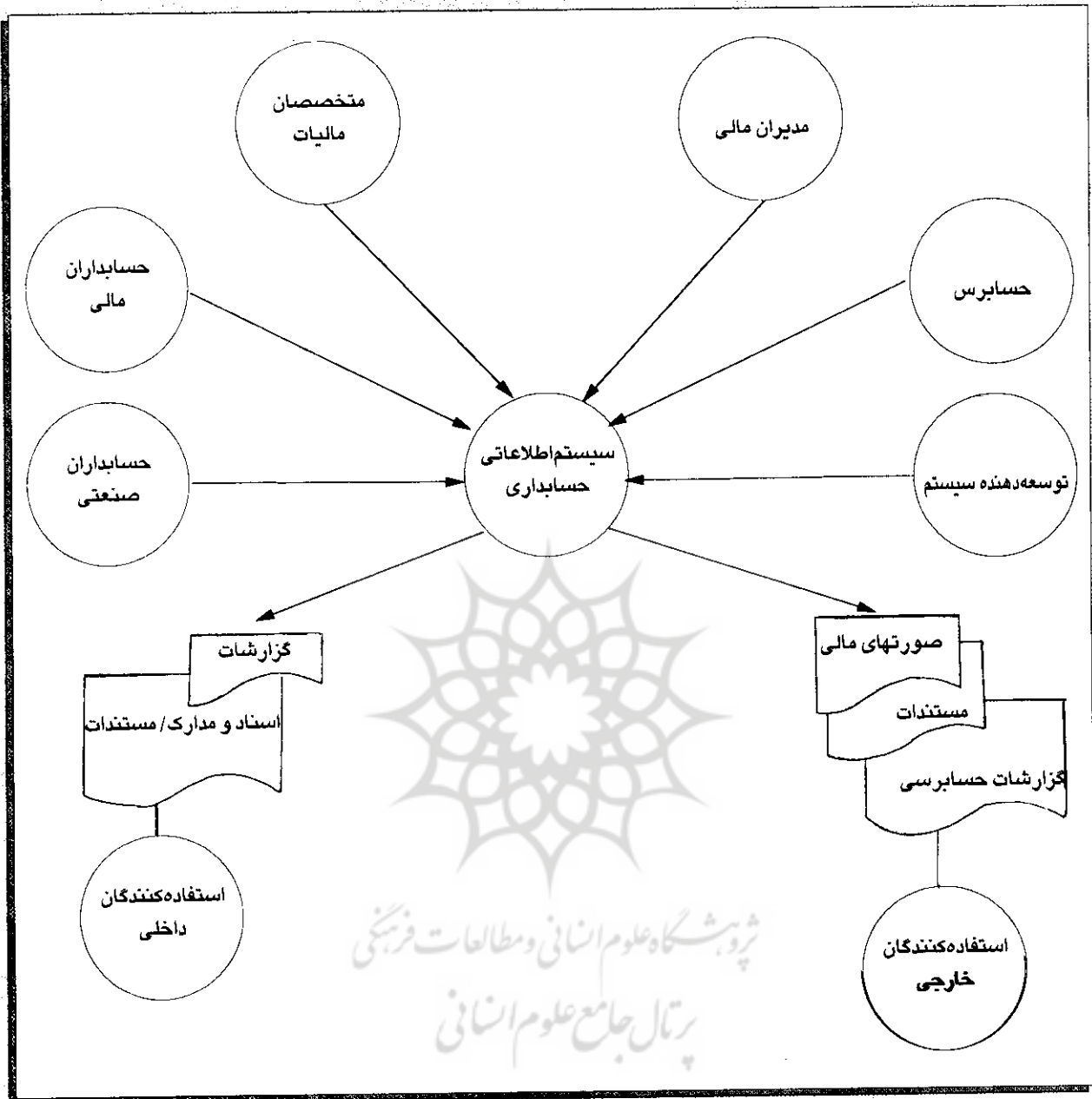
سیستم اطلاعات حسابداری

آرک

شرکت آرک

آفرینش رایانه کیهان (سهام خاص)
دفتر مرکزی : ۲۲۵۶۵۴۶
۲۲۵۰۱۸۳ - ۲۲۵۳۹۷۱

شکل ۶- نقش حسابداران و سیستم اطلاعاتی حسابداری



تابستان ۱۳۷۰، دانشکده علوم اداری و مدیریت
بازرگانی دانشگاه تهران
۳- رضائیان علی، "سیستم اطلاعاتی مدیریت"،
دانش مدیریت شماره ۱۱، زمستان ۱۳۶۹، دانشکده
علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران
۴- فخاریان ابوالقاسم، "کارکرد و مدیریت و
سیستمهای اطلاعاتی حسابداری" تدبیر، ماهنامه
ویژه مدیران، شماره ۵۸ سال ششم، آذرماه ۷۴،
سازمان مدیریت صنعتی

- 4- Transaction Processing System (TPS)
- 5- Fifo
- 6- Lifo

منابع

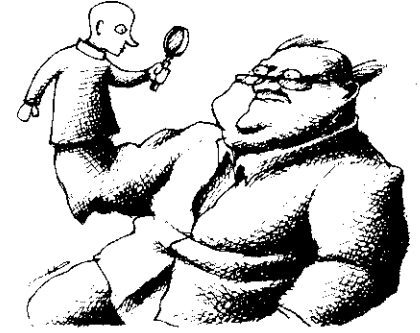
- 1- Wilkinson W. Joseph, Accounting information systems Essential concepts and applications Arizona state university
- ۲- طاهری، محمدرضا، "نقش اطلاعات حسابداری در تصمیمگیری"، دانش مدیریت، شماره ۱۳،

ارتباط هستند لازم و ضروری است زیرا
حسابداران حرفه‌ای آینده، دانشجویان
حسابداری امروز هستند.

پی‌نوشت

- 1- Accounting Information System (AIS)
- 2- Management Information System (MIS)
- 3- Sub system

نگاهی به تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت



می‌شود و در داخل یک محیط سازمانی انجام می‌شود، سود و هزینه به کارگیری فرایند حسابداری مدیریت بستگی به نحوه واکنش و چگونگی استفاده از برون‌داد^۹ این سیستم در آن محیط دارد. مدل نمایندگی شرکت، مبتنی بر توصیفی از رفتار افراد یک سازمان است^{۱۰}.

تئوری نمایندگی چارچوب تحلیل مفیدی را برای ارائه مدل درون‌زای سیستم حسابداری فراهم می‌کند. بدین لحاظ پژوهشگران حسابداری با به کارگیری این فرضیه، در ارزیابی یک سیستم حسابداری مدیریت موفق بوده‌اند.

اگرچه کاربرد تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت در اینکه چرا شرکتها باید از سیستم حسابداری مشخصی استفاده کنند، موفق بوده است ولی اینکه چگونه از سیستم حسابداری مدیریت استفاده کنند، موفقیتی کسب نکرده است، شاید ویژگی ریاضی‌مآبانه و پیچیده مدل فرضیه نمایندگی، پژوهشگران را از کاربرد جنبه‌های جالب و عملی حسابداری مدیریت و تحلیل خواص بهینه اعمال آن به صورت جدی و دقیق، بازداشته است.

لی (Lee, 1992) در رساله دکترایش مدل تئوری نمایندگی را در دو مقاله مهم حسابداری مدیریت یعنی تخصیص و تسهیم هزینه‌ها و قیمتگذاری انتقالی به کار برده و آنرا مورد بررسی و آزمون قرار داده است.

در بررسی انجام شده مشخص گردید که قرارداد بهینه با مدیر بخش (در قالب تئوری نمایندگی) منجر به افزایش درآمد و کاهش هزینه خدمات شرکت گردیده است.

یافته‌های تحقیق به شرح زیر است:

- تخصیص کمتر هزینه‌های غیرقابل کنترل خدماتی شرکت، تخصیصی بهینه و مناسب است؛
- هزینه خدمات کمتر می‌بایست متناسب با افزایش واریانس هزینه خدمات

حسابداری مدیریت یعنی تخصیص و تسهیم قیمت تمام شده^۵ و قیمتگذاری انتقالی^۶ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و چگونگی تخصیص هزینه‌های خدماتی بخشهای مختلف سازمان را به مدیر بخشی که کنترلی بر آن ندارد در قالب مدل رئیس و عامل مطرح گردیده است.

حسابداری سنجش مسئولیت تاکید دارد که هزینه‌های غیرقابل کنترل بخشهای دیگر، نباید به بخشی که مدیر آن بخش کنترلی بر آنها ندارد تسهیم و تخصیص یابد و مدیر یک واحد نیابستی در مورد هزینه‌هایی که خارج از کنترل اوست مورد ارزشیابی قرار گیرد. در حالی که بالعکس مشاهده می‌گردد که بسیاری از موسسات این هزینه‌های خدماتی کنترل‌ناپذیر شرکت را به مدیر بخش تسهیم می‌کنند در نتیجه مدیر را در معرض خطر اخلاقی^۷ قرار داده، ریسک غیرضروری را به مدیر تحمیل کرده و بهره‌وری نهایی^۸ سازمان را کاهش می‌دهند.

همانگونه که قبلاً مطرح شد تئوری نمایندگی به شرکت به چشم مجموعه‌ای از قراردادهای تنظیم شده بین عوامل اقتصادی نظیر سهامداران و مدیران و عوامل تحت امر آنها می‌نگرد.

بیمن (Baiman, 1982) اشاره می‌کند که تئوری نمایندگی چارچوب مفهومی مفیدی را برای ارزشیابی سیستم حسابداری مدیریت فراهم می‌کند. وی مطرح می‌سازد که: "از آنجا که اطلاعات حسابداری مدیریت از سوی افراد تهیه و استفاده

آموزش محدود . سه ماه پشتیبانی . کاراخری مادام العمر

سیستم پرسنلی و حقوق دستمزد آرک

ARCA

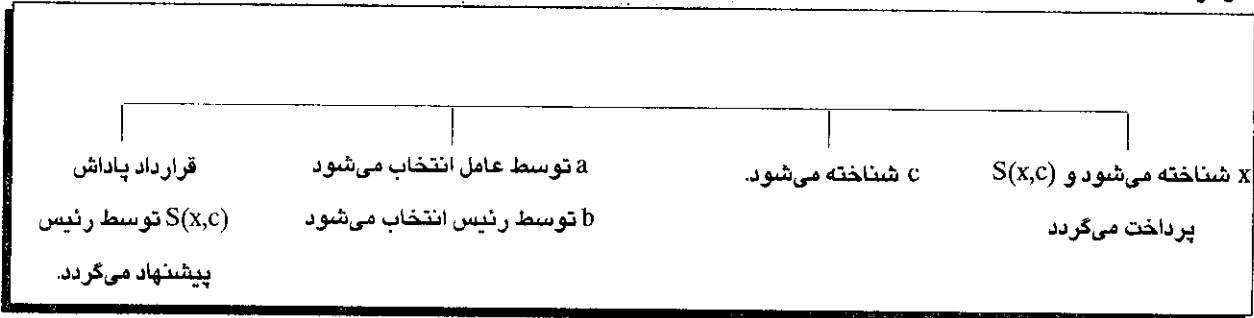
شرکت آرک

آفرینش رایانه کیهان (سهام خاص)

دفتر مرکزی : ۲۲۵۶۵۴۶

۲۲۵۳۹۷۱ - ۲۲۵۰۱۸۳

نمودار ۳



تخصیص یابد؛

● درجه تخصیص رابطه معکوسی با ریسک‌پذیری مدیر دارد.

در یک شرکت اطلاعات حسابداری مدیریت دو نقش را ایفا می‌کنند:

۱- اطلاعات حسابداری مدیریت می‌تواند جهت ارزشیابی عملکرد مدیران قسمتها مورد استفاده قرار گیرد که در این حالت شاهدیم که اطلاعات یاد شده مبنای قرارداد جبران^{۱۱} و پاداش قرار می‌گیرند.

۲- اطلاعات حسابداری مدیریت به منظور اصلاح و تجدید نظر در هدفها به کار می‌رود که در این حالت نیز شاهدیم که مدیران از اطلاعات ارائه شده به منظور تصمیم‌گیری‌های لازم در خصوص تعیین قیمت تولیدات در هر مرحله و تخصیص هزینه‌ها به تولیدات متنوع و نهایتاً تصمیم‌گیری در خصوص آن می‌پردازند.

تخصیص هزینه یکی از امور فراگیر حسابداری مدیریت است. در عمل موسسات هزینه‌های مختلفی همچون هزینه‌های ثابت، هزینه‌های مشترک و هزینه‌های عمومی را تخصیص می‌دهند. ونسیل (Vancil, 1979) که اطلاعات ۹۱ شرکت را مورد بررسی قرار داده دریافته که حداقل ۶۰ درصد موسساتی که مورد مطالعه قرار گرفتند، هزینه‌های خدماتی سازمان را به مدیران بخشهایی که هیچ کنترلی بر آنها ندارند، تخصیص داده‌اند. فرمجن و لियो (Fremgen & Lio, 1981)

به‌طور مستند بیان می‌دارند که ۸۴ درصد شرکت‌های مورد مطالعه، هزینه‌های خدماتی سازمان را بین بخشهای دیگر تسهیم کرده‌اند. ماتزو اسکوزن (Mautz & Skouswn, 1968) نیز نشان دادند که ۸۰ درصد موسسات موضوع تحقیق هزینه‌های خدماتی سازمان را بین بخشهای دوایر تسهیم کرده‌اند.

تخصیص هزینه‌های غیرقابل کنترل یکی از مواردی است که خوب درک نشده، چرا که به نظر می‌رسد با یکی از اصول مهم کنترل مدیریت یعنی حسابداری سنجش مسئولیت در تضاد است. با این تعبیر تخصیص هزینه‌های خدماتی غیرقابل کنترل، خدشه‌ای به حسابداری سنجش مسئولیت وارد می‌سازد.

تاکنون دو رشته مطالعات به منظور درک بهتر تخصیص هزینه‌ها صورت پذیرفته است.

۱- یک رشته از این تحقیقات براین موضوع تاکید دارد که یک موسسه برای دستیابی به اهدافش، چگونه هزینه‌ها را که منجر به رفتار غیرطبیعی و مخرب مدیران نیز نگردد - تخصیص دهد که بدین منظور از دو روش این مطالعه صورت پذیرفته:

الف) روش برنامه‌ریزی ریاضی - کاپلان و تامپسون (Kaplan & Thompson, 1971) و میلر و باکمن (Miller & Buckman, 1977)

ب) روشهای مبتنی بر تئوری بازیها -

جنسن (Jensen, 1977) لیتل چایلند و تامپسون (Littlechild & Thompson, 1977)

۲- رشته دیگر تحقیقات این سوال را مورد توجه قرار می‌دهد که: چرا یک موسسه هزینه‌های غیرقابل کنترل را در چارچوب مدل رئیس - عامل تخصیص می‌دهد. مدل یاد شده جهت تخصیص هزینه‌های غیرقابل کنترل در محیط‌های مختلف موفق بوده است.

دمسکی (Demski, 1976) نشان می‌دهد که یک رئیس ریسک‌گریز ممکن است به عامل براساس هزینه‌های غیرقابل کنترل غرامت بپردازد. زیرا که او می‌خواهد خطر ناشی از تصادفی بودن هزینه‌های غیرقابل کنترل را با عامل تقسیم کند. در مدل او تقاضا برای تخصیص هزینه‌های غیرقابل کنترل تنها به دلیل وجود رئیس ریسک‌گریز وجود دارد.

در یک محیط چند عاملی^{۱۱} سو (Suh, 1987) یک منطق و استدلال در خصوص تخصیص هزینه محصول نیمه ساخته را به مدیر بخش محصول نهایی ارائه می‌دهد. زمانی که احتمال همدستی و تبانی بین مدیران بخشها وجود دارد رئیس ممکن است هزینه محصول نیمه ساخته را به مدیر محصول ساخته شده تخصیص دهد. کسی که هیچ کنترل مستقیمی بر هزینه بخش محصول نیمه ساخته به منظور جلوگیری از تبانی ندارد.

و $Fa(x|a,b) = Fb(x|a,b)$ فرضیات نشان می‌دهند که تحقیق درآمد بیشتر مبتنی بر این است که a یا b بیشتر اتفاق بیفتد.

تحقق بالاتر c این مسئله را نشان می‌دهد که b بالاتر از سوی رئیس انتخاب شده است. این فرض منطقی است که تلاش مدیر بازاریابی (a) و کیفیت خدمات شرکت (b) هر دو ورودیهای مولد هستند و طبیعی است که هزینه بیشتر از کیفیت بیشتر خدمات ناشی خواهد شد.

بخاطر داشته باشید که اگر $x = a+b+\theta$ و $c = b + w$ باشد همچنین توزیع θ نرمال $N(0, \delta w^2)$ باشد و توزیع w نیز نرمال، a و b جایگزین کاملی برای فرض (و) خواهد بود.

لی (Lee, 1992) الترناتیوهای مختلف با فرضهای متفاوتی را مورد بررسی قرار داده است که برای بررسی و درک بیشتر خوانندگان را به اصل رساله ارجاع می‌دهم.

- 1- Principal
- 2- Agent
- 3- Price- Protected
- 4- Leveraged Buyout's
- 5- inter-diciplinary
- 6- Cost allocation
- 7- Transfer pricing
- 8- Moral hazard
- 9- Marginal productivity
- 10- out put
- 11- compensation
- 12- Multiple-agent

منابع

1. Jensen and Meckling, "Theory of the Firm" Managerial Behavior, Agency Cost and Ownership Structure", Journal of Financial Economics 3 (October 1976), pp. 305-360.
2. Lee, Kyung Tae, "Optimal Control System in Managerial Accounting" University of Rochester, 1992.
3. Wallace, W.A. "The Economic Role of the Audit in Free and Regulated Market". Rochester, N.Y: University of Rochester.
4. Watts and Zimmerman, "Positive Accounting Theory" University of Rochester, 1986.

به عمل آمد اداره مرکزی چگونگی تامین کیفیت خدمات سازمان را تعیین می‌کند. هزینه و درآمد با هم دیده می‌شوند. سپس مدیر بازاریابی در خصوص اینکه چقدر تلاش باید صرف شود تصمیم می‌گیرد با توجه به هزینه و درآمد به مدیر براساس قرارداد پاداش پرداخت می‌گردد. (نمودار ۳) فرض بر این است که رئیس ریسک‌پذیر باشد. و تابع مطلوبیت او صرفاً براساس درآمد تعریف شده باشد. و از طرفی θ و w با هم همبستگی داشته باشند. از طرفی فرض بر این است که در رابطه با ثروت و فعالیت متمایز از رئیس باشد. افزایش ثروت و ریسک‌پذیری به شکل زیر است:

$$\frac{\partial U}{\partial O} > 0 \quad \frac{\partial U}{\partial X} > 0$$

سعی و تلاش بیشتر عامل عدم مطلوبیت برای او دارد که به شکل $\frac{\partial U}{\partial O}$ نشان داده شده است.

رئیس و عامل هر دو مشترکاً ناظر بر هزینه‌ها و درآمدها هستند درک و مشاهده ناکافی هر یک منجر به اطلاعات نامتقارن می‌گردد. مشکل «رئیس» می‌تواند به عنوان یکی از ویژگیهای ساختاری قرارداد انگیزش تعیین شود $S(x,c)$ به عنوان توابع مشاهدات مشترک هزینه و درآمد است که مطلوبیت مورد انتظار رئیس را حداکثر می‌کند. به این ترتیب رئیس باید دریابد که اگر پاداش عامل کم باشد عامل ممکن است به استخدام دیگری در آید. بنابراین رئیس باید یک حداقل مطلوبیت مورد انتظار عامل را که خود می‌تواند بهترین گزینه بعدی باشد تضمین کند. (\bar{H}).

بنابراین فرضیات ذیل بنا نهاده شده:

- (الف) θ و w توزیعشان مستقل است.
- (ب) $Fa \frac{\partial(x|a,b)}{\partial F(x|a,b)}$ در x افزایش می‌یابد.
- (ج) $Fb \frac{\partial(x|a,b)}{\partial F(x|a,b)}$ در x افزایش می‌یابد.
- (د) $gb \frac{\partial(c|b)}{\partial g(c|b)}$ در c افزایش می‌یابد.
- (ه) $\int xfb(x|a,b)dx = \int cgb(c|b)dc$

یکی از هزینه‌های قابل توجه، هزینه بازاریابی است. چنانچه هزینه یاد شده در قالب مدل نمایندگی با قراردادی بهینه صورت پذیرد، منجر به افزایش درآمد و کاهش هزینه‌های خدماتی شرکت می‌گردد. به منظور ایجاد انگیزه برای انتخاب صحیح کیفیت خدمات در قالب قرارداد چنانچه مدیر بازاریابی درآمد بهتری ایجاد کند باید به او پاداش بیشتری پرداخت گردد. بالعکس چنانچه کیفیت خدمات متناسب با هزینه صورت یافته کمتر باشد، جریمه‌ای منظور شود.

در مدل ارائه شده توسط لیو فرض شده که موسسه‌ای از یک رئیس و یک عامل برای برخی از فعالیتهای مولد تشکیل شده است رئیس در این مدل اداره مرکزی فرض شده و عامل به عنوان مدیر بخش بازاریابی، برخلاف شکل استاندارد مدل نمایندگی که رئیس حق داشتن عملیات مولد را ندارد، رئیس در این مدل اقداماتی می‌کند که بر احتمال وقوع درآمد تاثیرگذار است.

درآمد به این شکل تعریف شده:

$$x = X(a,b,\theta)$$

که در آن:

- a عملکرد مدیر بازاریابی (عامل)
- b کیفیت خدمات شرکت
- θ تاثیر عوامل محیطی بر درآمد
- فرض بر این است که x رابطه مثبتی با a و b دارد.

هزینه خدماتی شرکت بدین شکل تعریف شده:

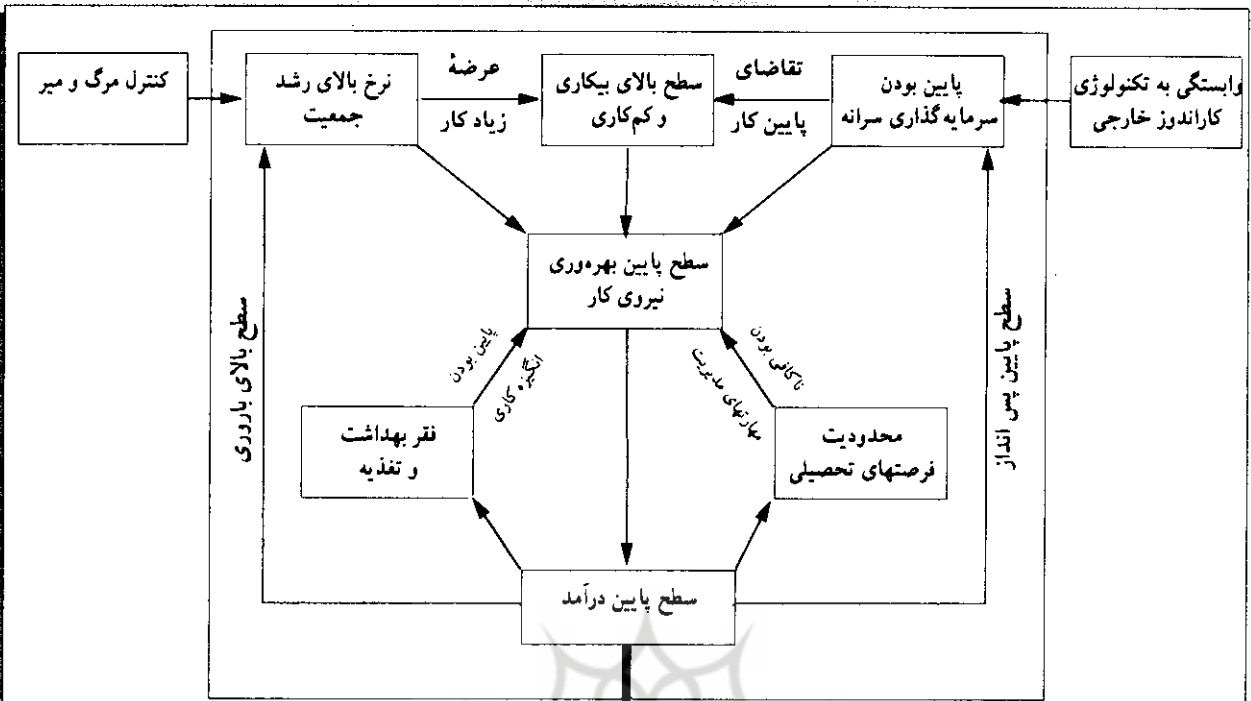
$$c = C(b,w)$$

که در آن:

- b کیفیت خدمات شرکت
- w تاثیر عوامل محیطی بر هزینه
- از آنجا که اداره مرکزی کیفیت خدمات سازمان را انتخاب می‌کند "b" برای مدیر بازاریابی یک هزینه غیرقابل کنترل است. توالی اتفاقات به شرح ذیل است: بعد از اینکه در مورد یک قرارداد توافق

بازار سرمایه راه حل بلندمدت کاهش ناهنجاریها

نمودار ۴- ناهنجاریهای ناشی از گسترش بیکاری و کم‌کاری



M.Todaro, Economic Development In the Third World (1981)

مأخذ

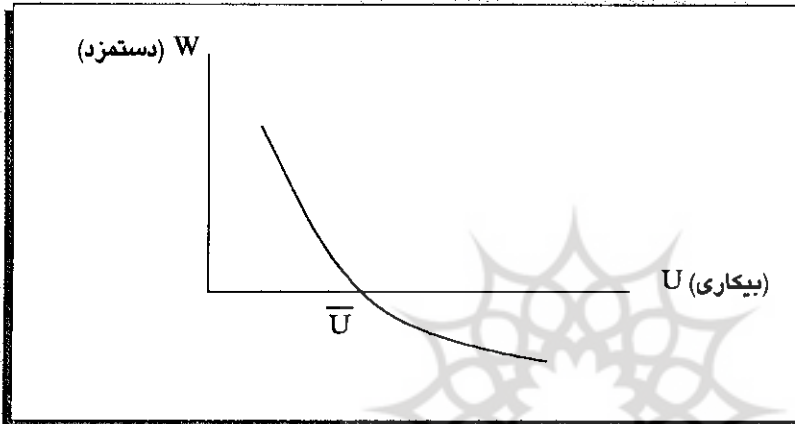
کشورهای آمریکای جنوبی بویژه آرژانتین، برزیل، اروگوئه، پرو، و مکزیک، عمدتاً ناشی از سیاستهای ارزشی و پولی و مالی نامناسب بوده که در برخی از این کشورها وضع نگران‌کننده رکود تورمی را بوجود آورده است. بحث انتظارات عقلایی^۸ توسط جان میوث (Muth, 1961)، یکی از مباحث جنجال‌برانگیز و تحلیلی در خصوص حرکت قیمتهاست. وی با تاکید بر کمیابی اطلاعات، نقش ساختار اقتصادی در شکل‌گیری انتظارات و تاثیر پیش‌بینی‌های متکی بر اطلاعات داخلی بر عملکرد

جدول شماره ۳- نرخ رشد بیکاری در کشورهای در حال توسعه - نیمه دوم قرن بیستم*

گروه کشورها	۱۹۶۰	۱۹۷۰	۱۹۸۰	۱۹۹۰
گروه کشورهای در حال توسعه	۶/۷	۷/۳	۷/۸	۸/۲
افریقا	۷/۷	۹/۶	۹/۸	۹/۹
آسیا	۶/۸	۷/۱	۷/۷	۸/۳
امریکای لاتین	۲/۷	۶/۱	۵/۸	۵/۵

* اغلب این درصدها در پایان قرن بیستم به نرخ بین ده تا بیست درصد افزایش یافته است.
 مأخذ: Yver Sabolo, "Employment & unemployment 1960-90"

نمودار ۳- منحنی فیلیپس (رابطه دستمزد و نرخ بیکاری)



جدول شماره ۴- تعارض اجتنابناپذیر دستیابی به هدف‌های کلان اقتصادی

هدف‌ها	اشتغال کامل	تثبیت اقتصادی	موازنه خارجی	رشد اقتصادی
اشتغال کامل	+	-	-	+
تثبیت قیمتها	-	+	+	+
موازنه خارجی	+	-	+	+
رشد اقتصادی	-	+	-	+

مأخذ: J.H. Malin (1978)

سیستم اقتصادی، به این مسئله اشاره می‌کند که انتظارات درون ذهنی، امیدهای ریاضی شرطی^۹ مبتنی بر الگوهای اقتصادی جامعه هستند که پیش‌بینی اشخاص را پایه‌گذاری می‌کنند. انتظارات عقلایی نگرشی جدید از توانایی دولت در اعمال سیاستهای اقتصادی ارائه می‌دهد. لوکاس (۱۹۷۲)، سارجنت (۱۹۷۳)، والاس (۱۹۷۵)، بارو (۱۹۷۶) به توسعه این مدل و نظریه کمک کردند.

معضل دیگر، بیکاری، با تنزل بهره‌وری و کاهش درآمد مشکلات بیشمار فراراه توسعه اقتصاد قرار می‌دهد. از دیدگاه مایکل تودارو (Todaro, 1981) این مشکلات در نمودار ۴ تبیین می‌شود.

از دیدگاه پرفسور سیمون کوزنتس (S. Kuznets) در میان شش خصوصیت رشدگرا در جهان توسعه یافته، نرخ بالای افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید بویژه بهره‌وری کار و نرخ بالای تحول ساختار اقتصادی از متغیرهای زمینه‌ساز به‌شمار می‌آیند. بیشترین افزایش تاریخی در تولید ناخالص ملی سرانه این گروه از کشورها مرهون نرخ بالای رشد بهره‌وری است. در کشورهای در حال توسعه علاوه بر رشد ضعیف نرخ بهره‌وری، بخش عمده نیروی کار در بخش کشاورزی قرار گرفته و این تراکم نیروی انسانی در تعدادی از کشورهای در حال توسعه در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین وجود بالغ بر ۵۰ درصد نیروی کار در بخش کشاورزی را نشان می‌دهد.

در کشورهای در حال توسعه، بیکاری آشکال متعددی به‌خود می‌گیرد که دلیل عمده آن را موارد زیر تشکیل می‌دهد:

- وجود بیکاری و کم‌کاری شدید در مقایسه با بیکاری آشکار^{۱۰} در کشورهای صنعتی؛
 - پپیچیدگی علل و ریشه‌های بیکاری در جهان توسعه نیافته؛
 - همزمانی فقر و سطح پایین زندگی با نبود کار مولد به عنوان بزرگترین مشکل زمینه‌ساز بحران بیکاری.
- نرخ بیکاری در گروه کشورهای در حال توسعه رو به گسترش است و این روند از جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود؛
 نرخ بیکاری فزاینده در کشورهای در

توسعه نیافتگی زیرساختها^{۱۳} در مناطق غیر شهری و نبود توسعه یکپارچه^{۱۴} جستجو کرد.

رابطه تورم و بازار کار عمدتاً تحت تاثیر الگوی منحنی فیلیپس است. این دیدگاه در سال ۱۹۵۸ رابطه معنی‌دار بین نرخ تورم دستمزدها و نرخ بیکاری ارائه می‌کند که بیانگر همبستگی غیرخطی منفی بین رشد دستمزد و نرخ بیکاری است.

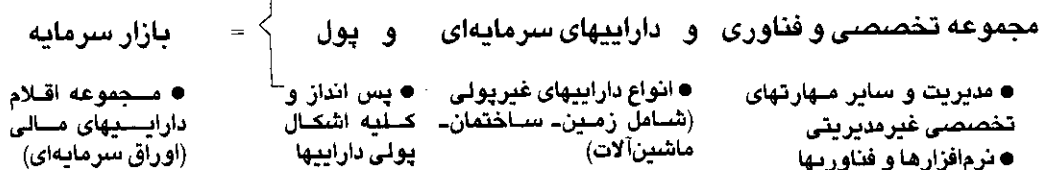
به دنبال نظریه فیلیپس (A.W. Phillips)، ساموئلسن و سولو^{۸۱} (Samuelson & Solow) رابطه بین نرخ

حال توسعه در چهره‌های متفاوت دیده می‌شود:

- بیکاری آشکار (ارادی و غیرارادی)^{۱۱}؛
- کم‌کاری؛
- فعال ولی با بهره‌وری کم شامل مواردی همچون: کم‌کاری پنهان، بیکاری پنهان و بازنشستگی زودرس (ناشی از سوق یافتن نیروی کار به انتخاب دوم)؛
- بیماران؛
- گروه غیرمولد^{۱۲}

دو علت عمده مسئله بیکاری در کشورهای در حال توسعه را باید در

نمودار دیدگاه بیانگر اجزای تشکیل دهنده بازار سرمایه



نمودار ۷- آثار ضدتورمی و اشتغال‌زایی توسعه بازار سرمایه

محورهای گسترش بازار سرمایه		اثر اشتغال‌زایی	اثر ضدتورمی
افزایش تعداد اوراق بهادار (تنوع و توسعه ابزاری)		○	■
افزایش تعداد سهامداران و سرمایه‌گذاران		○	■
افزایش تعداد شرکتهای پذیرفته شده		■	○
افزایش تعداد کارگزاران و واسطه‌گران مالی و سرمایه‌گذاری		■	○
افزایش تعداد شرکتهای سرمایه‌گذاری		■	○
افزایش حجم و مبلغ معاملات - رشد شاخص		○	■
افزایش موسسات، فعالان و بازارهای زیرمجموعه		■	○
■ تاثیر مستقیم ○ تاثیر غیرمستقیم			

تعارض هدفها همراه می‌باشد. این پدیده بویژه در صورت استفاده از سازوکارهای پول و بانک با رفع یک عارضه و مشکل، معضل یا مسایل جدیدی را بوجود می‌آورد. در زمینه پدیده‌های تورم و بیکاری، میزان کارآمدی سیاست پولی در مقابله همزمان با این دو عارضه از قابلیت کارایی و پیش‌بینی دقیق برخوردار نیست. مشکل تعارض در دستیابی همزمان به هدفهای سیاستهای پولی را می‌توان در جدول شماره ۴ مشاهده کرد.

بر پایه تئوریهای روانی مبتنی بر انتظارات و رفتار اقتصادی، در رفع عارضه‌های تورم یا بیکاری، ریشه‌های مسئله باید مورد ارزیابی و شناسایی قرار گیرد. این بررسی در حالتی که تورم یا بیکاری یا روند توسعه اقتصادی و در شرایط اجرای آن تغییر می‌کند ضروری‌تر به نظر می‌رسد. طبق یک مطالعه جامعه‌شناختی براساس متغیرهای ذهنی - فرهنگی

این راه حلها در جدول شماره ۱ بیان شد. راه حلهایی که اقتصاددانان در مواجهه با رشد بیکاری ارائه می‌دهند در موارد زیر جمع‌بندی می‌شود:

- ۱) ایجاد تعادل اقتصادی مناسب بین شهرها و روستاها؛
- ۲) گسترش صنایع کوچک کاربری؛
- ۳) کاهش و حذف انحرافات قیمت عوامل تولید؛
- ۴) انتخاب فناوری مناسب در تولید؛
- ۵) تعدیل ارتباط مستقیم بین آموزش و اشتغال.

این راه‌حلها در شرایطی می‌تواند حداکثر کارایی را به همراه داشته باشد که رکود و بحران بیکاری مشاهده شود و البته در شرایط رکود تورمی کارایی برخی از این راه‌حلها ضعیف است.

از سوی دیگر، در دیدگاه تحلیلگران اقتصاد مالی، اجرای سیاستهای پولی و دستیابی به اهداف این سیاستها بویژه اشتغال و تثبیت، با شرایط نابهنجار و

بیکاری و نرخ تورم قیمتها را برآورد کردند و بعد از آن فرضیه نرخ بیکاری طبیعی توسط میلتن فریدمن (M. Eriedman) و ادموند فلیس (E.S. Phelps) ارائه شد. در تحقیقات بعدی، بایرز (Byers, 1970) ثابت کرد هرگاه نرخ بیکاری به‌طور شدید و متداوم افزایش یابد، یک نرخ با ثبات کاهش دستمزد برقرار خواهد شد. علاوه بر نظریه‌های اشاره شده، دیدگاه کاوش^{۱۵} که در خصوص تورم و بیکاری از سوی استیگلر (Stigler) مطرح شد وجود اطلاعات کامل در بازار کار را مورد تردید قرار داد. همگن نبودن نیروهای کار و نقصان در اطلاعات کارگران و بنگاهها دو فرض اساسی نظریه کاوش است.

روشهای مقابله با تورم و بیکاری در کاهش ناهنجاریهای اقتصادی بویژه تورم و بیکاری، تکنیکها و روشهای مختلف به کار گرفته می‌شوند که بخشی از

نمایندگی^{۲۱}، هزینه تنوع پذیری^{۲۲} و هزینه ادغام^{۲۳} که در بازار سرمایه وجود دارد، توسعه شرکتها با افزایش مقیاس اقتصادی^{۲۴} و گسترش ابعاد فیزیکی بخش تولیدی و خدماتی - تجاری، زمینه اشتغال بیشتر را فراهم می‌کند.

در زمینه گسترش بازار سرمایه و اثرگذاری آن در کاهش ناهنجاریهای اقتصادی دیدگاههای مختلفی وجود دارد که در شماره بعدی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

پی‌نوشت

- 1- Inflation Tax
- 2- Structuralism
- 3- Monetarism
- 4- Prestated target, Long-run policy rules
- 5- Unexpected
- 6- Actual rate of inflation
- 7- Velocity of circulation
- 8- Rational Expectations
- 9- Mathematical conditional expectations
- 10- Open unemployment
- 11- Voluntary & involuntary unemployment
- 12- Unproductive
- 13- Infrastructure
- 14- Integrated development
- 15- Search Theory
- 16- Optimal Characteristics
- 17- Emerging Markets
- 18- Volatile
- 19- Speculative bubble
- 20- Market disorders
- 21- Agency Costs
- 22- Diversification cost
- 23- Merger cost
- 24- Economies of scale

تسلیت

آقایان سعید تاجبخش و سیامک شهریاری حسابداران مستقل عضو انجمن هر یک در سوگ عزیزی نشسته‌اند. مصیبت وارده را به آنان تسلیت گفته و برایشان صبر و بردباری آرزومندیم.

انجمن حسابداران خبره ایران

بر بازار پول، زمینه‌ساز و رشد دهنده بازار مالی است و از سوی دیگر به علت برخورداری مستقیم از عوامل کار و نیروهای تخصصی، فراهم کننده شرایط تثبیت و اشتغال است. به بیان دقیق‌تر، گسترش بازار سرمایه و رشد ابعاد مختلف آن، به مهار تورم و مبارزه با بیکاری کمک می‌کند. فرایند این اثرگذاری در نمودار ۷ منعکس است.

همانگونه که در نمودار ۷ مشاهده می‌شود، افزایش تعداد و تنوع اوراق بهادار، رشد سهامداران و حجم و مبلغ معاملات با جذب منابع پولی و سوق دادن آن به بازار سرمایه از چرخش بی‌رویه پولهای سرگردان جلوگیری می‌کند و از یک آهنگ ضد تورمی برخوردار است، در حالی که افزایش تعداد شرکتها، کارگزاران، موسسات سرمایه‌گذار و بازارهای زیر مجموعه بازار سرمایه، از طریق گسترش فعالیت‌های اقتصادی به کاهش نرخ بیکاری کمک می‌کند. در واقع مدیریت اقتصادی با شناسایی دو گروه آثار، آثار کاهنده تورم و نرخ بیکاری، از طریق ایجاد زمینه‌های گسترش بازار سرمایه، می‌تواند ناهنجاریهای اقتصادی را کاهش دهد.

به‌طور کلی بازار سهام با فراهم کردن زمینه ادغام شرکتها، توسعه فعالیت‌های اقتصادی بویژه سرمایه‌گذاری مولد، توزیع مخاطرات سرمایه‌گذاری و افزایش عرضه منابع سرمایه‌ای جدید به گسترش زمینه‌های اشتغال کمک می‌کند. در کشورهای در حال توسعه این بازارها به صورت بازارهای در حال شکل‌گیری و نوظهور^{۱۷} از شرایط خاصی برخوردارند از قبیل:

(۱) عمق ضعیف و نازکی پوشش فراگیری (نسبت بسیار اندک در مقایسه با سرمایه موجود در اقتصاد)؛

(۲) دشواری نقدشوندگی و عدم پوشش کافی بخش تجارت در این بازار؛

(۳) وضعیت بسیار موج و نوسانی^{۱۸} و دارای تغییرات زیاد نرخ میانگین شاخص؛

(۴) زمینه فراهم حباب سفته‌بازی^{۱۹}؛

(۵) آسیب‌پذیری در مقابل اختلالات و تخلقات^{۲۰}.

به‌رغم شرایط متحول اشاره شده و انواع هزینه‌های احتمالی شامل هزینه‌های

زمینه‌ساز توسعه، هفده متغیر به عنوان مولفه‌های تسهیل‌کننده توسعه در نتایج تاثیر می‌گذارند این موارد عبارتند از: میل به پیشرفت، سعی و تلاش، میل به تولید و پس‌انداز، علم‌گرایی، نوآوری، افق گسترده انتظارات، ریسک‌پذیری، حس استقلال و خودکفایی، همدلی، قدرت‌گرایی، مدیریت زمان، مشارکت، دنیاگرایی، ضابطه‌گرایی (به جای رابطه‌گرایی)، باور به نقش یکسان به رغم تفاوت جنسی، عدم تقدیرگرایی و عدم سنت‌گرایی. براساس این مطالعه، مجموعه شاخصهای اقتصادی افراد را، مواردی همچون سطح درآمد، نوع مالکیت، امکانات رفاهی، جابجاییهای مکانی، شغل و میزان تحصیلات تشکیل می‌دهد. نتیجه این ارزیابی که بر پایه نظریه‌های مجموعه‌ای از علمای اقتصاد و مدیریت از قبیل ماکس وبر، مک کله‌لند، اینکلس، راجز، هیگن، روستو، بویس، لرنر، مایرون وینر استوار است بر نقش پررنگ مولفه‌های فرهنگی و رفتاری تاکید دارد. بر پایه یافته‌های اینگونه تحقیقات، به رغم اقتصادی بودن پدیده تورم و بیکاری، زمینه‌های فرهنگی، روانی و رفتاری این دو پدیده در ایجاد و پایداری ناهنجاریهای مزبور بی‌تاثیر نیست. نمونه بارز و واضح این پدیده نرخ بسیار ضعیف بیکاری در برخی استانهای ایران است که در مقایسه با استانهای حاصلخیز و مساعد از شرایط کویری و نسبتاً نامناسب جغرافیایی برخوردارند. یکی از مناسب‌ترین روشهای مقابله با تورم و بیکاری، توسعه بازار سرمایه است. الگوی بهینه محیط مالی و برخورداری از خصوصیات بهینه^{۱۶} در بازار سرمایه، رفع بخشی از ناهنجاریها را امکان‌پذیر می‌کند.

کاهش ناهنجاریها از طریق توسعه بازار سرمایه

بازار سرمایه به عنوان بخشی از بازار مالی، متشکل از مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و فرآورده‌های پولی و بانکی، از نقشهای متفاوتی برخوردار است یکی از مهمترین این نقشهای محوری را مقابله با ناهنجاریهای اقتصادی تشکیل می‌دهد. در تعریف نموداری (نمودار ۶) این شکل آشکار می‌شود.

در واقع بازار سرمایه از یکسو، با اتکای

بررسی نقش عوامل موثر بر هموارسازی سود

جدول شماره ۳: آمار توصیفی هر یک از متغیرهای مورد تحقیق

شرح	مقدار محاسبه شده t	مقدار محاسبه شده (کایدو)	مقدار طبق جدول آماری
الف: سود ناویژه			
H ₁ - ارزش شرکت (اندازه کل داراییها)	۰/۴۰۰	—	۱/۹۸
H ₂ - نسبت سود به کل داراییها	-۰/۴۶۱	—	۱/۹۸
H ₃ - نوع صنعت:			
کانی و غیرفلزی و نساجی	—	۰/۰۱۴	۳/۸۴
غذایی و شیمیایی	—	۰/۴۳۸	۳/۸۴
ب: سود قبل از کسر مالیات			
H ₁ - ارزش شرکت (اندازه کل داراییها)	۰/۳۶۰	—	۱/۹۸
H ₂ - نسبت سود به کل داراییها	۳/۱۳۷	—	۱/۹۸
H ₃ - نوع صنعت:			
کانی و غیرفلزی و نساجی	—	۰/۸۹۷	۳/۸۴
غذایی و شیمیایی	—	۰/۱۷۶	۳/۸۴

جدول شماره ۴

شرح	فرضیه اول (اصلی)	فرضیه دوم (فرعی)	فرضیه سوم (فرعی)	فرضیه چهارم (فرعی)
با توجه به سود ناویژه	فرضیه صفر پذیرفته می شود	فرضیه فوق تایید می شود	فرضیه فوق تایید می شود	فرضیه فوق تایید می شود
با توجه به سود قبل از کسر مالیات	فرضیه صفر پذیرفته می شود	فرضیه فوق تایید می شود	فرضیه فوق نفی می شود	فرضیه فوق تایید می شود

$$I = S - (VC\% \times \Delta S) - FC + X \rightarrow \Delta I = \Delta S_t - (VC\% \times \Delta S_t) - \Delta FC_t - \Delta X_t$$

دوم - نسبت هزینه های متغیر به فروش (در اکثر مواقع) ثابت است. در ادامه بحث از اختصار VC% برای بیان نسبت هزینه های متغیر به فروش استفاده خواهد شد. VC% در اکثر اوقات ثابت است.

سوم - شرکت دارای تداوم فعالیت بوده، از این رو چنانچه حتی این احتمال بوجود آید که شرکت در حال انحلال باشد هزینه های تصفیه به جای هزینه های ثابت (FC) مد نظر قرار می گیرد. با این فرض، شرکت هایی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته اند که بیش از یک دوره ۵ ساله در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده بودند. بنابراین $FC_t \geq FC_{t-1}$ نشان دهنده هزینه ثابت با فرض تداوم فعالیت برای کسب درآمد و سود است.

$$FC \geq FC_{t-1}$$

چهارم - در دامنه محدود و مشخصی که قابل قبول باشد، تغییر در هزینه های ثابت با تغییر در فروش ارتباطی ندارد.

$$COV(\Delta S, \Delta FC) = 0$$

به طور کلی دو حالت وجود دارد:

الف - هموارسازی سود انجام نگیرد.

ب - هموارسازی ساختگی سود انجام گیرد.

در صورتی که داشته باشیم:

I = سود = S = فروش = VC% = نسبت هزینه متغیر به فروش

FC = هزینه ثابت

X = میزان حساب سازی سود توسط مدیریت در هموارسازی ساختگی سود.

$$\Delta I_t = I_t - I_{t-1}$$

$$\Delta S_t = S_t - S_{t-1}$$

$$\Delta FC_t = FC_t - FC_{t-1}$$

$$\Delta X_t = X_t - X_{t-1}$$

اثبات دو حالت فوق بدین گونه است:

الف - در صورتی که هموارسازی سودی انجام نگیرد. یعنی

$$X_t = 0 \quad \text{باشد در آن صورت} \quad \Delta X_t = 0 \quad \text{می گردد.} \quad ۸۴$$

$$Var(\Delta I) = Var(\Delta S) - Var(VC\% \times \Delta S) - Var(\Delta FC)$$

$$= Var[(1-VC\%)\Delta S - (\Delta FC)]$$

$$= (1-VC\%)^2 Var(\Delta S) + Var(\Delta FC) - 2(1-VC\%) COV(\Delta S, \Delta FC)$$

$$= (1-VC\%)^2 Var(\Delta S) + Var(\Delta FC)$$

$$\left\{ \begin{array}{l} CV_{\Delta S} = \frac{\sqrt{Var(\Delta S)}}{\bar{\Delta S}} \rightarrow \bar{\Delta S} = \Delta S_t \\ CV_{\Delta I} = \frac{\sqrt{Var(\Delta I)}}{\bar{\Delta I}} \rightarrow \bar{\Delta I} = \Delta I_t \end{array} \right. \quad \begin{array}{l} \text{میانگین} \\ \text{میانگین} \end{array}$$

$$CV_{\Delta S} = \frac{\sqrt{(1-VC\%)^2 Var(\Delta S) + Var(\Delta FC)}}{(1-VC\%) \bar{\Delta S} - \bar{\Delta FC}}$$

الف - ۱) اگر $\Delta FC = 0$ باشد.

$$CV_{\Delta S} = \frac{\sqrt{var(\Delta S)}}{\bar{\Delta S}} = \frac{\sqrt{(1-VC\%)^2 Var(\Delta S)}}{(1-VC\%) \bar{\Delta S}} = CV_{\Delta I}$$

الف - ۲) اگر $\Delta FC_1 > 0$ باشد.

- ۳- سالنامه سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران. تهران: سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران - ۱۳۷۴
- ۴- سالنامه سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران. تهران: سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران - ۱۳۷۳
- ۵- سالنامه سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران. تهران: سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران - ۱۳۷۲
- ۶- سالنامه سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران. تهران: سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران - ۱۳۷۱
- ۷- سالنامه سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران. تهران: سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران - ۱۳۷۰
- ۸- سالنامه سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران. تهران: سازمان کارگزاران بورس اوراق بهادار تهران - ۱۳۶۹
- ۹- گزارش هفتگی بورس. اول فروردین ۱۳۷۴ تا پایان اسفند ۱۳۷۴

10- Bernstein A. Leopold., "Financial Statement Analysis: Theory, Application, and Interpretation," 4th ed. Homewood, Illinois: Richard D. IRWIN, INC. 1989.

11- Cooper, W.W. and Ijiri., "Kohler's Dictionary for Accountant's," 6th ed. Prentice Hall, Inc., Englewood Cliffs, 1983.

12- Zimmerman, Jerold L. and Ross L.W., "Positive Accounting Theory," New Jersey: Prentice Hall, Inc., Englewood Cliffs, 1986.

13- Hendrikson, Eldon S., "Accounting Theory," 5th ed. Homewood, Illinois: IRWIN, 1982.

14- Albrecht, W.D. and Richardson, F.M. (1990), 'Income Smoothing by Economy Sector,' *Journal of Business Finance & Accounting*, Winter, pp. 713-730.

15- Ashari, N., Koh, H.C., Tan, S.L. and Wong, W.H. (1994), 'Factors Affecting Income Smoothing Among listed Companies in Singapore,' *Accounting and Business Research*, No. 96, Autumn, pp. 291-301

16- Barefield, R.M. and comiskey, E.E. (1972), 'The smoothing hypothesis: An alternative tests,' *Accounting review*, April, pp. 291-298.

17- Barnea, A.J. Ronen and Sadan, S. (1975), 'The implementation of accounting objectives: An application to extraordinary items,' *Accounting review*, January, PP. 58-68.

18- Beidleman, C.R. (1973), 'Income smoothing: The role of management,' *Accounting review*, October, PP. 653-667.

19- Copeland, R.M. and Licastro, R.D. (1968), 'A note on income smoothing,' *Accounting review*, July, PP. 540-545.

20- Gordon, M.J. (1964), 'Postulates, principles and research in accounting,' *Accounting review* April, PP. 251-263.

21- Michelson, S.E., Jordan-Wagner, J. and Wootton, C.W. (1995), 'A market based analysis of income smoothing,' *Journal of Business Finance & Accounting*, December, PP. 1179-1193.

22- Moses, O.D. (1987), 'Income smoothing and incentives: Empirical tests using accounting changes,' *Accounting review*, No. 2, April, PP. 358-377.

23- Smith, E.D. (1976), 'The effect of the separation of ownership from control on accounting policy decisions,' *Accounting review*, No. 4, October, PP. 707-723.

24- Suh, Y.S. (1990), 'Communication and income smoothing through accounting method choice,' *Management science*, No. 6, June, PP. 704-723.

25- Trueman, B. and Titman, S. (1988), 'An explanation for accounting income smoothing,' *Journal of accounting research*, VOL. 26, Supplement, PP. 127-143.

$$CV_{\Delta S} = \frac{\sqrt{\text{Var}(\Delta S)}}{\Delta S} = \frac{\sqrt{(1-VC\%)^2 \text{Var}(\Delta S)}}{(1-VC\%) \Delta S} \left\{ \frac{\sqrt{(1-VC\%)^2 \text{Var}(\Delta S)}}{(1-VC\%) \Delta S} - \Delta FC \right\}$$

$$\rightarrow CV_{\Delta S} \left\{ \frac{(1-VC\%)^2 \text{Var}(\Delta S) + \text{Var}(\Delta FC)}{(1-VC\%) \Delta S - \Delta FC} \right\} \rightarrow CV_{\Delta S} (CV_{\Delta I})$$

بدین ترتیب اگر $X=0$ گردد یعنی هموارسازی سودی صورت نگیرد، شاخص $\frac{CV_{\Delta I}}{CV_{\Delta S}} \geq 1$ می شود.

ب- در صورتی که هموارسازی ساختگی سودی انجام گیرد. یعنی $X \neq 0$ گردد، در آن صورت $\Delta X_1 \neq 0$ می شود.

$$\text{Var}(\Delta I) = \text{Var} \left[(1-VC\%) \Delta S - \Delta FC + \Delta X \right]$$

$$= (1-VC\%)^2 \text{Var}(\Delta S) + \text{Var}(\Delta FC) + \text{Var}(\Delta X) + 2(1-VC\%) \text{COV}(\Delta S, \Delta X)$$

$$- 2(1-VC\%) \text{COV}(\Delta FC, \Delta S) - 2 \text{COV}(\Delta FC, \Delta X)$$

$$= (1-VC\%)^2 \text{Var}(\Delta S) + \text{Var}(\Delta FC) + \text{Var}(\Delta X) + 2(1-VC\%) \text{COV}(\Delta S, \Delta X)$$

$$- 2 \text{COV}(\Delta FC, \Delta X)$$

$$CV_{\Delta I} = \frac{\sqrt{(1-VC\%)^2 \text{Var}(\Delta S) + \text{Var}(\Delta FC) + \text{Var}(\Delta X) + 2(1-VC\%) \text{COV}(\Delta S, \Delta X) - 2 \text{COV}(\Delta FC, \Delta X)}}{(1-VC\%) \Delta S - \Delta FC + \Delta X}$$

$$\rightarrow CV_{\Delta I} < CV_{\Delta S}$$

با توجه به اینکه در حالت قبلی شاخص بزرگتر از یک شده از این رو فرض بزرگتر از یک در اینجا حذف می گردد. از این رو مانعی که هموارسازی سودی صورت گیرد یعنی $X \neq 0$ باشد،

شاخص $\frac{CV_{\Delta I}}{CV_{\Delta S}} < 1$ می شود.

بی نوشت

- برای توضیحات بیشتر به ماهنامه حسابدار، اردیبهشت ماه ۱۳۷۹، شماره ۱۳۶ صفحه ۳۴ نوشته اینجانب رجوع گردد.

- صنایع نفت و گاز و صنایع دارویی از جمله صنایعی بودند که در آن زمان نسبت به صنایع دیگر تحت رسیدگی و حسابرسی دقیق تر قرار می گرفتند.

- این شاخص اولین بار توسط ایگل مطرح و توسط محققان دیگری همچون ایم هاف (Imhoff)، موزز (Moses)، آلبرشت و ریچاردسون (Albrecht and Richardson) و آشاری و همکاران (Ashari et al.) تکمیل و استفاده شده است. نحوه اثبات فرمول فوق، به طور مفصل در بخش ضمائم همین مقاله ارائه گردیده است.

منابع

- زندگی حقیقی، منوچهر. اقتصاد بخش عمومی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۰

- مدنی، علی. آمار و نظریه احتمال. دو جلد. تهران: پیشبرد، ۱۳۶۸

واژه‌شناسی

بحث شماره آینده: cost

نگارنده از خوانندگانی که به امر واژه‌سازی یا واژه‌گزینی علاقه‌مندند صمیمانه تقاضا می‌کند تا اظهارنظر خود را دربارهٔ مباحث این شماره و واژگان پیشنهادی خود را برای "خوشه‌ی cost"، که از پی می‌آید به آدرس مجله ارسال کنند:

- 1- cost
- 2- cost Accounting
- 3- costing
- 4- costly
- 5- cost- benefit
- 6- cost- plus
- 7- cost of goods sold
- 8- cost- driver
- 9- cost- pool

دو نکته و یک سوال

نکته اول: به علاقه‌مندان توصیه می‌شود که معادلهای پیشنهادی خود را به صورت خوشه‌ای بسازند، مثلاً کمیته تدوین رهنمودهای حسابداری در مفاهیم نظری خوشهٔ "use"، "user"، "usage" و "usefulness" را با خوشهٔ "استفاده کردن"، "استفاده‌کننده"، "استفاده" و "مفید بودن" برابرگذاری کرده است. تمام عناصر این خوشه با هم قوم و خویش هستند. بر این اساس یک خوشهٔ محتمل برای cost بر حسب فهرست فوق به ترتیب عبارت است از:

(۱) بها

(۲) حسابداری بها

(۳) بهاگذاری یا بهاییابی

(۴) بهادار، بهاگیر یا بهاور

(۵) بها- benefit

(۶) فراهیا

(۷) بهای کالای فروخته (یا فروش رفته)

(۸) بهاساز یا بهائین

(۹) بهاچای یا بهاوند^{۱۲} (بها + آوند ← بهاوند)

نکته دوم: از علاقه‌مندان تقاضا می‌شود که پیشنهاد خود را دربارهٔ صورت جمع "بها" اظهار کنند. متأسفانه در جریان گذار از زبان فارسی میانه به فارسی نوین بسیاری از کلمات از جمله "بها" پایانه‌های صرفی خود را از دست دادند. کلمهٔ بها (Bah ā) صورت تغییر یافتهٔ وَهگ (Vahag) است که در آن دو تغییر آوایی صورت گرفته است، اول، v به b تبدیل شده است و دوم پایانهٔ ag را از دست داده و صدای ā را پذیرفته است. بدین لحاظ چون در انتهای کلمه مصوت الف (ā) وجود دارد هنگام جمع بستن با

نشانه‌های جمع فارسی، "ها" و "ان"، واژه خوش‌آوایی تولید نمی‌شود. دو صورت محتمل عبارت است از بهاگان و بهایان به سیاق ناوگان (ناو+گان) و گدایان.

سوال: آیا گروه اسمی "بهای تمام‌شده" به لحاظ معنی‌شناسی و ساخت واژه معادلی مناسب برای cost است؟

پی‌نوشت

۱. شلیله، محمد، "اسماعیل عرفانی رفته از یاد به یادمانندی"، حسابرس، شماره ۱، سازمان حسابرسی

2. Edward Hal

3. Edward T. Hall, "The silent language", Newyork: Fawcatt, p. 128

4. intimate

5. personal

6. social

7. public

۸. کمیته تدوین رهنمودهای حسابداری. رهنمود حسابداری شماره ۱۲، "افشای اطلاعات در خصوص اشخاص وابسته". سازمان حسابرسی (اسفند ۱۳۷۷) بند ۲، صفحه ۲۷۱.

9. Committe on terminology, "cost, Expense and loss", Accounting Terminology Butl No 4 (AICPA), 1957, Par.3

10. Accounting principles Board, "Basic Concepts and accounting principles underlying financial statements of business enterprises", APB statement No 4 (AICPA), 1970, Par. 34.

11. Financial Accounting standard Board, "Elements of Financial statements", statement of financial accounting concepts No. 6. 1985. par. 80.

۱۲. آوند به معنی ظرف (نگاه کنید به فرهنگ عمید)

منابع

۱. فرهنگ، علی‌اکبر، "ارتباطات انسانی" جلد اول، چاپ اول، موسسه تهران تایمزی، بهار ۱۳۷۳.

۲. کمیته تدوین رهنمودهای حسابداری، رهنمودهای حسابداری، چاپ اول، سازمان حسابرسی، اسفند ۱۳۵۷

۳. عمده حسن، "فرهنگ فارسی عمید" موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.

4. Eldon S. Henderikson & Michael F. Van Breda", Accounting Theory" 5th Ed, Richard D. Irwin, Inc. 1992.

5. Kohler's dictionary for accountants, Editel by w.w. cooper & Yuji Ijiri. 6th Ed. Prentice - Hall, 1983.

6. Oxford, dictionary of accounting, Oxford University Press, 1999.

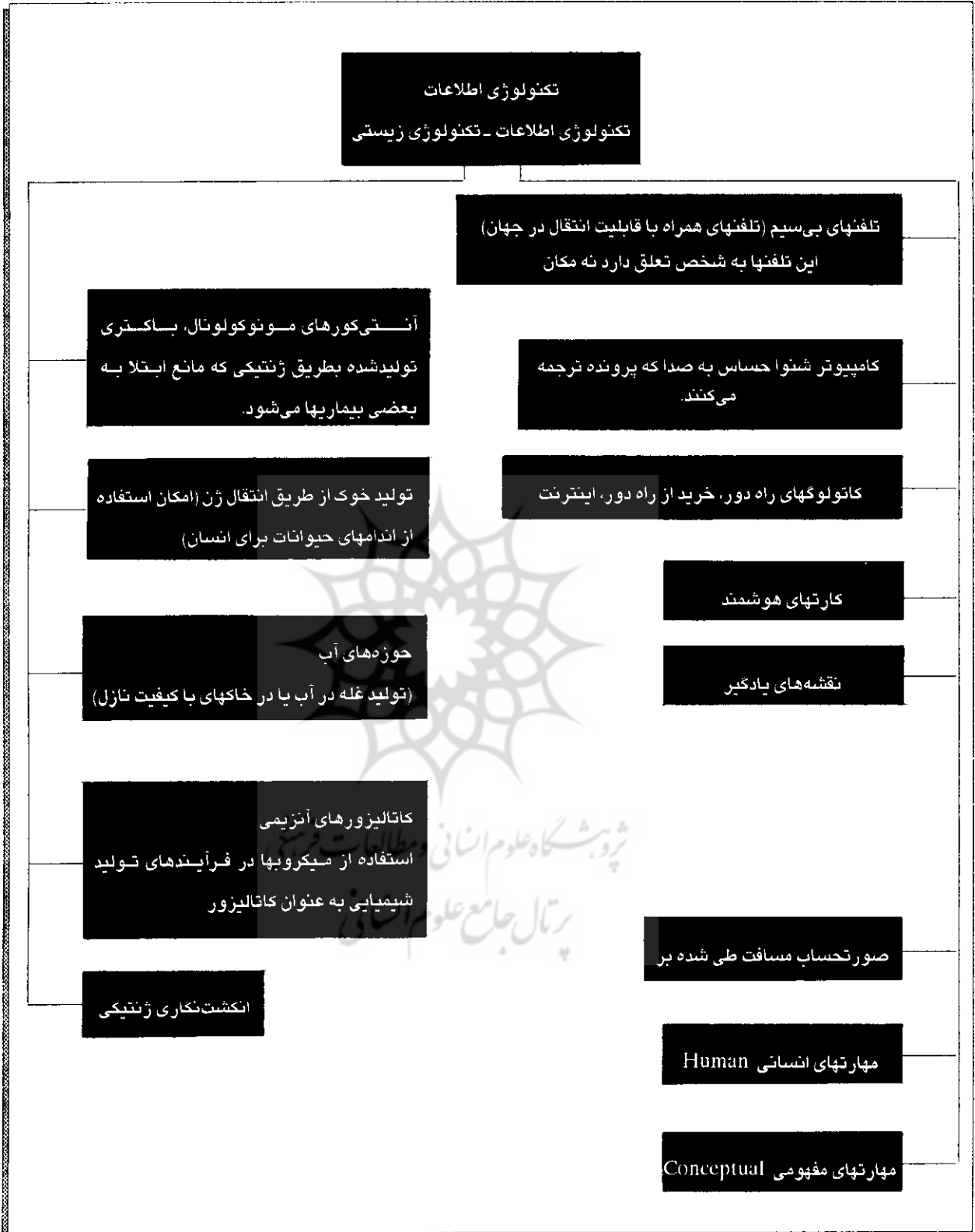
7. Webster's New world dictionary, 2d collge Ed, Prentice Hall press, 1986.

8. S.A. Handford & Mary Herberg, "langenscheidt's pocket dictionary", Langenscheidt KG, 1966.

تسلیمت

آقایان دکتر اله کرم میرزایی و دکتر محمدحسن اردبیلی از دوستان انجمن هر یک در سوگ عزیزی نشستند. مصیبت وارده را به آنان تسلیمت گفته و برایشان صبر و بردباری آرزومندیم.

انجمن حسابداران خیره ایران



نمونه‌های ویژگی‌های مغز انسان و کامپیوتر

مغز انسان	کامپیوتر
کند	سریع
استنتاج استقرایی	استنتاج قیاسی
غیردقیق	دقیق
دارای قدرت احساس و درک	فاقد قدرت احساس و درک
فراموشکار	دارای حافظه دائم
خلاق	فاقد خلاقیت
دارای انگیزه	فاقد انگیزه
دارای قدرت یادگیری	برای کسب دانش باید برنامه‌سازی شود
الکترو شیمیایی	الکتریکی

نیز متأسفانه در بسیاری مواقع آنچنان اسیر توهمات استاندارد شده‌اند که فراموش می‌کنند اجرای هر دستورالعملی نیازمند محیط مساعد اولیه آن می‌باشد که در غیر اینصورت این استانداردها به ضد خود تبدیل می‌شوند. حسابرسی و حسابداری که در دنیای معاصر کنونی در بسیاری کشورهای پیشرفته صنعتی پیشقراول بازار سرمایه به مثابه خون رگ صنعت و تولید به شمار می‌رود و دهها رشته فرعی نظیر مدیریت دارایی، مدیریت مالی، مهندسی مالی، فاینانس، مدیریت بورس و سهام و ... از آن منشعب شده‌اند در ایران در لابلای متون کهنه درسی باقیمانده است. آموزش عالی و آموزش متوسطه که باید مسئول فراگیری این رشته باشند عملاً به علت عدم احاطه اصولی بر سرانجام و نتایج حاصل از حسابداری و حسابرسی در فرآیند تصمیم‌گیری بر مبنای دروس این رشته دچار نوعی قهقرا گردیده است. بسیاری استادان و مدرسان این دروس که با بخش عملی و اجرایی بیگانه‌اند مسئول و متولی تدریس حسابرسی و حسابداری شده‌اند که حاصل آن افزایش تعداد قابل ملاحظه فارغ‌التحصیلان این رشته بدون توجه به مفاهیم کاربردی در بازار نابسامان حسابرسی و حسابداری می‌باشند.

مدیران و فرار استفاده‌کنندگان و بهره‌مندان از عملیات حسابرسی شده است. مشخصه‌های خاص این موارد معاملات موضوع ماده (۱۲۹) درباره شرکت‌های وابسته به نهادها و موسسات پا گرفته پس از انقلاب، موضوع ابهام در شرایط کشوری که اساس عملکرد اقتصادی آن در بیست ساله اخیر بر پایه ابهام محتوی و شکل وجود داشته، طرح محدودیت‌های حسابرسی در جامعه‌ای که محدودیت عنصر ذاتی اقتصادی آن به شمار می‌رود و دهها نمونه دیگر می‌باشد، بدیهی است با چنین رفتار حسابرسی در قضاوت و ارزیابی نمی‌توان بستر مناسبی را جهت پیشرفت و توسعه حسابداری و حسابرسی فراهم آورد، بلکه عملاً در یک پروسه بیست ساله فارغ از الزامات قانونی، بسیاری از مدیران و مسئولان حسابرسان را نوعی مزاحم تلقی می‌کنند که دفع شر او از اهم واجبات به شمار می‌رود. وضع قوانین و مقرراتی خلاف استانداردهای حسابرسی، اعمال روشهای مالیاتی خلاف اصول اولیه حسابداری و اجرای موادی از قانون تجارت که لااقل مربوط به پنجاه سال پیش می‌باشد همگی از عوامل بازدارنده و مانع اصلی ایجاد بستر مناسبات حسابرسی و حسابداری به شمار می‌روند که حسابرسان

مثابه عامل بازدارنده برنامه‌های اجرایی قلمداد می‌کنند. این در حالی است که امروزه ثابت شده نبود حسابداری و حسابرسی باعث حیف و میل و سوء مدیریت میلیاردها تومان منابع ملی کشور گردیده است.

اگر نگاهی دقیق به انتظارات جامعه از حسابرسان بیاندازیم حداقل موارد ذیل از خواسته‌های برحق جامعه از حسابرسان می‌باشد:

۱- گزارش در مورد ارزیابی عملکرد، کارایی و شایستگی مدیران
۲- کشف تقلب و اختلاس و اعمال غیرقانونی مدیران

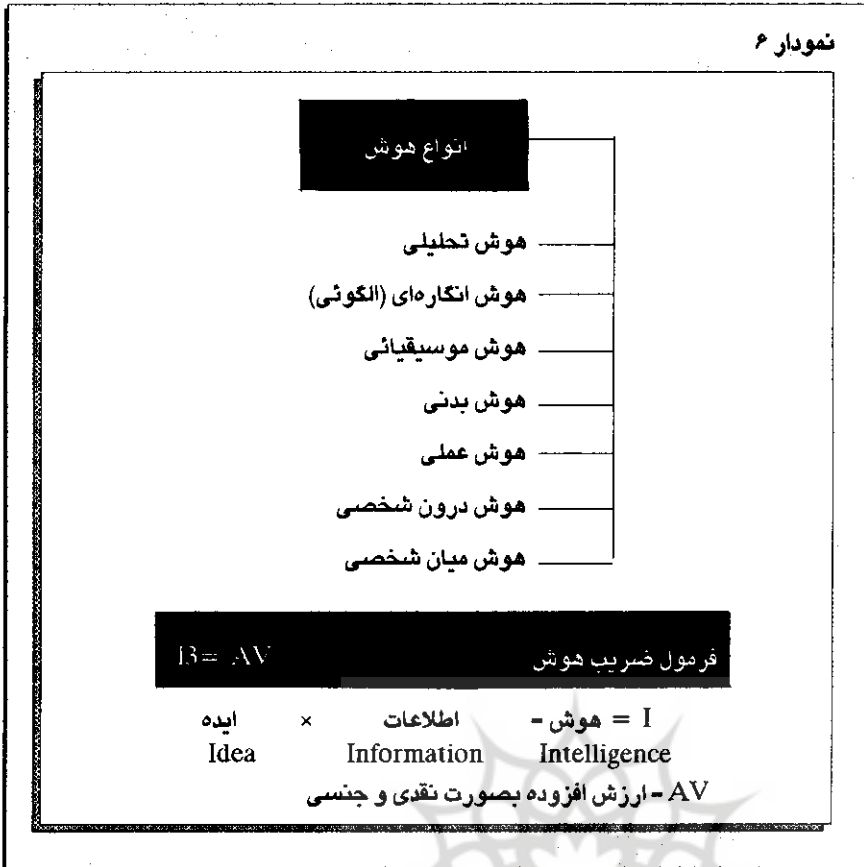
۳- رعایت و حفظ منافع سهامداران و سایر استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی نظیر بانکها، طلبکاران، دولت و ...

گزارش حسابرسی محصول نهایی و اصلی فرآیند حسابرسی و وسیله‌ای است برای بیان قضاوت و اظهار نظر حسابرسی درباره کیفیت و محتوای صورتهای مالی. به عبارتی دیگر از آنجا که عملکرد واحدهای انتفاعی اقتصادی در قالب آمار و اعداد مندرج در گزارشات مالی (صورتهای مالی) بیان می‌شوند، وظیفه حسابرسان در واقع قضاوت و بررسی عملکرد مدیران دستگاهها و موسسات اقتصادی کشور محسوب می‌شود.

در کشور ما حسابرسی و دستگاههای متولی آن نظیر سازمان حسابرسی، انجمن حسابداران خبره ایران، موسسات حسابرسی نتوانستند در راستای خواسته‌های جامعه بطریقی گام بردارند که بتوانند یکسری اصول و ضوابط برخاسته از شرایط عینی جامعه و فاکتورهای موثر بر فعالیتهای اقتصادی آن را تدوین و انتشار دهند.

از طرف دیگر کاربرد استانداردها و مقررات بین‌المللی که در بستر مناسبات سرمایه‌داری و مالی خاص جان گرفته بود در اقتصاد بیجان کشور باعث عدم اعتماد

نمودار ۶



انجمن حسابداران خبره ایران که فاقد هرگونه ابزار قانونی جهت پیشبرد اهداف خود بود به یک تجمع حرفه‌ای غیرفعال تبدیل و نهایتاً کار به جنایی رسید که نهادهایی نظیر دیوان محاسبات کشور و موسساتی مشابه آن خود را محق به ارائه و تدوین استانداردهای خاص حسابداری و حسابرسی دانسته‌اند و نتیجه این امر دست یازیدن به روشهای منسوخ حسابداری دولتی می‌باشد.

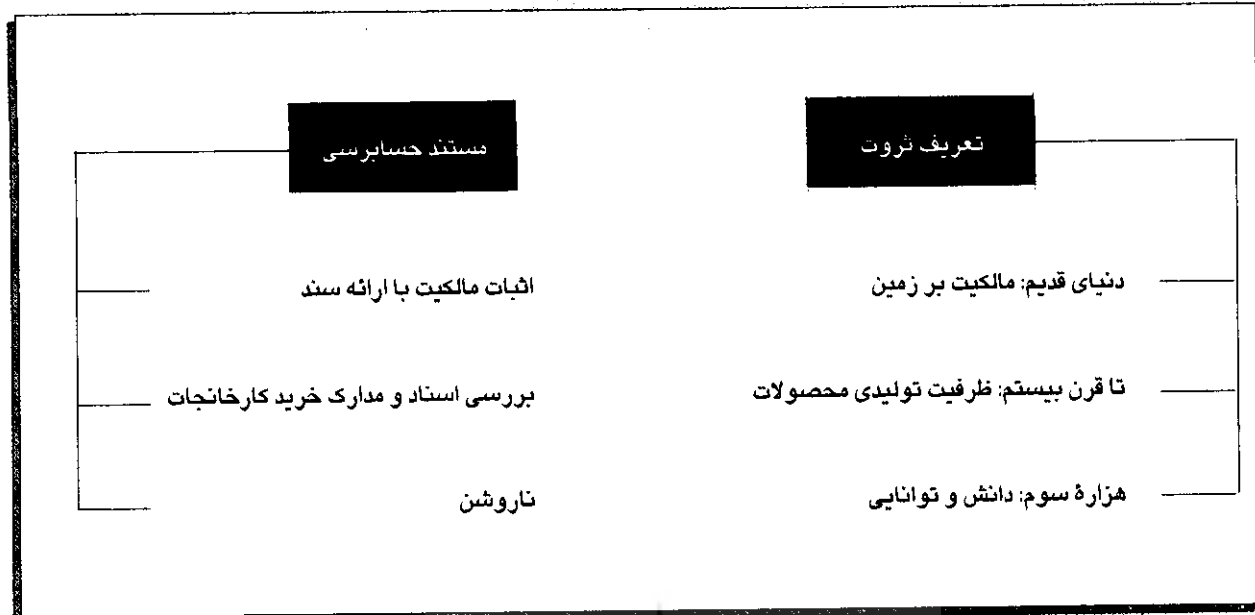
علم ابزار کشف حقیقت و محصول تحقیق و پژوهش است. گفته می‌شود دیدن چیزی است که دیگر نمی‌توانند ببینند و اندیشیدن درباره چیزی است که دیگران نمی‌توانند به آن بیندیشند. در واقع دیدن آن چه بسیاری از دیدن آن ناتوانند نیازمند دیدن عمیق و موشکافانه است که تنها در طریق کنش و واکنشهای آموزشی - علمی در شرایط محیطی مناسب به ویژه از سوی کسانی است که وظیفه دیدن و اندیشیدن دارند. بی‌شک علم و اندیشه در همه دورانهای تاریخی وجود داشته‌اند که اثبات آن حضور ارسطو، سقراط، فیثاغورث، ارشمیدس، بیکن ... بوده‌اند. اما یقیناً زایش علم جدید با گالیله و پیروزی روشهای تجربی همراه بوده است. توسعه علم و ریاضیات در قرن هفدهم به سطحی رسید که در تمام ادوار قبلی بی‌سابقه بود. این توسعه، نتیجه انقلاب فرهنگی، رنسانس و توسعه بازرگانی و اقتصاد در پیوست با پیشرفت فن‌آوری بود. به همین علت این دوران را قرن نابغه‌ها نامیده‌اند. دانشمندانی همچون گالیله، تورچلی، دکارت، پاسکال، نیوتن، در کنار معاصرانشان افراد بزرگی چون شکسپیر، میلتن، اسپینوزا، مولیر، کالدون، روبنز، رامبراند، پالاندیو این نامگذاری را مفهوم می‌بخشند. در تقسیم‌بندی دوران تاریخی نظریه غالب در سطح جهانی، دنیا را به دوره‌های ذیل تقسیم‌بندی کرده‌اند.

۱- عصر اقتصاد

علوم تبدیل می‌شود. بر این اساس فلسفه حسابرسی کانون تجزیه و تحلیل برآمدهای حسابداری و اقتصاد در حوزه تبیین اعداد و ارقام در صورتهای مالی باید نامیده شود چرا که حسابرس به عنوان مهمترین وظیفه خود که همانا اظهارنظر می‌باشد به اعداد و ارقام خام معنا و مفهوم اعتباری می‌بخشد که این وظیفه در قالبهای علمی امروزین که همانا چارچوبهای نظری است تبیین می‌شوند. با نگاهی کلی به روند شکل‌گیری حسابداری می‌توان دریافت که خواستگاه حسابداری، سرمایه‌داری است.

حسابداری و حسابرسی بخشی از علوم منطقی و عملی و محصول دوره سرمایه‌داری است. شرط اصلی پیدایش سرمایه وجود پول به عنوان ارزشی فی‌نفسه است، پولی که از گردش خارج شده و نسبت به آن واقعیتی سلبی پیدا کرده است، یعنی ارزشی مستقل از گردش و متضاد با آن به عبارت دیگر، شرط آغازین پیدایش سرمایه

(فلاسفه قرون وسطی) The age of economy
۲- عصر بلندگرایی
فلاسفه رنسانس The age of adventure
۳- عصر خردگرایی
فلاسفه قرن هفدهم The age of Reason
۴- عصر روشنگری
فلاسفه قرن هجدهم The age of Enlightenment
۵- عصر ایدئولوژی
فلاسفه قرن نوزدهم The age of Belief
۶- عصر تجزیه و تحلیل
فلاسفه قرن بیستم The age of Analysis
۷- عصریست مدرنیسم
هزاره سوم The age of post modern
اگر بر این تقسیم‌بندی ایرادی وارد نباشد حسابداری و حسابرسی فارغ از پیشینه تاریخی آن به معنی جدید آن، محصول عصر تجزیه و تحلیل می‌باشد که این عصر با توسعه سرمایه و صنعت در اروپا آغاز شد. چون فلسفه سنجش‌گاه علم محسوب می‌شود به کانونی برای تحلیل برآمدهای



در هر جامعه‌ای دو چیز را می‌توان از هم تشخیص داد اول بنیان اقتصادی یا زیر بنا (Base + infrastructure) و سپس رو بنا (Super Structure) بررسی نظام اقتصادی جدای از ساخت اجمالی آن امکانپذیر نیست زیرا قوانین اقتصادی در حکم بیان انتزاعی مناسباتی اجتماعی هستند که مشخص کننده یک شیوه تولید خاصی هستند. نظریه‌های حسابداری با توجه به ساختار اجتماعی - اقتصادی هر جامعه‌ای و اهداف حسابداری با توجه به ساختار اجتماعی - اقتصادی هر جامعه‌ای و اهداف حسابداری شکل می‌گیرند. از طرف دیگر اهداف حسابداری نیز تابعی از اوضاع حاکم بر محیط حسابداری است که محیط حسابداری در سیستم کل اقتصاد کشور لحاظ است.

بشر اجتماعی در آستانه هزاره سوم در حال جایگزین شدن بشر اقتصادی از یک طرف و تقدم سازمان اقتصادی بر سیاست از طرف دیگر می‌باشد. در واقع با نگاهی به موارد پیش گفته درک این نکته ضروری است که در علمی که واقعیت بشری مورد

وظیفه می‌دهد. نوآوری فرآیند اخذ ایده خلاق و تبدیل آن به محصول، خدمات و روشهای جدید عملیات است. در حالی که تغییر ایجاد هر چیزی است که با گذشته تفاوت داشته باشد، پس نوآوری اتخاذ ایده‌هایی است که برای سازمان جدید است. بنابراین تمام نوآوریها منعکس کننده یک تغییرند اما تمام تغییرها، نوآوری نیستند. در این ارتباط جامعه صنعتی غربی خصلت نمونه‌وار دارد بسیاری جنبه‌های جامعه صنعتی غرب خصیصه جهانی دارند. اندیشه علمی به دو معنی از عمومیت برخوردار است اندیشه اثباتی در ریاضیات و فیزیک و ... جهانگیرست بدین معنی که همه بخشهای نوع بشر به محض مشاهده پیشرفتهای ناشی از اندیشه اثباتی این طرز اندیشه را می‌پذیرد و به همین علت علم غربی به علم همه بشریت تبدیل شده بنابراین وقتی که در مسائل نجوم و فیزیک به شیوه اثباتی بیندیشیم دیگر نمی‌توان در سایر حوزه‌ها از جمله حسابداری و حسابرسی به شیوه‌ای دیگر دست یازیم.

وقتی است که کالا خصلت صرفاً صوری و گذرانی را که در مبادله با کالای مصرفی دیگر داشت را به نحوی که بلادرنگ پس از مصرف شدن در واقع نیست و نابود می‌شود، از دست می‌دهد. وانگهی فرآورده سرمایه هم به نوبه خود ارزشی تازه است چرا که باز تولید آن هم امری صرفاً صوری نیست چون از سه جز سرمایه فقط یک جز هست که واقعاً به مصرف می‌رسد، یعنی باز تولید می‌شود و آن همانا دستمزد است، سود، باز تولید ارزش قبلی نیست بلکه ارزش جدید، یا ارزش اضافی است در هر صورت آخرین فرآورده سرمایه یعنی سود بصورت معادل در گردش وارد نمی‌شود، ضمناً هنوز به سرمایه تبدیل نشده است، پس چیست؟ در واقع مثل حالتی که پول در آغاز روند داشت بصورت ارزش مستقل یا واقعیتی سلبی، در برابر گردش است.

پول که در آغاز شرط مقدم و علت اولی سرمایه بود اکنون خود نتیجه سرمایه است پولی که ابتدا از گردش ساده کالاهای نتیجه می‌شد اینک از فرایند تولید سرمایه نتیجه می‌شود که در پروسه تغییر و نوآوری تغییر

مطالعه آنهاست دو جهت را باید همیشه از هم جدا کرد، یکی جهت تاریخی یعنی توصیف آنچه که یکبار روی داده و هرگز دوباره تکرار نخواهد شد و دیگر جهت جامعه شناختی یعنی بازسازی نهادهای اجتماعی و کارکرد آنها، این دو جهت مکمل یکدیگرند.

حسابدار از آنجا که پدیده‌ها (رخ داده‌ها) را بررسی می‌کند نمی‌تواند دوباره مجهولات و یا مسائل مربوط به آینده نظر قطعی بدهد اما با توجه به اینکه حسابداری بر پایه استدلال قرار دارد، رویه استدلال به او می‌آموزد که از انتقال چند معلوم تصدیقی به یک مجهول تصدیقی دست یابد. تفکر حسابدار و حسابرس در استقرا شکل می‌گیرد که پاره‌ای از جزئیات را بررسی و از آنها یک حکم کلی استنباط می‌نماید و برای اثبات این رویه از قیاس یاری می‌گیرد. جالب آنکه حسابرس عموماً بر استقرایی تکیه دارد که صرفاً بر مشاهده متکی نیست بلکه علاوه بر مشاهده بر تحلیل نیز مبتنی است به همین علت نظریه حسابرس در حوزه تعیین جای دارد. در بررسی گزارش حسابرسان توجه به قیاس قابل توجه است زیرا گزارش حسابرسان مانند قیاس مجموعه‌ای فراهم آمده از چند قضیه (بندهای گزارش) است که بصورت یک واحد درآمده و لازمه قبول آنها، قبول یک قضیه دیگر است.

قلمرو فلسفه در حسابرسی

بند اظهارنظر حسابرسی متکی بر عواملی است که اساساً جایگاه آنان در فلسفه تعریف شده است. نگاهی به بندهای مشروط: آثار پیش‌آمدهای احتمالی، متحمل الوقوع، احتمال در اظهارنظر حسابرس همگی موبد این موضوع است که حسابرسی و فلسفه قربات خاصی دارا می‌باشند. زیرا مفاهیم ابهام، محدودیت و قیاس، امکان در قلمرو فلسفه معنی می‌یابند. تئوری حسابداری نظام استدلال

منطقی است که چارچوب برای ایجاد اصول فراگیر فراهم می‌کند، این اصول هم برای ارزیابی نحوه عمل حسابداری به کار می‌رود و هم رهنمودی برای توسعه روشهای جدید در حسابداری می‌باشد. به‌طور کلی هر تئوری را می‌توان براساس هر یک از دو روش استدلال منطقی یعنی استقرا و قیاس پایه گذاشت. در استقرا ابتدا داده‌های مالی مورد مشاهده قرار می‌گیرد آنگاه اگر بتوان روابطی بین این داده‌ها کشف گردد، تصمیم داده شده، اصول بدست می‌آید. اما در صورت استفاده از قیاس در ایجاد تئوری حسابداری ابتدا اهداف و مفروضات مشخص شده سپس با استفاده از قواعد استنتاج منطقی اصولی که قابلیت کاربرد دارد از اهداف و مفروضات منتج می‌شود.

روش شناختی حسابداری در رویکردهای علمی آن در چارچوب و قلمرو فلسفه معنی می‌دهد به‌طوری که رویکردهای قیاسی، استقرایی، اثبات گرائی، ابزار گرائی، ابطال پذیری، نسبی گرائی، عقل گرائی و هرج و مرج گرائی جز در قلمرو فلسفه و علوم نمی‌توانند حسابداری را مورد بحث قرار دهد.

سیر تطور حسابداری

حسابداری در فرآیند تاریخی خود مراحل را پشت سر گذرانیده که این تطور عبارتند از: دوران سادگی کامل

The age of innocence

دوران بهینه‌سازی

The age of improvisation

دوران یکنواختی

The age of Uniformity

دوران تورم

The age of Inflation

دوران مداخله

The age of Intervention

دوران همگرایی

The age of Integration

دوران ابداع

جمع‌بندی

با توجه به موارد پیشگفته نقش و

وظیفه حسابداران و حسابرسان در هزاره سوم بسی متفاوت از نقش سنتی و فعلی آنان در ایران است آگاهی به دانش و ارتباطات که پایه تداوم فعالیت در هزاره سوم می‌باشد برای حسابداران و حسابرسان در کاربرد اطلاعات و تکنولوژی مفهوم می‌یابد و بدون این کارکرد نقش حسابداران روز به روز کمرنگ‌تر خواهد شد، (نمودار ۷) قربات و نزدیکی برخی رشته‌ها به حسابداری در قرن دانش و اطلاعات، نظیر (IT) و مهندسی مالی باعث خواهد شد حسابداران و حسابرسان گام موثرتری در فراگیر دانش و اطلاعات روز نمایند. بی‌شک آنچه مشوق جامعه حسابداری در رشد و اعتلا است وضعیت اقتصاد کشور و نیازمندی استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی خواهد بود که بدون این نیازمندی پیشرفت حسابداری عملاً امکانپذیر نخواهد بود. مختصات هزاره سوم باعث خواهد شد حتی در قلمرو روش شناختی حسابداری نیز تغییر و تحولات اساسی پدید آید که چارچوب مفهومی جدیدی را برای عملکرد حسابداری و حسابرسی به همراه خواهد داشت. جهان آینده بر پایه سرعت و تفکر و دانش رشد می‌یابد لذا گزارش حسابرسی باید بتواند این مبانی آینده‌نگری را به همراه آورد زیرا در آینده سخن گفتن از گذشته (روی داده‌ها) گامی به قهقرا خواهد بود. اما قضاوت درباره آینده و سیر حرکت پدیده‌ها نیز نیاز به شناخت نسبی فلسفه، تسلط به کاربرد تکنولوژی اطلاعات و احاطه به وسایل ارتباطی نظیر اینترنت و ... خواهد بود که حسابرسان نباید از آن غفلت نمایند.

منابع

- ۱- نشریه بررسیهای حسابداری شماره (۱۲) و (۱۳)
- ۲- کتاب جهانی شدن تالیف دکتر ایمانی‌راد
- ۳- کتاب سنت‌گرایی اثر چارلز هندی
- ۴- مدیریت در قرن آینده پیتر دراگر